

## فقر و راهبردهایی برای کاهش آن

# بررسی پدیده فقر و محرومیت در ایران

● دکتر حسین اسایش

استاد دانشکاه

### ● مقدمه

جامعه‌شناسان فقر را معیاری برای سنجش عدالت اجتماعی در یک جامعه مفروض می‌دانند و اقتصاددانان؛ میزان درآمد افراد یا خانواده‌ها یا به عبارت دیگر، میزان درآمد سرانه را، شاخص اندازه‌گیری فقر و ثنهی یک جامعه در نظر می‌گیرند.

در فرهنگ معین: (Favir)، به مفهوم نهیدست، تنگدست و محتاج یا:

اف - کسی که نیازمند به حق باشد و ذلت سوال را تنها در استانه خویش تحمل کند.

پ - آن بود که - یعنی از مراد خالی بود «ولا مالک و یمالک» تعریف شده است.<sup>(۱)</sup> در لغت‌نامه

«مخدا» فقیر به این معنی آمده است: درویش؛ بی‌چیز، کدال، بیچاره، نادار، مسکین و بالاخره،

آنکه بسیار محتاج است و هیچ چیز ندارد.

در فرهنگ لاروس فرانسسه: واژه فقیر (pauvre) را به مفهوم کسی که منابع، اموال و پول کمی در اختیار دارد یا فردی که فقیر است، ذکر کرده‌اند.<sup>(۲)</sup>

در اصطلاح علوم اقتصاد و در حرف امروز بین‌المللی، فقیر کسی است که از حداقل یک

زندگی قابل قبول جامعه برخوردار، محروم باشد. به حداقل درآمد خود (مقرر نموده می‌شود) به

خوار مثال: در سال ۱۳۷۳ در کشور ما، خط فقر برای شهر ۲۸۷۹۹۵ ریال و برای روستا ۳۶۶۵۵۷

ریال سرانه سالانه تعیین شده است.<sup>(۳)</sup> آنچه در

این مقاله مورد بحث قرار می‌گیرد، همان تعریفی است

● قسمت اول

در هر حال، ثروت و منابع مالی و اقتصادی در جهان محدودند و تمرکز آن در یک نقطه، موجب کاهش و خالی شدن آن در سایر نقاط خواهد شد.

این نابرابریها، یعنی بیش از حد نیاز خود تملک کردن و مالک ثروتهای بسا آورده و افسانه‌ای بودن (که به آن نیاز ندارند)،

تصاحب کردن سهم دیگران است. به نظر کاندی رهبر فقید هند: اگر

کسی مالک چیزی باشد که به آن نیاز ندارد، هر چند هم آن چیز در

اصل از دزدی مستقیم به دست نیامده باشد، باید مال سرقت

شده به حساب آید.

الکساندرا استنفنز، کارشناس و جامعه‌شناس سازمان خواروبار

و کشاورزی ملل متحد: فقر در اسباب واقع، کیفر خواستی

علیه همه ما به شمار می‌آید. این موضوع که در برابر کوهی از

اسراف و تبذیر مواد غذایی، کرسنگی، بی‌سرو صدا و ذره

ذره به پیش می‌خزد و هر گونه پایداری را به خطر می‌اندازد،

قطعا معضلی سیاسی است که نیاز به راه حل سیاسی نیز دارد.

که امروز دنیا را در آغوش گرفته است، بدین معنی است:

فقر را کسی می‌تواند که خود و سائله تکفل او

تواند از حداقل زندگی قابل قبول انسانی

برای سالها، فقر بیسرریز بر خوردار شوند.

بسیار است که در فقر در همه جای کشور،

بسیار و قویا از روستاها به جامعه دیگر، از

منطقه‌ای به منطقه دیگر و از شهری به شهر دیگر

و بالاخره از زمانی به زمان در کمر و در انواع

معیشتیهای گوناگون تغییر می‌کند. ممکن است

نداشتن ماشین (اتومبیل)، برای کسی که در یک

شهر زندگی می‌کند، نشانه‌ای از فقر باشد، زیرا که

ماشین در آن شهر از وسایل ضروری زندگی آن

شهر است، ولی نداشتن همین وسیله ضروری برای

کسی که در یک روستا زندگی می‌کند، نشانه فقر

نیست. به عبارت دیگر، می‌توان گفت: فقر، فقر

مانند سایر پدیده‌های اجتماعی از اعتبار زمانی و مکانی برخوردار است و با خود جامعه را متحمل و

ذکرگون می‌شود.

### ● فقر چیست و پیامدهای آن کدام است؟

وقتی ما در ایران و به خصوص در استان

سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد

فقر را به معنی فقر بیسرریز بر خوردار

کشورها، در سال ۱۹۷۵ توسط سازمان خواروبار

و کشاورزی ملل متحد، برای کشورهای در حال

توسعه، فقر را «عدم دسترسی به حداقل

فقرها همه جای دنیا را پوشانده است؛ هر ذهن سالمی را به وحشت می اندازد.<sup>۱۱</sup>

کرچه فقر همزاد بشر بوده، اما دامنه آن در هیچ زمانی به کسزدکی زمان حاضر نبوده است. آن هم زمانی که بیش از هر زمان دیگر، آوای تمدن و پیشرفت در بلندکوها نواخته می شود. برخلاف اظهارات برخی از صاحب نظران که فقر را پدیده قرن اخیر می دانند، فقر مسأله‌ای است که در همه جوامع و در هر دوره زمانی وجود داشته است. در هر عصری سیاستگذاران به سلیقه خود در پی حل و از بین بردن آن بوده‌اند و مقابله با آن، از مضامین اصلی تمامی ادیان توحیدی است.

از اواخر قرن هجدهم به این طرف، توجه به فقیران و مقابله با محرومیتها به اجزای متافع اجتماعی (Social Benefit) مورد توجه قرار گرفته است. ولی به نظر اکثر سیاستگذاران و اقتصاد دانان، این پدیده از حدود چهار دهه قبل در مقیاس ملی و بین‌المللی به مهم‌ترین مسأله اجتماعی و سیاسی جوامع بشری تبدیل شده است. تاکنون، مطالعات زیادی برای تعریف و کمی کردن مفهوم فقر صورت گرفته است. با توجه به مفهوم فقر، که ناتوانی در برآورد ساختن حد کافی نیازهای انسانی در سطح خانواده است، می توان فقر را به ۳ نوع طبقه بندی کرد: فقر نسبی، فقر مطلق و فقر ذهنی؛

فقر نسبی: عبارتی است که سنجش درجه ارضای نیازهای فرد در رابطه و نسبت به دیگر افراد جامعه.

فقر مطلق: به ناتوانی از تأمین حداقل سطح زندگی برمی گردد. اصولاً وقتی سواد، بهداشت، برای سطوحی از ارضای نیازها تعیین شود، در این صورت اشخاص قادرند، به طور مطلق وضع خود را مشخص کنند.

فقر ذهنی: هر فردی که مورد توجه یا سازهایی وی به میزان کافی یا غیر کافی ارضای می شوند یا نه، هویت می یابد، یعنی ملاک ذهنی خانواده هم افراد است.<sup>۱۲</sup>

بسی فقیر به کسی اطلاق می شود که قادر به تأمین نیازهای اساسی زندگی خود نباشد. این نیازها، طبق موازین بین‌المللی به دو دسته انسانی تقسیم می گردند.

۱- نیازهای فیزیکی: شامل غذا، پوشاک و مسکن که در حقیقت نیازهای اولیه زندگی

بومی است و ممکن است در برآمدگی سلامت به ماهانه شخصی، پاسخگویی آنها نباشد.

۲- نیازهای اجتماعی: مشتمل بر امور بهداشتی، آموزشی، کار و اشتغال.

برای تعیین یک معیار کمی متناسب که سلامت جسم و تغذیه مناسب را تضمین کند، ابتدا باید روشهای غذایی لازم برای ادامه زندگی مناسب مدنظر قرار گیرد. سپس اقدام به تعیین سطح زندگی کل قابل قبول، برای تأمین نیازهای اولیه خانوار به منظور رسیدن به حداقل خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و درمان و ... شود.

در حقیقت فقر، پدیدهای است که در نتیجه عملکرد انسانها تجلی و عینیت می یابد و رهاورد ظلم بشر بر بشر، قلمداد می شود. برخی صاحب نظران، معتقدند: اکنون بقای انسانی در دراز مدت، محل شک و تردید است. این نابودی، چه به اثر جنگ هسته‌ای باشد یا به دلیل غارت منابع طبیعی زمین یا به دلیل استثمار ثروتمندان از فقیران و بالاخره، باید دلیل استثمار شهریه‌ها از روستاییها، احمال ماجرا را تغییر نمی دهد. به قولی کاملاً دلسوزانه، شمارهایی که در دهدهای اخیر دادگی شوند، در واقع چیزی جز خاک پاشیدن به شیشه از مردمان فقیر جهان نیست. امارهای داده شده در این تحقیق، گواهی محکم و صادق بر این مدعا است. فقر، یعنی این که انرژی موجود در بدای محرومی کمتر از انرژی مورد نیاز بدن باشد. در نتیجه، کمبود انرژی در بدن، منجر به کمبود وزن، ضعف مداوم بدن، از دست دادن تعادل روحی، کاهش میزان هوش، خلاقیت، کارایی و فعالیت شده، سرانجام فرد فقیر و کرسنه، در نتیجه فقر و کرسندی یا سوء تغذیه از بین می رود یا عمر او کمتر می شود. به عبارتی: فقر مظهر غایب ناتوانی است. یعنی، ریشه ناتوانی در فقر و کرسندی است. انسان فقیر و کرسنه، قدرت مخالفت از خود و کسان و بالاخره جامعه خویش را ندارد.

### ● علل و عوامل مؤثر در فقر

هر یک جامعه، چه شهری و روستایی، معلول عوامل بسیار است. که عبارتند از:

#### ۱- فشار مهاجرت

مسئله مهاجرت روستاییان به شهرها که در نتیجه آن قلب نوپایی جامعه ضعیف و قطب

محسوس تقویت می شود، از مهم‌ترین عوامل فقر به شمار می آید. مثلاً: در سال ۱۳۸۰ در ایران، تنها ۲۰ درصد از جمعیت، ساکن شهرها بودند که در سال ۱۳۷۰، این رقم به ۵۷ درصد افزایش یافته است. بیش‌بینی می شود، در سال ۱۴۰۰، هشتاد درصد از مردم کشور، در شهرها سکونت داشته باشند.<sup>۱۳</sup>

#### ۲- توزیع ناعادلانه درآمد

#### ۳- درآمد حاصل از کشاورزی

درآمد حاصل از کشاورزی بسیار اندک است. یعنی روستاییان در قبال تولیدات کشاورزی خود، پول کافی دریافت نمی کنند.

#### ۴- میزان رشد جمعیت

میزان رشد جمعیت در کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه، بسیار بالاست که خود این عامل موجب فقر مردم می شود.

رابطه‌ای که بین فقر و محیط زیست وجود دارد، مسأله فقر را تشدید می کند. می دانیم که ذخایر زمین ثابت است، ولی جمعیت روز به روز در حال افزایش است، به طوری که جمعیت دنیا از سال ۱۹۵۰ دو برابر شده است.

#### ۵- تمرکز ثروت

تمرکز ثروت نزد عده‌ای معدود و نیز کشاورزی تک محصولی در شماری از ممالک در حال توسعه، از دیگر علل فقر، به شمار می رود.

این تمرکز ثروت، همواره با تضییع حقوق دیگران امکان پذیر است و موجب فساد و تباهی اجتماع انسانی شود. حضرت امیر (ع) در این مورد می فرماید:<sup>۱۴</sup>

«ما رایت ثروة موفوره الا و فی جنبها حق مضییع» ندیدم ثروتی انباشته شود، مگر آنکه در کنارش حقی پایمال شده باشد)

در هر حال، ثروت و منابع مالی و اقتصادی در جهان محدودند و تمرکز آن در یک نقطه، موجب کاهش و خالی شدن آن در سایر نقاط خواهد شد. این نابرابریها،<sup>۱۵</sup> یعنی بیش از حد نیاز خود تملک کردن و مالک ثروت‌های یادآورده و افسانه‌ای بودن (که به آن نیاز ندارند)، تصاحب کردن سهم دیگران است. به نظر کاندی رهبر فقید هند: اگر کسی مالک چیزی باشد که به آن نیاز ندارد، هر چند هم آن چیز در اصل از دزدی مستقیم به دست نیامده باشد، باید مال سرقت شده به حساب آید.



حال، باید دید چه عواملی موجب انباشته شدن ثروت در یک نقطه می شود. در این مورد، صاحب نظران به علل شش گانه‌ای به شرح زیر اشاره می کنند:

- ۱- علت تاریخی
  - ۲- علت جغرافیایی
  - ۳- علت فرهنگی
  - ۴- علت اقتصادی
  - ۵- علت اجتماعی
  - ۶- علت سیاسی
- نهایتاً باید گفت: ریشه‌های فقر، فقط «خارجی» و مربوط به کشورهای قدرتمند در جهان نیست، بلکه فقر ریشه «داخلی» دارد که مربوط به عمل انسانهاست. بنابراین، درمان اصلی در حال مشکل فقر، اصلاح ساختار سیاسی-فرهنگی در جهان سوم است، تا مردم، با توجه به ساختارهای مشارکتی، در تعیین سرنوشت خود دخالت داشته باشند.

در سالهای اخیر، برخی از علمای اقتصادی، علت اصلی و عمده نابرابری را در اثر عوامل محیطی می دانند و عقیده دارند: علل اساسی و بنیانی نابرابریهای اقتصادی را باید در عوامل جغرافیایی جستجو کرد. در گزارش تحلیلی که به تازگی منتشر شده است، کارشناسان بانک جهانی ۱۹۲ کشور جهان را با استفاده از معیارهای کاملاً نو و بدیع، که میزان ثروت و توان بالقوه ملت‌ها را در نابرابری اقتصادی مورد سنجش قرار می دهد، رده بندی کرده‌اند. تهیه کنندگان این گزارش تحلیلی، اهمیتی بیش از معمول برای منابع طبیعی و محیط زیست سالم قایل شده‌اند و این دو را مهمترین علل نابرابری و در نتیجه، اساسی ترین ابزارهای دستیابی به توسعه دراز مدت کشورها می دانند.

آقای اسماعیل سراج الدین، کارشناس ارشد و مدیر مسئول این پروژه تحقیقاتی، در این باره می گوید:

«این نظام نوین ارزیابی، رقیبی برای طرز تلقی مرسوم از نابرابری اقتصادی است، که ثروت را تنها در درآمد، خلاصه نمی داند.»

وی می افزاید: «در دیدگاه مذکور، مفهوم ثروت، از مرزهای درآمد و سرمایه گذاری پولی فراتر می رود.»

نظام ارزیابی ارائه شده در این گزارش، کشورهایی با جمعیت اندک ولی برخوردار از منابع طبیعی غنی را بالاتر از سایر کشورها می داند. در چهارچوب این نظام رده بندی، هر یک از منابع

سه گانه ثروت ملی، ارزشی بر حسب دلار داده شده است.

یکی از این سه منبع، گنجینه طبیعی کشورهاست، که علاوه بر معادن و کانی، منابع زیست محیطی، همچون: زمینهای حاصلخیز، آب و جنگلها و مراتع سرسبز را نیز در بر می گیرد.

هدف از ارائه این رده بندی جدید، منحول کردن طرز تلقی مردم و دولت‌ها نسبت به عامل نابرابری و بالاخره به فرایند توسعه اقتصادی است. در بخش نتیجه گیری گزارش آمده است: «کشورهای ثروتمند، ذهنایی هستند که بیش از دیگران به سرمایه گذاری انسانی می پردازند و از ثروت طبیعی خود نیز، به خوبی حفاظت می کنند، چرا که، اقتصاد خوب، یعنی نابرابری و شکاف اندک درآمد بین مردم و نابرابری و شکاف اندک بین انشمار مردم یعنی اقتصاد خوب.»

در رده بندی سازمان بانک جهانی، کشور آمریکا که بیشتر به عنوان ثروتمندترین کشور جهان شناخته شده است، در مقام دوازدهم قرار دارد. استرالیا، در صدر کشورهای دنیا قرار گرفته است. شکاف و نابرابری بین غنی ترین کشورها (استرالیا) و فقیرترین کشورها (اتیوپی)، بیش از ۳۹۶ برابر است، یعنی یک استرالیایی ۳۹۶ برابر ثروتمندتر از یک اتیوپیایی است.<sup>(۱۱)</sup>

### ● روستاها کانون فقر

یکی از گروه بندی‌هایی که در بررسیهای مربوط به فقر و فقرا در جهان مشاهده می شود، تفکیک جامعه شهری از روستایی است. جمعیت فقیر جوامع روستایی در سالهای ۱۹۸۷ - ۱۹۸۰، بر اساس گزارش (F.A.O)، از ۷۸۳ میلیون نفر به ۸۰۸ میلیون نفر رسیده است. بخش وسیعی از این افراد در اسیا به سر می برند.<sup>(۱۲)</sup>

سازمان بهره‌وری اسیا نیز، در سال ۱۹۹۰ اعلام کرد که قریب ۵۰ درصد جمعیت روستایی اسیا در فقر زندگی می کنند.<sup>(۱۳)</sup> نتایج مطالعه‌ای که در ۶۴ کشور در حال توسعه صورت گرفته است، حکایت از آن دارد که از ۷/۴ میلیارد نفر جمعیت روستایی این کشورها، قریب ۷۸ درصد آنها (۷/۱ میلیارد نفر) در فقر به سر می برند.<sup>(۱۴)</sup> جان کنت کالبریت، در کتاب طبیعت فقر توده‌ای در سال ۱۹۷۹، می نویسد: فقر عمومی یک مصیبت روستایی است. سرایا سخت زندگی در روستاها سبب شده است، که مردم با حداقل امکانات لازم برای ادامه حیات زندگی کنند و با فقر سازش نمایند. در این مناطق (روستایی)، فقر ادامه می یابد، زیرا مردم در یک حالت تعادل فقر زندگی می کنند، و به ندرت اتفاق می افتد که چیزی فراتر از حداقل زندگی در سطح امرار معاش وجود داشته

باشد این تعادل فقر روستایی است، که سبب تسلسل فقر می‌شود.

بانک جهانی، در مطالعات خود، شش عامل مهم را در فقر مردم روستاها دخیل می‌داند، که عبارتند از:

- فرصت‌های محدود شغلی
- بازدهی کم نیروی کار و زمین
- سطح پایین سرمایه انسانی
- دستیابی محدود به زمین
- حداقل نقل و انتقال درآمد.
- رشد جمعیت

لیپتون<sup>(۱۳)</sup> (۱۹۷۷)، با بررسی سیر تاریخی فقر در جوامع روستایی می‌پرسد: چرا فقیران روستایی فقیر می‌مانند؟ میردال<sup>(۱۵)</sup> (۱۹۷۰)، با داشتن سؤال مشابهی در ذهن، با تدوین نظریه‌ای تحت عنوان: «دور باطل فقر»، می‌کوشد به این سؤال پاسخ دهد. سالها بعد چمبرز<sup>(۱۶)</sup> (۱۹۸۳)، با نیم نگاهی به یافته‌های لیپتون و میردال، نظریه «دام محرومیت» و «فقر یکپارچه روستایی» را به تفصیل شرح داد. بنا به نظریه چمبرز، روستاییان اسیر دام محرومیت و فقر، ویژگیهایی دارند که در تعامل با هم، گریز از این دام را روز به روز ناممکن‌تر می‌سازد. مهمترین این ویژگیها، عبارتند از:<sup>(۱۷)</sup>

- ۱- درآمد نازل
- ۲- سوء تغذیه و تغذیه ناقص
- ۳- نبودن تعلیم و تربیت
- ۴- امید به زندگی نازل
- ۵- مسکن زیر استاندارد یا نداشتن مسکن
- ۶- اشتغال ناقص و بیکاری
- ۷- اشتغال در بخش غیر رسمی
- ۸- مقدار زیاد بزهکاری

یکی از معروفترین نظریه‌ها درباره علت فقر، «تنوری دایره فقر» است. حلق این نظریه، علل اولیه یا اصلی فقر در سرمایه کم، بازدهی کم و پس‌انداز کم نهفته است<sup>(۱۸)</sup> که عامل نابرابری ثروت‌های تولیدی نظیر: زمین و سرمایه‌های مالی و فیزیکی است و به نسل‌های بعدی متصل می‌شود. (مدل زیر)

عده‌ای از نظریه پردازان، عوامل شخصی نظیر: شرایط نامناسب فیزیکی و روحی را موجب به وجود آمدن فقر می‌دانند. عده‌ای دیگر عوامل اجتماعی (آموزش، تکنیک، دانش) را در به وجود

آوردن فقر مهم می‌دانند. در هر حال، دولت‌ها سهم عمده‌ای در تشدید یا کاهش فقر دارند.<sup>(۱۹)</sup>

### ● راهبردهایی برای کاهش فقر

به نظر تهیه کنندگان گزارشهای توسعه انسانی برنامه توسعه سازمان ملل متحد، فقر بزرگترین خطری است، که ثبات سیاسی، همبستگی اجتماعی و سلامت محیطی هر جامعه‌ای را تهدید می‌کند. راهبردهای معطوف به کاهش فقر، بنابراین همه جنبه‌های سیاستگذاریهای ملی را در بر خواهد گرفت. برخی درسهایی برآمده از تجربیات کشورها، عبارتند از:<sup>(۲۰)</sup>

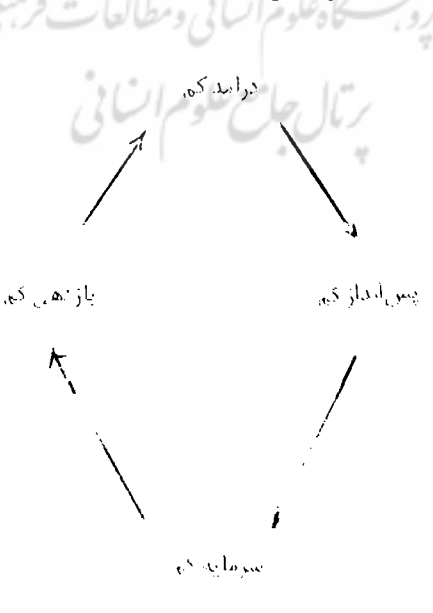
#### ۱- خدمات اجتماعی اساسی

دولت باید، توزیع گسترده خدمات اجتماعی اساسی برای فقرا را، به ویژه از بابت آموزش و پرورش پایه‌ای و مراقبتهای بهداشتی اولیه، تأمین نماید.

#### ۲- اصلاحات ارضی

از آنجا که در کشورهای در حال توسعه، بخش بزرگی از فقر در مناطق روستایی متمرکز یافته است، راهبردهای معطوف به کاهش فقر، گامی مستلزم توزیع عادلانه‌تر زمین و منابع کشاورزی است.

سیاستگذاران اقتصادی و اجتماعی کشور باید بدانند، توسعه صنعتی جمعا می‌تواند، برخی از مسایل برخاسته از فقر را حل کند. ولی نمی‌تواند همه مسایل را حل نماید.



در حال حاضر، اعتقاد عموم که فقرزدایی تنها از طریق توسعه صنعتی و نه توسعه کشاورزی امکان‌پذیر است، زیر سؤال رفته است. مغرور، معتقد است: عرضه بیشتر تولیدات کشاورزی، به ویژه خواربار، سبب ارزان‌تر شدن قیمت آن می‌شود و در عین حال، در مزارع و اراضی کشاورزی و در صنایع مرتبط با کشاورزی، اشتغال ایجاد می‌کند. همچنین، وی معتقد است: رونق بخش کشاورزی، باعث افزایش میزان اشتغال در بخش‌های غیر کشاورزی نیز می‌شود. زیرا حدود کشاورزانی که از نظر مالی موقعیت بهتری پیدا می‌کنند، بخش اعظم درآمد خود را صرف تهیه کالاها و خدماتی می‌کنند که به نسبت کاربرد هستند و در خود محل تولید می‌شود.

مغور، در نبرد علیه فقر، قویا رشدی را پیشنهاد می‌کند، که بر پایه توسعه کشاورزی استوار باشد و سایر بخش‌های دیگر کشاورزی از این تبعیت کنند و بر همین اساس، شکل مناسبی بگیرند یا وجود این، مغور، تصدیق می‌کند که موفقیت بخش کشاورزی درکرو سرمایه‌گذاری در امور زیر بنایی، چون: احداث سوله‌های روستایی، برق‌رسانی به روستاها و آبراهه آوردن زمین‌ها مساعد برای آموزش روستاییان است. می‌توان گفت: بسیاری از کشورها، از جمله کشور ما، تا این اواخر که محوریت کشاورزی مطرح شد، در ایجاد دادن این امور، سستی کرده‌اند. فقرای روستایی، هم قربانی عامل «دافعه» می‌شوند و هم قربانی عامل «جاذبه». فقر به خودی خود یک «دافعه» است و عامل «جاذبه» مشاغل پست شهری و یا مشاغل هستند که در کشورهای در حال توسعه، یافت می‌شوند. مردمان فقیری که به ناچار در نواحی روستایی باقی می‌مانند، از سده فقر به زمینهای حاشیه روستاها پناذ می‌برند، تا به هر مدییتی که شده معاش خود را تأمین کنند.

دولتک و زی بیوو، چهار عامل یا نکته ضروری را در ارتباط با فقرزدایی از روستاها شناسایی کرده‌اند: بسیج و تجهیز سازماندهی، آموزش فرصت‌های مبتنی بر واقع‌گرایی و عامل توسعه مدیریت را، با تأسیس جیکتور، به این فهرست اضافه کرده‌اند.

در هر صورت، فقر میراث شومی است و رفتار صحیح، باید امروز ما، احتمال انتقال این میراث شوم

را به میلیونها کودک روستایی شدت می بخشد. دست آوردی که اقلیتی را به بهای بدبختی اکثریتی آسباب کند، به هیچوجه موفقیت شمار نمی آید. بر کل (سابق) سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (فائو) در اجلاسی که برای آسیا و اقیانوسیه در دهلی نو برگزار شد. چنین اظهار داشت: «اولویت هیچ کاری بالاتر از اولویت فقرزدایی نیست. دهه ۱۹۸۰ را، به درستی دهه از دست رفته برای نیازمندان توصیف کرده اند. ما یلم تأکید کنیم که امحای - عی. سدقه ای کریمانه نیست، امحای فقر پیش سرنگ بقای ما عنوان جامعه انسانی است.»

معاون ما یر کل فائو. آقای عبیدالله خان، نرسد یوز بومی که امیرا در فوکواکا (ژاپن)، در خصوصی «کشاورزی آسیا در آستانه قرن بیست و یکم» برگزار شد. درباره مسایل کشاورزی و فقرزدایی چنین اظهار داشت: «اگر ما بروند، راکه روستاییان فقیر را فقیرتر می کنند، معکوس نکنیم، همگی قربانی ندانم کاریهای خود خواهیم شد و بعید نیست که «آینده مشترک» ما تبدیل به «نا کامی مشترک» ما شود.»

الکساندرا استنفنز، کارشناس و جامعه شناس سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد، در منطقه آسیا و اقیانوسیه، پس از بحث مفصل در زمینه فقرزدایی در روستاها، نتیجه گیری می کند که: فقر در آسیا در واقع، کیفی خواستی علیه همه ما به شمار می آید. این موضوع که در برابر کوهی از اسراف و تدبیر مواد غذایی، کرسنگی، بی سرو صدا و زنده زنده به پیش می خزد و هر گونه پایداری را به خطر می اندازد، قطعا معضلی سیاسی است که نیاز به راه حل سیاسی نیز دارد... (۲۱)

● پی نوشتها:

- ۱- معین، دکتر محمد، «فرهنگ معین»، انتشارات امیر کبیر، جلد دوم، تهران ۱۳۶۰ صفحه ۲۵۶۰
- 2- larousse . dictionnaire . usuel . ecl. larousse . paris . 1989 . op . cit . p . 6661
- ۳- پژوهان دکتر جمشید، فقر، خط فقر و کاهش فقر، مجموعه مقالات گردهمایی بررسی فقر و فقرزدایی ۱۳۷۵ ص ۵۳
- ۴- فقر، منوچهر نوربخش - نشریه امارهای اقتصادی - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - شماره ۳، سال ۱۳۶۸

۵- زیاری کرامت الله - چکیده مقالات گردهمایی بررسی مسأله فقر و فقرزدایی ۲۹ تا ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۵، ص ۱۱.

۶- اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۵۰  
 ۷- بیات غلامرضا «اسلام در مبارزه با فقر» انتشارات بدر، تهران، زمستان ۱۳۵۹، ص ۳۸  
 ۹- برای اندازه گیری نابرابری درآمد در یک جامعه، ابزارهای ریاضی و علمی متعددی وجود دارد که بحث در همه آنها از حوصله این مقاله خارج است. لذا، در این جا، به متداول ترین آنها که بیش از دیگر ابزارها کاربرد دارد، اشاره می شود.

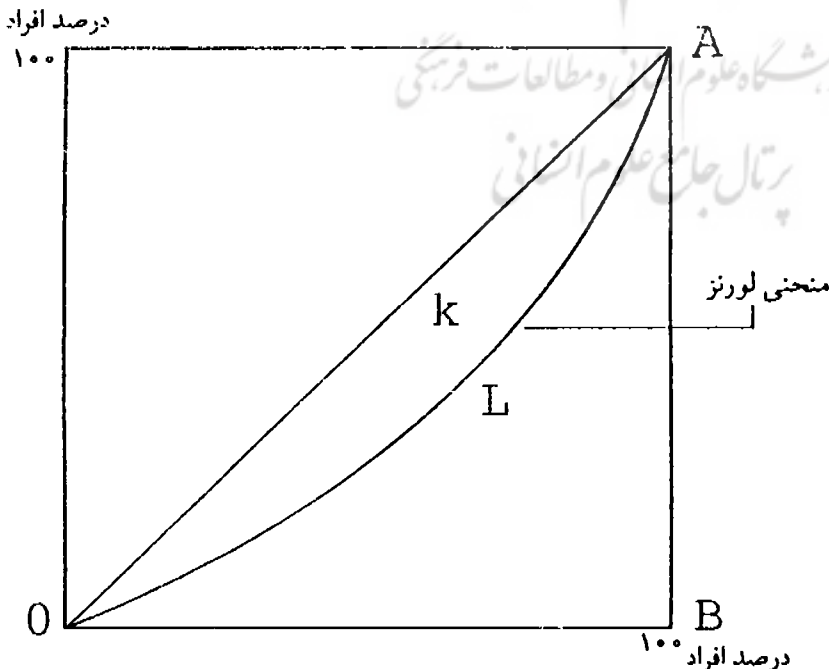
ضریب جینی، در زمره شاخصهایی است که مقوله توزیع را از دریچه عدم عدالت بررسی می نماید. در حقیقت، این شاخص میزان تمرکز درآمد را اندازه گیری می کند. بنابراین، از آن به عنوان شاخص «تمرکز درآمد» می توان نام برد. دامنه تغییرهای این شاخص، بین صفر و یک است. هرچه درصد بیشتری از درآمد جامعه، در اختیار درصد کمتری از افراد قرار گیرد، میزان نابرابری و عدم عدالت در جامعه بیشتر، و مقدار عددی این شاخص به یک نزدیک خواهد بود. هرچه، از میزان تمرکز درآمد و ثروت جامعه کاسته شود و عدالت و برابری بیشتر در جامعه برقرار گردد، میزان عددی این شاخص، به صفر نزدیک تر

خواهد شد. معرف ضریب جینی، به کمک نمودار، تصویر بهتری از این شاخص را ارائه خواهد کرد. (نمودار شماره ۱)

در این نمودار (شماره ۱)، هر نقطه از محور افقی، بیانگر درصد معینی از افراد و هر نقطه بر روی محور عمودی، دلالت بر درصد درآمد دارد. در بررسی و محاسبه ضریب جینی، منحنی لورنز، یک مفهوم کلیدی است به طوری که هر نقطه از این منحنی، بیانگر تناظری بین درصد معینی از افراد و درصدی که از کل درآمد جامعه به آنان تعلق گرفته است، می باشد. بنابراین، اگر چنانچه درآمد به طور مساوی بین افراد جامعه توزیع شده باشد «منحنی لورنز» کاملاً بر خط ۴۵ درجه (OBA) منطبق خواهد شد و در صورتی که درآمد کاملاً ناعادلانه توزیع شده باشد، یعنی یک فرد، تمامی درآمد جامعه را به خود اختصاص داده باشد، در این صورت منحنی لورنز به صورت (OBA) خواهد بود. به طور کلی، خط ۴۵ درجه به خط برابری کامل و منحنی راست گوشه ای OBA به خط عدم برابری (عدم عدالت) مرسوم می باشند. همان طور که در نمودار شماره ۱ ملاحظه می شود، منحنی لورنز در حالت عادی بین دو حالت، حد فوق قرار دارد.

بنابراین، اگر درآمد به طور مساوی توزیع شد

بقیه در صفحه ۴۲



نمودار . منحنی لورنز



# نقش سازمانهای غیردولتی در کاهش فقر روستایی

● دکتر معصومه...

مقاله‌ای که در شماره ۱۹۷، سال هفدهم، شماره ۱۹۶-۱۹۷

هرچند، مفاهیم مدرن جامعه مدنی و سازمانهای غیردولتی از غرب برخاسته است، اما جوامع شرقی دارای تاریخ طولانی‌تری از مشارکت اجتماعی و مجتمع‌های محلی و منطقه‌ای، (که در پرداختن به نیازهای افراد آسیب‌پذیر جامعه نقش داشته‌اند)، هستند.

احترام به ارزشها و اعتقادات اصیل مذهبی و اخلاقی و تمایز میان خرافات، رسوم نادرست و ارزشهای معتبر مذهبی مهم است. برنامه‌های فقرزدایی باید، کاملاً با ارزشهای روستایی یعنی سادگی، صداقت و صراحت سازگار باشد.

جامعه مدنی در ایران اسلامی، از جهات بسیاری در حال رشد است. مردم، مشتاقانه در فعالیتهای اجتماعی، برای افزایش مشارکت در طرحهای توسعه شرکت می‌کنند و سازمانهای غیردولتی، نقش مهمی در این تلاشها ایفا می‌نمایند.

## ● جامعه مدنی و سازمانهای غیردولتی

در دنیای امروز، نقش جامعه مدنی، سازمانهای غیردولتی و خیریه، در توسعه اجتماعی نزد سیاستگذاران و محافل دانشگاهی از اهمیت بسیاری برخوردار است. در کنار هر کنفرانس بین‌المللی، سازمانهای غیردولتی نیز، جلسه بحث و تبادل نظر برای ترویج و دفاع از تفاسیر خود در مباحث اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برپا کرده‌اند.

سازمانهای غیردولتی عموماً، به عنوان بازیگران اصلی جامعه مدنی که میان بخشهای خصوصی و عمومی فعالیت می‌کنند، شناخته می‌شوند. آنها، بخش سومی را تشکیل می‌دهند، که ضمن ادغام منافع گروههای مختلف، فرصتی برای ایفای نقش شهروندان، در شکل دادن به سیاستها و نتایج برنامه‌های توسعه، فراهم می‌آورند.

تاریخ جامعه مدنی در جوامع غربی و تئوری سیاسی، به قرن هفدهم باز می‌گردد. یعنی زمانی که اتحادیه‌های کارگری، انجمنهای حرفه‌ای (شغلی) و انجمنهای کارفرمایان، برای تسهیل و توسعه سرمایه‌داری و گاهی دفاع از حوزه منافع و حقوق گروهی تشکیل شدند. امروزه، در ساخت اجتماعی و فکری غرب، جامعه مدنی به عنوان حوزه کنش متقابل اجتماعی و دموکراتیک تلقی می‌شود. هرگونه فعالیت سازمانی میان افراد و دولت، که تشکیل دهنده حوزه‌ای از سازمان اجتماعی است، یک جامعه مدنی به وجود می‌آورد. دانشمندان علوم اجتماعی، جامعه مدنی را، به عنوان حوزه زندگی اجتماعی سازمان یافته که

داوطلبانه، خودجوش و عمدتاً متکی به خود، مستقل از دولت و محدود شده با یک نظم قانونی یا مجموعه‌ای از قوانین مشترک، تعریف کرده‌اند. بدین ترتیب، سازمانهای غیردولتی، جزء اصلی جامعه مدنی را در جوامع امروزی تشکیل می‌دهند.

معمولاً، سازمانهای غیردولتی به وسیله گروهی که به شرایط جامعه خود توجه دارند و ضرورت بهبود اوضاع اجتماعیشان آنان را به فعالیت وا می‌دارد، تشکیل می‌شود.

این کار را برای نفع و یا سود شخصی انجام نمی‌دهند و در نتیجه شایسته نمایندگی هستند.

سازمانهای غیردولتی، از نظر حوزه فعالیت و منافع، بسیار متنوع هستند. این حوزه‌ها، می‌تواند شامل: آموزش، رفاه اجتماعی، کاهش فقر، پژوهش، مسائل مورد علاقه زنان، بهداشت، مسائل زیست محیطی، مسائل سیاسی، مسائل مورد علاقه اقلیتها، پناهندگان و مهاجرین، موضوعات شغلی یا مسائل فرهنگی و هنری باشد. کار آنها در این حوزه‌ها، هنگامی که مکمل کار دولت است، از بیشترین تاثیر برخوردار است، دولتها، بسته به تمایزشان، برای حمایت یا سرکوب جامعه مدنی، با سازمانهای غیردولتی به شیوه‌های گوناگونی رفتار می‌کنند. دولتها و سازمانهای غیردولتی، هر دو به اهمیت آزادی عمل و استقلال سازمانهای غیردولتی برای به کارگیری مؤثر نیروهای داوطلب در خدمات اجتماعی، واقف هستند.

همچنین، سازمانهای غیردولتی، از نظر ساخت تشکیلاتی و اصول مدیریتی متنوع هستند. آنها عمدتاً برای سازماندهی انکیزه‌ها و نیروهای داوطلب و براساس تجربه و تفسیر خود از مدیریت اقدام می‌نمایند. همچنین، سازمانهای غیردولتی می‌توانند با بسیج عمومی برای دستیابی به کمکه‌های اهداکنندگان و اثرگذاران بر به‌کارگیری چنین منابعی بپردازند.

هرچند، مفاهیم مدرن جامعه مدنی و سازمانهای غیردولتی از غرب برخاسته است، اما جوامع شرقی دارای تاریخ طولانی‌تری از مشارکت اجتماعی و مجتمع‌های محلی و منطقه‌ای، (که در پرداختن به نیازهای افراد آسیب‌پذیر جامعه نقش داشته‌اند)، هستند. هرچند، این سازمانها دارای سیاستهای رفاه‌گرایانه بوده‌اند، با این حال، یک نوع احساس شدید ناکافی از اعتماد و قدردانی در جامعه ایجاد کرده‌اند، که برای خدمات مشاوره‌ای نیز، به آنها مراجعه شده است.

از آنجایی که توسعه جامعه مدنی و سازمانهای غیردولتی، به طور آشکاری با ساخت سیاسی هیات حاکمه مرتبط است، جوامع شرقی که عمدتاً قرن‌ها تحت کونه‌هایی از استعمار یا تسلط خارجی به سر برده‌اند، فرحتمت‌ها و منابع اندکی برای رشد و توسعه داشته‌اند. با وجود این به خاطر حاکمیت گسترده ارزشهای اخلاقی و معنوی، ساختارهایی غیررسمی از سازمانهای غیردولتی و اجتماعی در جوامع شرقی (گذشته و حال) دیده می‌شود.

## ● اهمیت سازمانهای غیردولتی

در هر جامعه‌ای، سازمانهای غیردولتی براساس تاریخ، فرهنگ، اعتقادات مذهبی، ساخت اجتماعی - سیاسی، و نیازها و مشکلات آن جامعه شکل می‌گیرد. بنابراین، فرمول واحدی برای سازمانهای اجتماعی و سازمانهای غیردولتی، که به طور عام متناسب با تمام جوامع و شرایط باشد، وجود ندارد. هرچند، اشکالات عمده‌ای وجود دارد که این سازمانها را در یک گونه قرار می‌دهد.

در اینجا، برشیا، با روی‌زدهای سیاسی سازمانهای غیردولتی که آنها را قادر ساخته، نقش مؤثر و تعیین‌کننده آن جوامع خودیفا کنند و توجه جهانی را به خود جلب نمایند، تأکید شده است.

اساساً سازمانهای غیردولتی، سازمانهای داوطلبانه و عام‌المنفعه هستند و:

(۱) سازمانهای غیردولتی دسترسی گسترده‌ی به قشرهای گوناگون مردم دارند و از اطمینان و اعتماد بی‌چون و چرای آنان بهره‌مند می‌باشند.

(۲) سازمانهای غیردولتی، بر مسائل بحران و ویژه‌ای که ممکن است ترسناک‌ترین دولت به دلیل تأکید بر مسائل کلان یا محدودیتهای مالی، نادیده گرفته شوند، تمرکز می‌نمایند.

(۳) سازمانهای غیردولتی، دارای روندهای اداری پیچیده نیستند، و از انعطاف بالایی برخوردارند و نیز قادرند به سرعت به‌طور مؤثری به نیازهای مردم محروم، دور از دسترس و در حاشیه یا برنامه‌های متحرکه پاسخ گویند.

(۴) سازمانهای غیردولتی، در برنامه‌ها و سیاست‌های خود، تفاوت دارند در حالی که دولتها، مقامات و سیاست‌پیشانی به‌طور متفاوت تعبیر می‌کنند.

(۵) دستاوردها و پیشرفت‌های سازمانهای غیردولتی از نظر اندازه کوچک است، اما به اجازت ابتکار، تأثیر و کیفیت میسر است.

(۶) نیروهای داوطلب سازمانهای غیردولتی، انگیزه‌ها و مقاصدی غیرمادی، معنوی و محلی مذهبی در کارهایشان دارند. آنها با داشتن ارزشها خلیت‌نودی الهی، رسالت، بی‌پروایی و احساس نیاز است. در حقیقت، این امر به رغم همه موانع و کمبودها، معنی‌دار، ایجاب، انگیزه و انرژی برای ادامه و پیشرفت به این سازمان ایجاد می‌کند.

اناهای دولت‌ها در همه‌شبهای رسمی قادر به تحقق این واقعیت که انگیزه‌های معنوی عملاً از انگیزه‌های مادی بسیار قوی‌تر و پایا تر می‌باشند، نیستند. کیفیت خدمات ارائه شده با توجه به محدودیت منابع، معمولاً بالاتر نیست. در این حال، کنترل و اداره چند نیروهای داوطلبی نیازمند تاکنک و شیوه‌های روزگاری است. سازمانهای غیردولتی هرگاه شوه‌ها، خاص خود را برای به‌کارگیری و سازماندهی نیروهای داوطلب در سازمانهای (سیاسی) مورد دارند. بنابراین، سازمانهای غیردولتی می‌توانند به‌طور قابل‌توجهی برای مردم دولت‌ها عمل کنند و توان مالی را برای طرح‌ها و برنامه‌ها به‌کار می‌بسیج کنند.

عمولاً سازمانهای غیردولتی در سه سطح زیر

- (الف) محلی
- (ب) ملی
- (ج) بین‌المللی (جهانی)

## ● سازمانهای غیردولتی و کاهش فقر روستایی

در سرتاسر جهان، سازمانهای غیردولتی درگیر مبارزه برای ریشه‌کنی اشکال مختلف فقر بوده‌اند. آنها با برنامه‌های بلند مدت و کوتاه مدت و همچنین برنامه‌های اضطراری برای مقابله با دلایل و عوامل زیربنایی فقر شرکت جستند. نمونه‌های موفق سازمانهای بزرگ ملی و بین‌المللی، BRAC، در بنگلادش است که نشانگر توان و امید به فعالیت سازمانهای غیردولتی در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. همچنین، سازمانهای غیردولتی، در کمکه‌های امدادی به هنگام بلایای طبیعی، جنگ و دیگر وضعیتهای ویژه در مناطق فقیرتره موفق بوده‌اند.

به‌طور کلی، سازمانهای غیردولتی به‌گونه مؤثری می‌توانند در تمام مراحل برنامه‌ها و طرح‌های کاهش فقر یعنی: سیاستگذاری، اجرا، نظارت و ارزیابی شرکت نمایند.

به‌طور خلاصه، واردشدن سازمانهای غیردولتی در برنامه‌های کاهش فقر را می‌توان در دوره‌های زیر پیش‌بینی نمود:

- (۱) تعیین گروههای هدف و جمعیت فقیر
  - (۲) جمع‌آوری اطلاعات و ارائه خدمات
  - (۳) شرکت در برنامه‌های آموزشی و بالابردن آشنایی
  - (۴) تدارک آموزشهای شغلی و ایجاد فرصتهای درآمدزا
  - (۵) توزیع کالا و تسهیلات
  - (۶) ارائه بهداشت اولیه و خدمات دیگر
  - (۷) بیکبری و مراجعه خانواده‌ها و مردم
  - (۸) پژوهش و مطالعه عوامل تهافت فقر
  - (۹) ارائه خدمات به مناطق فقیرتره دور افتاده و منزوی
  - (۱۰) اجرای آزمایشی و انجام برنامه‌های محدود
- پارهای مسائل ویژه وجود دارند که در روش، اصول، راه‌های برنامه‌های کاهش فقر روستایی، به‌کارشدن و سیاست‌گذاری بر مبنای آن بر

برنامه‌های فقرزدایی حیاتی است و سازمانهای غیردولتی می‌توانند، نقش مهمی را در تحقق آنها داشته باشند :

- **آگاهی دادن** : زندگی و دورنمای فقر روستایی تغییر نخواهد کرد، مگر آنکه روستاییان با روش‌ها و مهارت‌های لازم اطلاع‌رسانی آموزش داده شوند، تا بتوانند وضعیت خود را تغییر دهند.

- **خود اتکالی** : در هر برنامه یا تلاش نباید وابستگی ایجاد شود. فعالیتها باید وابسته به تلاشهای خودشان باشد.

- **مردم محوری** : برنامه‌های توسعه باید، مطابق نیازها و علائق جمعیت روستایی باشد، نه اینکه به آنها تحمیل شود.

- **تداوم و استمرار** : فقرای روستایی باید در برنامه‌های کاهش فقر دارای منفعت و در عین حال، شریک باشند. بدین ترتیب، تمام برنامه‌ها از نظر نیروی انسانی، به طوری محلی تأمین و خودکفا خواهد بود.

- **ایجاد اشتغال** : صنایع کوچک روستایی برای اشتغال و ایجاد درآمد مهم هستند.

- **افزایش دسترسی** : طرحها باید گسترش یابند و دسترسی فقرای روستایی به آنها افزایش پیدا کند.

- **اهمیت زنان** : زنان باید به عنوان عوامل اصلی و سودبرنده از برنامه‌های فقرزدایی مورد توجه قرار گیرند و علائق خاص آنان برای تضمین تأثیر و موفقیت برنامه‌ها در نظر گرفته شوند.

- **اهمیت احترام به ارزشها و اعتقادات اصیل مردم** : احترام به ارزشها و اعتقادات اصیل مذهبی و اخلاقی و تمایز میان خرافات، رسوم نادرست و ارزشهای معتبر مذهبی مهم است. برنامه‌های فقرزدایی باید، کاملاً با ارزشهای روستایی یعنی سادگی، صداقت و سراجت سازگار باشد.

## ● کنفرانسهای بین‌المللی و نقش

### سازمانهای غیردولتی در کاهش فقر

طی دهه گذشته، کم‌هنگامی‌های متعددی به مسأله فقر پرداخته‌اند. برنامه بین‌المللی را برای مبارزه جدی با فقر، به حمایت از دولت‌ها، سازمانهای محلی و سازمانهای غیردولتی ترغیب کرده‌اند. کنفرانس جهانی کودکان در ۱۹۹۰، کنفرانس زمین در ۱۹۹۴، کنفرانس بین‌المللی دربارہ جمعیت و توسعه در ۱۹۹۲، کنفرانس جهانی برای توسعه اجتماع در ۱۹۹۵ و چهارمین

کنفرانس جهانی زنان در سال ۱۹۹۵، همه اشره‌هایی صریح به نقش حیاتی سازمانهای اجتماعی و سازمانهای غیردولتی در مبارزه غنیه فقر داشته‌اند.

سازمانهای غیردولتی در کردهمایی‌های NGO که در حاشیه این کنفرانسها برگزار شد، شرکت نمودند. در حالی که متعهد شدند تا خود در این تلاشهای جهانی شرکت کنند، دولت‌ها را به مبارزه‌های جدی برای ریشه کنی فقر دعوت نمودند.

برنامه عمل توسعه اجتماعی می‌گوید : باید به مردمی که در فقر زندگی می‌کنند و به گروههای آسیب‌پذیر، از طریق سازماندهی و شرکت در تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی و زندگی اجتماعی و در برنامه‌ریزی و اجرای سیاستها، که برانها تأثیر می‌گذارد، اختیار داده شود.

بند ۲۵، اشاره صریحی به نقش سازمانهای غیردولتی دارد :

بدین ترتیب، یک نیز فوری وجود دارد برای : - بسیج بخشهای عمومی و خصوصی، مناطق توسعه یافته، مؤسسات علمی و آموزشی و سازمانهای غیردولتی برای کمک به مناطق فقرزده.

درباره موقعیتهای اختطاری و فاجعه‌میز این برنامه سازمانهای غیردولتی را سرا می‌خواند به : - بسیج و هماهنگ نمودن کمتهای منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله : کمکهای سازمان ملل و سازمانهای غیردولتی در حمایت از اقدامات دولتها و جوامعی که دچار موقعیتهای ناخجعه‌آمیز شده‌اند. طی کنفرانس و پس از آن، سازمانهای غیردولتی، برای ترغیب و فشار آوردن به دولت‌ها در پیگیری تعهداتی که در کنفرانس منعقد شده گرفته‌اند، یک اتحادیه ایجاد می‌کنند. در منطقه آسیا، اسکاپ (ESCAP) کنفرانسی را در مورد همکاری سازمانهای غیردولتی برای کاهش فقر روستایی، در سال ۱۹۹۱، در بانکوک برگزار کرد.

کنفرانسهای بین‌المللی، در ادغام سازمانهای اجتماعی و سازمانهای غیردولتی برای برده‌های فقرزدایی مؤثر بوده‌اند. به‌این ترتیب، چشم‌انداز قابل‌اجر کردن و دستیابی به اهداف و آرمانهای این کنفرانسها و در واقع، بهبود شرایط توده‌های فقرزده روشن‌تر از پیش است.

## ● تجربیات سازمانهای غیردولتی در

### کاهش فقر روستایی

در سطح منطقه‌ای، تجربیات چشمگیر BRAC در بنگلادش، در زمینه‌های مختلفی مانند :

- عرضه مجموعه‌ای منسجم از خدماتی حیاتی به روستاهای دور افتاده.

- ارائه آموزش و کارآموزی به روستاییان.

- تقویت همکاری در سطح روستا برای حل مسائلی آن.

- تشکیل تعاونی‌های اختیاری برای حمایت از فقرا

بانک گرامین (Grameen) در بنگلادش، که یک (GO - NGO) شرکت تعاونی اختیاری روستایی است، در ادغام وام به زنان روستایی برای ایجاد طرحهای درآمدزا و صنایع کوچک روستایی به‌کار می‌رود. نمونه موفق بوده‌است. این تجربه، همچون در مالزی و هند نیز تکرار شده‌است.

اندونزی، نمونه دیگری است که در آنجا، تعاریفهای روستایی و سازمانهای غیردولتی، شبکه‌های بهداشتی، آموزشی و طرحهای درآمدزا، ایجاد کرده‌اند.

دطالعات نشان می‌دهند که طرحهای موفق سازمانهای غیردولتی، انهایی است که مشورت و مشارکت را در طرحها و اجرای آنها، تشویق کرده‌اند.

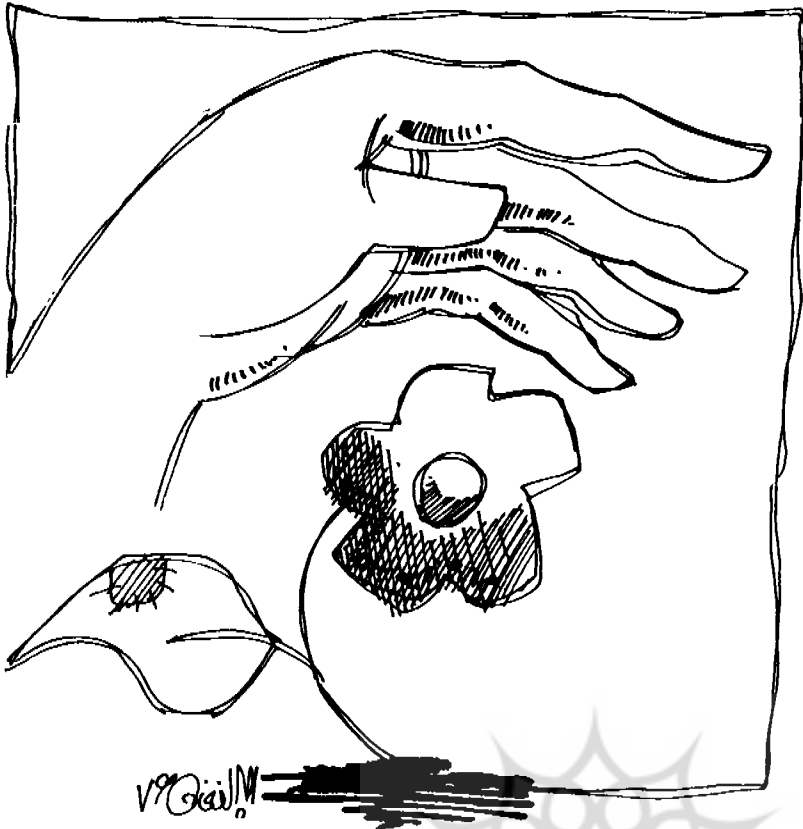
اکتشاید (Actionaid)، یک سازمان غیردولتی انگلیسی است که برای از بین بردن علل و تأثیرات فقر مطلق با برنامه‌ریزی و هماهنگ نمودن برنامه‌های بلندمدت توسعه، در قرن ۱۹، شروع به کار کرد.

(ICVA) شورای بین‌المللی مؤسسات داوطلب، یک سازمان غیردولتی بین‌المللی است، که درگیر برنامه‌های مشورتی، همکاری و حمایتی است. این بین‌المللی تعاونیهای داوطلب، یک سازمان غیردولتی بین‌المللی است، که طرحهای مشاورتی را در کشورهای توسعه نیافته به اجرا می‌آورد.

موسسه امداد و توسعه آونتیست نیز، یک سازمان غیردولتی است، که بیشتر در فعالیتهای امدادی و اختطاری در مناطق روستایی که دچار خشک‌سالی و قحطی است، فعالیت می‌کند.

سازمانهای غیردولتی بین‌المللی، مانند : اکتشاید و ICVA، معتقدند : تنها درصد کمی از کمک اهداکنندگان برای کمک مستقیم به فقیرترین مردم و در نتیجه، کاهش فقر صرف





می‌شود. آنها کشورهای اهدا کننده کمک را به دلیل تحمیل سیاستهای طرفدار واردات به کشورهای دریافت کننده، مورد انتقاد قرار می‌دهند.

بسیاری از سازمانهای غیردولتی، به طور موفقیت آمیزی آگاهی جنسی را در تنظیم فعالیتهای برنامه‌های فقرزدایی گنجانده‌اند. آنها نشان داده‌اند که، ملاحظات جنسی و شرکت زنان در تدوین سیاستها و تخصیص منابع برای تضمین موفقیت برنامه‌ها ضروری است. دیگر کشورهای جهان نیز، هر یک دارای نمونه‌هایی از سازمانهای غیردولتی هستند، که نقش مهمی در کاهش فقر داشته‌اند.

### ● سازمانهای غیردولتی ایران

وجود سازمانهای اجتماعی و فعالیتهای سازمانهای غیردولتی در ایران، دارای تاریخی طولانی است. هرچند، رژیمهای سرکوبگر پادشاهی درگذشته شدیداً مانع ظهور جامعه مدنی شدند. اما برخی از این سازمانها توانستند به حیات خود ادامه دهند. به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی و طی هشت سال جنگ تحمیلی با عراق، سازمانهای غیردولتی برای حمایت از انقلاب یا جبهه‌های جنگ توسط مردم تشکیل شدند. سازمانهای غیردولتی زنان در جنگ نقش مهمی ایفا کردند، که بارها از آن به عنوان محورهای مقاومت، علیه تجاوز خارجی یاد شده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بند ۲۶ آمده است :

«احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده ازادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را تقص نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.»

نقش و تأثیر فعالیتهای داوطلبانه و غیردولتی در حوزه اجتماعی طی هشت سال بازسازی پس از جنگ عیان‌تر گردید. جامعه ایران شاهد گسترش شدید سازمانهای اجتماعی، انجمنهای حرفه‌ای، انجمنهای مذهبی و گروههای زنان بود. برآوردهای رسمی حاکی از وجود بیش از یانزده هزار سازمان عام‌المنفعه (غیرانتفاعی) ثبت

شده در جمهوری اسلامی ایران است؛ که شامل: انجمنهای حرفه‌ای، تعاونیها، صندوقهای پولی، انجمنهای خیریه و دیگر سازمانهای غیردولتی است.

انجمن ایرانی حمایت از محیط زیست، یکی از سازمانهای غیردولتی مهم، در زمینه توسعه پایدار است.

زنان، نقش مهمی در افزایش فعالیتهای سازمانهای غیردولتی ملی، جنگ و پس از آن داشته‌اند. سازمانهای غیردولتی زنان در سرتاسر کشور همگی برای اولین بار در سال ۱۹۹۳، به هنگام فعالیتهای مقدماتی، برای چهارمین کنفرانس جهانی، فراخوانده شدند.

مشاور رئیس جمهور، در امور زنان، با برپایی دفتر هماهنگی سازمانهای غیردولتی زنان، به عنوان رابطی میان سازمانهای غیردولتی و دولت، این روند را آغاز کرد. این دفتر با هدف جستجو و ایجاد ارتباط با سازمانهای غیردولتی زنان در سرتاسر کشور، شروع به کار نمود. بیش از ۵۰ سازمان غیردولتی با این دفتر برنامدا دارند. آنها به طور گروهی، بیش از ۳۰ اقدام مختلف، شامل: برگزاری چهار همایش ملی، سه کارگاه آموزشی و یک کنفرانس جهانی را در باره نقش و جایگاه زنان در توسعه انسانی انجام دادند.

بیش از ۲۰ سازمان غیردولتی در کرمان

و کنفرانس ۱۹۹۵ SGO (سازمانهای غیردولتی) شرکت کردند. این تجربه موفقیت آمیز گروهی، سازمانهای غیردولتی را تسویق به برپایی یک شبکه مستقل، به منظور توانمند ساختن آنها برای شرکت در توسعه و بهبود جوامع شان نمود.

در حال حاضر، شبکه سازمانهای غیردولتی زنان در جمهوری اسلامی ایران، بیش از ۵۸ عضو دارد. این شبکه، یک کارگاه آموزشی دربار مدیریت بر سازمانهای غیردولتی، یک کارگاه دربار نقش سازمانهای غیردولتی در بهبود بهداشت جنسی و کارگاه دیگری درباره بهداشت دختران نوجوان تشکیل داده است. همچنین این شبکه با نمایندگان مجامع برخی تدوین قانون جدیدی در جهت بهبود حقوق زنان، اصلاح قوانین موجود، برابری سهام در حقوق زنان، همکاری کرده است.

بیدین ترتیب، دو سازمان حمایتی برای سازمانهای غیردولتی در سراسر کشور وجود دارد. یکی از آنها در واقع، دفتر هماهنگی دولت و دیگر شبکه‌های مستقل است. سازمانهای غیردولتی زنان را در ایران، می‌توان براساس نوع فعالیتشان در گروههای زیر طبقه‌بندی کرد:

۱- سازمانهای غیردولتی حرفه‌ای: این سازمانها، سازمانهایی هستند که در زمینه‌های تخصصی فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی، اقتصادی

۲- سازمانهای غیردولتی آموزشی و پژوهشی: تلاشهای خود را به فعالیتهای علمی و پژوهشی درباره موضوعات مختلف اجتماعی معطوف ساخته‌اند.

۳- سازمانهای غیردولتی اقتصادی: می‌کوشند تا فرصتهای اقتصادی و اشتغال برای افراد آسیب‌پذیر جامعه فراهم کنند.

۴- سازمانهای غیردولتی اقلیتها، دربردارنده گروههای اقلیت مذهبی، شامل گروههای: ارمنی، بهبودی، آشوری و زرتشتی است. آنها معمولاً بر فعالیتهای فرهنگی اشتغال دارند.

۵- سازمانهای غیردولتی بهداشتی، در گسترش برنامه‌های بهداشتی و تنظیم خانواده در نقاط مختلف کشور فعالیت می‌کنند.

۶- سازمانهای غیردولتی خیریه، در زمینه فعالیتهای رفاهی و امداد برای افراد آسیب‌پذیر جامعه فعال هستند.

۷- انتشارات نیز شامل: انتشارات غیردولتی مرتبط با مسائل اجتماعی و زنان.

۸- سازمانهای غیردولتی جهانی، سازمانهایی از مناطق جنگ‌زده همسایه، همچنین، سازمانهایی را که از عضویت بین‌المللی برخوردارند و با مسائل بین‌المللی سر و کار دارند، را در بر می‌گیرد.

در میان سازمانهای GO-NGO، از کمیته امداد امام، به دلیل فعالیتهای رفاهی و امدادی مهم به ویژه در مناطق فقیر و مصیبت‌زده، باید نام برد. پس از انقلاب اسلامی یک اعتقاد عمومی مبنی بر اینکه، روستا منشاء پیشرفت و استقلال کشور است، وجود داشته است. از این رو سازمانهای غیردولتی منابع خود را به رفاه روستائیان و بهبود استانداردهای زندگی شان اختصاص داده‌اند.

دو گروه عمده، از سازمانهای غیردولتی فعال در کاهش فقر وجود داشته‌اند. گروه اول، شامل: آنهایی است که در طرحهای بلند مدت توسعه روستایی فعال‌اند. که معمولاً روستائیان در آن عضویت دارند. گروه دوم، سازمانهای غیردولتی است که در برنامه‌های کمک و امداد فعالیت دارند. اعضای آنها شهرت‌شیرینی هستند که آماده‌اند تا از مردم روستایی حمایت کنند.

## ■ گروه ۱

### ● نهادیهای زنان روستایی

در این گروه، نهادیهای روستایی به منظور

بالا بردن دانش زنان، در زمینه‌های مختلف کشاورزی، دامداری، ایجاد صنایع کوچک روستایی در سطح روستا، توسط زنان برپا شده است. آموزش و توانمند ساختن زنان روستایی، از اهداف اصلی این تعاونی‌ها هستند. آنها، در ایجاد شغل‌های جدید و طرح‌های درآمدزا برای کاهش فقر روستایی موفق بوده‌اند.

## ● باشگاههای زنان روستایی جوان

این باشگاهها به عنوان مراکز فرهنگی، آموزشی و ورزشی در خدمت دختران جوان روستایی هستند. آنها همچنین، آموزشهای حرفه‌ای به دختران ارائه می‌کنند تا آنان را قادر سازند، در طرحهای درآمدزا، به عنوان کمکی جزئی به اقتصاد خانواده، وارد شوند.

این تسهیلات، ضمن تقویت موقعیت روستا، از مهاجرت روستائیان به مناطق شهری جلوگیری می‌کند. هم‌اکنون ۱۰۷ باشگاه فعالیت دارند.

## ● مؤسسه توسعه روستایی ایران

این سازمان غیردولتی، در سال ۱۹۹۴ با هدف ایجاد رویکردی سیستماتیک برای توسعه روستایی در ایران، برپا شد. این مؤسسه، تلاش می‌کند تا به روستائیان در طرحهای فقرزدایی و گسترش برنامه‌های توسعه روستایی یاری رساند. این سازمان، انجام برنامه‌های پژوهشی و عملی در مناطق تحت پوشش، را برعهده گرفته است.

## ■ گروه ۲

### ● بنیاد خدیجه کبری

این بنیاد، یک سازمان غیردولتی خیریه و آموزشی است. که از زمان شروع انقلاب اسلامی در کارهای مختلف امدادی فعال بوده است.

این بنیاد، کمکهای امدادی در مناطق فقرزده در استان جنوب شرقی سیستان و بلوچستان را که به منطقه بشاگرد معروف است، برعهده گرفته است. این بنیاد، شش کاروان امداد برای این مناطق فقیر برپا کرده است. هر کاروان تشکیل شده است از:

(۱) یک واحد بهداشتی مجهز به وسایل بهداشتی اولیه و حداقل سه بهداشت‌یار: یک پزشک یا ماما.

(۲) یک واحد تدارکاتی که آماده تأمین نیازهای

اساسی روستائیان شامل: لباس، غذا، کتاب و وسایل آموزشی و پتو می‌باشد.

(۳) یک گروه آموزشی، شامل: مبلغ دینی، آموزگار بهداشتی و یک جامعه‌شناس. یک کاروان: بیست روز تا یک ماه، در روستاهای مختلف، در قسمت‌های سخت کوهستانی: منقطع وقت صرف می‌کند.

همچنین، سرپرستهای هر گروه، تلاشهای پشتیبانی برای کمک به تصمیم‌گیرندگان منطقه و مطلع ساختن آنها از وضعیت روستاها و اهمیت بهبود شرایط آنها را برعهده گرفته‌اند. در مجموع این تلاشها، منجر به بهبود نسبی وضعیت منطقه شده و به دنبال آن با حمایت مردم بومی، یک مرکز تربیت معلم ایجاد شده است. این مرکز، فراگیری آموزشهای لازم توسط آموزگاران بومی و اعزام آنها به روستاها، در دورافتاده منطقه را تضمین خواهد کرد.

## داوطلبان بهداشت شیراز

داوطلبان بهداشت شیراز، از داوطلبان مناطق شهری و روستایی تشکیل شده است که برای کمک و نظارت براعتدال جامعه در مناطق نیازمند، به مراقبتهای اولیه بهداشت، آموزش دیده‌اند، هر داوطلب در حوزه‌های مسئولیت ۲۰ خانواده را به عهده می‌گیرد و به طور منظم از آنها دیدن می‌کند و از زنان -مامه و شیرده- نوزادان، افراد مریض یا از کار افتاده و سالمندان مراقبت می‌نماید. اکنون، این سازمان غیردولتی دوازده هزار عضو دارد و در استان فارس فعالیت می‌کند.

## بنیاد زینب کبری

این بنیاد، یک سازمان غیردولتی خیریه است و هدف آن، حمایت از بیماران و خانواده‌های آسیب‌پذیر است. همچنین به مناطق روستایی زلزله‌زده رودبار امداد رسانده است. و نیز پس از زلزله ۱۹۹۰ در یکی از مخروبه‌ترین روستاهای رودبار مجتمع آموزشی خدیجه کبری را برپا کرده است. ضمناً این بنیاد، به ارائه کمک‌های مختلف از جمله: رفع نیازهای اساسی در موقعیتهای اضطراری پرداخته است.

بنیاد، خدمات تخصصی نیز، برای بچه‌های یتیم در مناطق روستایی ایجاد کرده است. بچه‌ها و خانواده‌هایشان، پس از اتمام رایج برای ادامه تحصیل تا سطح دانشگاه، با یاریت می‌کنند.



# فقرزدایی روستایی در کشور کره

## روشی برای کاهش فشار فقر با استفاده از توسعه اقتصادی و مدرنیزاسیون

### کشاورزی

ارائه شده در سمینار کاهش فقر روستایی

- دکتر کی وان چونگ
- عضو انستیتو اقتصاد روستایی کره
- مترجم احمد یوسفی

#### ■ فقرزدایی با استعانت از فرآیند مدرنیزه نمودن کشاورزی

توسعه اقتصادی کره قویاً با طرح مدرنیزه نمودن کشاورزی این کشور آمیخته شده و هم‌اینک نیز، با اهنگ تندتری به سوی جانشین نمودن شیوه‌های جدید کشاورزی به جای روشهای سنتی قدیم به پیش می‌رود. تغییر ماهیت کشاورزی سنتی از دو جنبه حائز اهمیت بود. اولاً، انتقال و هدایت نیروی کار مزرعه‌ای به سمت بخشهای غیر زراعی و ثانیاً، معرفی و جایگزین نمودن نهاده‌های مدرن و جدید در فعالیتهای زراعی که عاقبت، این کار، به افزایش کیفی و کمی بهره‌وری در نیروی کار و زمین انجامید.

چهارچوب این سیاست، معتقد بود که: کشاورزی سنتی را می‌توان با اعمال تغییراتی در ساختار داخلی مزرعه به سمت یک اشتغال زراعی مدرن و امروزی سوق داد. متناسب با مهاجرت روستائینان به سمت حرفه‌های غیر کشاورزی، جمعیت باقیمانده، این فرصت را خواهند داشت تا

چهارچوب فرضی این سیاست، مبتنی بر لزوم توسعه اقتصادی و مشروط به حذف فقر در بخشهای شهری و روستایی استقرار بوده و این مهم میسر نگردید، مگر با توسعه فرصتهای شغلی و افزایش بهره‌وری در سطح کشور. در ضمن این چهارچوب، خواهان آن است تا اثرات مثبت توسعه در بخشهای شهری - صنعتی را به بخشهای کشاورزی روستایی تسری بخشد. لذا، بخشهای کشاورزی و روستایی نیز، باید پا به پای اقتصاد ملی، پله‌های ترقی را طی نماید.

این مقاله با هدف فقرزدایی از چهره روستاییان، البته به کمک فرآیند توسعه اقتصادی و مدرنیزه نمودن کشاورزی، تدوین شده و نمونه‌های بارزی از این مصداق را که در زیر چتر اقتصادی آزاد جمهوری کره محقق گردیده است، ارائه می‌نماید.

برخی از سیاستهای کشاورزی و پاره‌ای از موضوعات مرتبط با فقر روستایی که به نحوی با تغییر ساختار اقتصادی کره متداخل بوده‌اند، در این گزارش تشریح شده‌اند.

#### ● مقدمه

کشور کره، تا قبل از سال ۱۹۶۰ میلادی، یکی از کشورهای عقب افتاده جهان به شمار می‌رفت. اقتصاد ملی در دهه ۱۹۵۰، متأثر از یک رشد جمعیتی قابل ملاحظه‌ای بود که تورم فزاینده و بی‌کاری بی‌شمار جامعه را به دنبال داشت. میزان تورم سالانه به ۲۲ درصد بالغ شده و مقدار اندوخته داخلی<sup>(۱)</sup> نیز، به حدود ۴ درصد رسیده بود. در حالیکه میزان سرمایه‌گذاری در خلال سالهای ۱۹۶۱ - ۱۹۵۴ فقط شامل ده درصد می‌شد. رشد تولید ناخالص ملی "GNP"، در همان دوره، در حدود ۴/۴ درصد در سال ثبت شده در حالیکه میزان رشد جمعیت تقریباً به ۳ درصد رسیده بود.

اقتصاد کره، به نحو چشمگیری از سال ۱۹۶۲ به بعد، دگرگون شد و در خلال ۱۹۹۰ - ۱۹۶۰ به ۸ درصد در سال ارتقا یافت. این دستاورد، مشخصاً به راهبرد صنعتی و جهت‌یافتگی نظام اقتصاد کشور به سمت صادرات مرتبط می‌شد، که توسط دولت کره، در خلال یک برنامه مستمر پنجساله توسعه اقتصادی، تأکید و دنبال شده است.

با افزایش سطح زیر کشت و به کارگیری روشها و ابزار نوین، به نتایج مطلوب تری در فعالیتهای زراعی خود نایل شوند. در کشورهای در حال توسعه هنگامی که اقتصاد کشور سریعاً محور خود را از کشاورزی به صنعتی تغییر می دهد بخش کشاورزی نیز، متعاقباً به نقش کلیدی خود مبنی بر حمایت و پشتیبانی از توسعه صنعتی می پردازد و با تولید غذا و نیروی کار، پشتوانه مستحکمی را ایجاد می نماید. در این صورت انتقال نیروی کار مزرعه با بر خور داری از یک بازار کار مضاعف، تشدید و شتاب یافته و در این راستا، از پشتیبانی سیاستهای به موقع اقتصادی بهره مند می شود. سیاست مدرنیزه نمودن کشاورزی در گره، با عنایت به راهبرد توسعه نامتعادل<sup>(۳)</sup> پیشرفته است و تحت این راهبرد، دولت از تأمین نقدینگی ارزی و غیرارزی برای توسعه بنگاههای صنعتی دریغ نورزید.

مشوقهای دیگری همچون: معافیت مالیاتی و یارانههای دولتی نیز، در این راستا، موثر افتاد. بخش صنعتی شهری با بهره مندی از سرمایه گذارهای خارجی و فن آوری آن قوت یافته بود و بخش کشاورزی و روستایی کشور نیز، با فراهم نمودن نیروی کار ارزان و مواد غذایی مورد نیاز، پایه پای آن حرکت می کرد.

انتظار می رفت، که بخش کشاورزی بتواند از نهادهای کشاورزی مدرن و درآمد اقتصادی مطلوب تری سود ببرد و چنین هم شد. تحت این شرایط، بخش کشاورزی با بخش صنعت پیوند تنگاتنگی ایجاد نمود و متعاقباً به اقتصاد جهانی پیوست. لذا، می توان راز توسعه بخش کشاورزی را در ارتباط مستقیم و نزدیک با توسعه صنعتی جستجو نمود.

متناسب با روند توسعه روزافزون بخش صنعت، ابزارهای مدرن و پیشرفته کشاورزی فزونی یافت و به سادگی قابل دسترس و استفاده شد. آهنگ مهاجرت روستاییان به سمت مراکز صنعتی (غیرکشاورزی) شدت یافت و با کاربرد فزاینده ادوات کشاورزی امروزی، رشد چشمگیری در روند بهره روری کشاورزی ملاحظه گردید و نهایتاً، به کاهش قابل توجه فقر در سطح روستا منجر شد.

## ■ نگرشی به توسعه اقتصادی در گره

منابع طبیعی ضعیف و سطح بسیار پایین فن آوری به عنوان عوامل محدود کننده رشد و توسعه اقتصادی کشور گره در دهه ۱۹۶۰ به شمار می رفتند. رشد ضعیف و کند تولید ناخالص ملی، قدرت مقابله با جمعیت فزاینده و نیازهای آن را نداشت. بنابراین توجه به ارتقای رشد و صنعتی شدن کشور با استفاده از فن آوری خارجی به عنوان ابزاری برای حل مشکلات اقتصادی - اجتماعی شناخته شد. با مواد خام وارداتی و سرمایه و فن آوری خارجی، آهنگ رشد اقتصادی کشور شتاب بیشتری یافت و بخش اعظم منابع ملی موجود، در راستای تحقق برنامه پنجساله توسعه اقتصادی کشور به کار گرفته شد. بنابراین، مراکز عمده شهری به عنوان قطبهای رشد قوت گرفتند و باعث جذب سرمایه و نیروی کار روستاها شدند. این فرآیند، باعث توسعه نابرابر میان مراکز شهری و نقاط روستایی گردید و منجر به افزایش و استمرار روند مهاجرت روستاییان به سوی شهرها شد. در خلال دو دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی، پدیده توسعه نابرابر در بخشهای مختلف کشور، به عنوان عامل بازدارندهای برای تحقق رشد اقتصادی پایدار عمل می کرد.

اقتصاد گره در خلال دهه ۸۰ میلادی دستخوش تغییراتی در نظام اقتصادی داخلی و بین المللی شد. از دیدگاه داخلی، توسعه نابرابر در بخشهای مختلف کشور، باعث ایجاد تنش میان اقشار جامعه گردید و در نتیجه، قدرت اقتصادی دولت نیز، متمرکز شد و بحرانهای اجتماعی زیادی را افرید. این مشکلات، حتی ثبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور را نیز تهدید کرد.

از نظر بین المللی نیز، اقتصاد گره دستخوش فشارهای ناشی از قدرتهای جهانی بوده و اهرمهای فشار، خواهان باز شده بازارهای داخلی این کشور به روی مصنوعات خارجی بودند. این در شرایطی بود که، کارخانجات داخلی، در مراحل ابتدایی تأسیس و تولید، به سر می بردند.

بر خلاف این تطبیقات، اقتصاد کشور در دهه ۸۰، شکوفا شد و تا حدود زیادی نیز خودکفا گردید. دیگر سرمایه گذارهای مالی، متکی به حجم پس اندازهای داخلی نبود و مازاد تجاری قابل توجهی نیز در سال ۱۹۸۶ حاصل گردید، ولی تراز تجاری، از سال ۸۹ به بعد، با یک کاهش دایم و

مستمری مواجه شد.

کشور گره در دهه ۹۰ میلادی، با موج جدیدی از جهانی شدن اقتصاد و انتقال ساختار اقتصادی از یک مبنای بازار درون گرا،<sup>(۴)</sup> به یک اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد<sup>(۵)</sup>، مواجه شد. لذا اصلاحات سازمانی و ساختاری، در دستور کار دولتمردان قرار گرفت. سیاستهای بهینه به ویژه برای ساخت کشاورزی، مورد نظر صاحب نظران واقع گردید، زیرا این بخش، تا حدودی عقب مانده بود. به هر حال، به محض آنکه کشور گره در سال ۱۹۹۶ به عنوان عضو سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی (OECD)<sup>(۶)</sup> پذیرفته شد، اصلاحات مزبور نیز، آهنگ تندتری یافت.

اقتصاد گره، در دهه ۹۰، به عنوان شاخص پیشرفت، در میان کشورهای با درآمد متوسط، درخشید. تولید سرانه ناخالص ملی، که در سال ۱۹۶۰، فقط ۸۱ دلار آمریکا بود، به ۱۰۰۷۶ دلار در سال ۱۹۹۵ رسید. حجم صادرات نیز، از ۲۵۵/۸ میلیون دلار در سال ۶۰ به ۱۲۵۰۵۸ میلیون دلار در سال ۱۹۹۵، افزایش یافت.

بخشهای صنعتی و خدماتی نیز، رشد سریعی را تجربه کردند، در حالی که بخش کشاورزی تقریباً از نظرها دور افتاده بود و تولید ناخالص ملی، فقط ۶/۶ درصد دلار در سال ۹۵ نشان می داد.

## ■ سیاستهای کشاورزی برای فقرزدایی در جامعه روستایی

سیاست کشاورزی گره، در این زمینه، در چهار بعد توسعه داشته است. بعد نخست، عبارت بود از: تملک زمین برای کشاورزی که روی آن کار کرده و آن را شخم زده است. در این خصوص، اصلاحات ارضی مبتنی بر قوانین و ضمانتهای اجرایی مستحکمی در گره صورت پذیرفت. در بعد دوم، افزایش بهره روری مورد توجه قرار گرفت. این خواسته بایستی جوابگوی غذای مردم می بود تا فقر روستایی را ریشه کن و روند صنعتی شدن کشور را حمایت می کرد. در این زمینه، روی RFI در بخش کشاورزی تأکید شد و سیستم تشویق کنندهای نیز، برای افزایش عملکرد محصول اعمال گردید.

در بعد سوم این سیاست، افزایش درآمد به عنوان ضامن حذف فقر، منظور نظر واقع شد. اگرچه، بهره روری کشاورزی امکان رشد داشت،

ولی در صورت پایین بودن قیمت برخی محصولات زراعی، ممکن بود کشاورزان به تولید ادامه ندهند. لذا اعمال یک نظام ضمانتی قیمت، جهت تضمین درآمد کشاورزان ضرورت داشت و از آنجا که اقتصاد ملی وابستگی شدیدی به بخش صنعت داشت، نتیجه، مدرنیزه نمودن کار و زندگی روستاییان نیز، در جهت افزایش درآمد خانوار، مورد توجه و تاکید دولت قرار گرفت. بعد چهارم این مقوله، به توسعه روستایی مربوط می‌شود. همان‌طور که راهبرد توسعه اقتصادی نابرابر کره پیش می‌رفت، بخشهای صنعتی در جوامع شهری شدت می‌یافت و متقابلاً، بخشهای روستایی به نحو چشمگیری از قافله عقب می‌ماندند. بنابراین، فرآیند توسعه اقتصادی روستاها، بر مباحثی چون زیربنای اجتماعی روستایی از قبیل: آموزش روستاها، جاده‌های روستایی، حمل و نقل، ارتباطات، خانه‌سازی، تامین آب آشامیدنی و سیستمهای فاضلاب تاکید و تمرکز می‌نمود.

## الف: زمین

اصلاحات ارضی که در سال ۱۹۴۸ و ۱۹۵۰، صورت گرفت، به عنوان یک عامل مستقیم برای توزیع ابزار تولید میان رعی و زارعین خرده‌پا عمل نمود، حدود ۸۰۰۰ هکتار از اراضی کشاورزی میان این زارعین تقسیم شد. به رغم آنکه اراضی تقسیم شده، فقط ۴۱/۴ درصد از اراضی قابل واگذاری در سال ۱۹۴۹، شامل می‌شد، با این حال، روند اصلاحات سبب گردید تا مالکین قبل از شمول قانون آن، اراضی خود را با قیمت نازل تری به رعایا بفروشند. در نتیجه، حدود ۷۱۳ هزار هکتار از اراضی نیز، مستقیماً به خود زارعین شاغل در همان اراضی، فروخته شد.

به دنبال قانون اصلاحات ارضی، طبقه ملاکین حذف شد و به جای آنها، قشر جدیدی از زارعین خرده‌پا و مالک در جامعه روستایی رشد نمود. طبق قانون، فقط کسی می‌توانست ادعای مالکیت زمین کشاورزی را داشته باشد که ان را تنخوا زند و بهره‌برداری نماید. لذا، این قشر جدید از ۱۴/۱ درصد در سال ۱۹۴۵ به ۷۳/۶ درصد در سال ۱۹۶۰، ارتقا یافت. در همان حال زارعین مستاجر<sup>(۷)</sup> نیز از ۴۵/۸ درصد به ۶/۷ درصد تنزل نمودند.

اصلاحات ارضی، نقطه عطفی در توسعه کشاورزی کره به وجود آورد. بهره‌وری کشاورزی متناسب با شور و حال کشاورزان روبه فزونی نهاد. رشد قابل ملاحظه تعداد کشاورزان جدید و افزایش عملکرد کشاورزی، توأمأ به عنوان زیربنای توسعه کشاورزی و روستایی در خلال دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تلقی شد. خدمات ترویجی کشاورزی، تقویت تعاونیهای زراعی و برنامه‌های توسعه اجتماعی، مشترکاً توانستند رشد و تعالی را در کنار پدید آمدن مالکیت ارضی ناشی از اصلاحات ارضی به ارمغان بیاورند.

متناسب با افزایش روند مهاجرت از سال ۱۹۶۰ اراضی واگذار شده برای اجاره نیز، افزایش یافت در دهه ۹۰ نسبت کشاورزان مستاجر اعم از Owner Cum Tenant، و مستاجر تام (۷) به حدود ۴۵/۸ درصد رسید. نه قانون اساسی اصلاحات ارضی برای اجاره زمین اجازه می‌داد. در این شرایط، قانون جدیدی برای نگهداری و استفاده و بهره‌برداری از آن مورد نیاز بود. به علاوه، سیاستهای کشاورزی صرفاً از مزارع بزرگ می‌توانستند حمایت می‌کرد و مصمم به سازماندهی اراضی زراعی منطبق با قانون اصلاحاتی ارضی شده بود و هر خانواده محدود به تملک فقط ۳ هکتار زمین بود.

بعداً در سال ۱۹۹۴، قانون دیگری تصویب شد تا محدودیتهای موجود را از میان بردارد و به ویژه در مناطق مستعد کشاورزی آزادیهایی را قائل شود. به این ترتیب، روستاییان توانمند با استفاده از قانون شراکت، نسبت به اداره و بهره‌برداری از اراضی زراعی، دامنه فعالیت خود را گسترش دهند.

## ب: سیاست بهره‌برداری کشاورزی

برنج یک محصول بسیار حیاتی برای کره به شمار رفته و منبع درآمد زارعین این کشور بوده است. لذا، سیاستهای کشاورزی همواره، اولویت خاصی برای ان قائل بودند. اگر چه، این کشور تا سال ۱۹۳۰، جزء صادرکنندگان این محصول به شمار می‌آمد، ولی از سال ۱۹۴۵، دچار کمبود قابل ملاحظه مواد غذایی نیز شده است. زیرا، جمعیت کثیرین از پناهندگان و اوارگان چنگی ناشی از جنگ کره، به این کشور تحمیل شد و اساس

کشاورزی آن را کاملاً از هم پاشید.

پس از جنگ، برنامه ترویج کشاورزی کره مجدداً بازسازی شد. در سال ۱۹۵۸، برنامه جدیدی تدوین و با تلفیق برنامه‌های ترویج و تحقیق، اداره جدیدی به نام سازمان توسعه روستایی «ORD» در سال ۱۹۶۲، پی‌ریزی و تحت نظارت وزارت کشاورزی و جنگلداری این کشور مشغول فعالیت شد. از آن به بعد، این اداره، عهده‌دار افزایش راندمان و بهره‌وری کشاورزی در سطح کشور بوده است.

در سال ۱۹۷۲ این سازمان متعاقباً موفق به تولید گونه‌های مرغوبی از برنج<sup>(۸)</sup> با کیفیت بسیار بالا و انتشار آن در کل کشور نمود.

فن‌آوری و نهاده‌های جدید نیز، از دیگر ابزارهای به کار گرفته در این راستا به شمار رفت. در سال ۱۹۷۶، این کشور به خودکفایی در تولید برنج نائل شد. در این مرحله، سیاست خاصی همراه با یارانه‌های دولتی اعمال گردید، که باعث تشویق کشاورزان در افزایش کیفی و کمی تولید شد.

با رسیدن به مرحله خودکفایی و نیز فشار خارجی مبنی بر گشودن بازارهای داخلی بر روی واردات خارجی، دهه ۱۹۷۰، دولت مجبور به قطع مکانیزمهای حمایتی خود از زارعین شد. از دهه ۸۰ به بعد، تقاضا در بازار عامل تقویت محصول برنج شد آنان را برای رقابت با سایر تولیدکنندگان در بازارهای جهانی تحریک کرد.

## ج: سیاست در جهت افزایش درآمد

تضمین درآمد مناسب برای خانوارهای کشاورز، نه تنها برای فقرزدایی، بلکه جهت حفظ و بقای نیروی کار در روستاها و کند نمودن جریان شهرگرایی مفید و مهم تلقی می‌شود. تا قبل از نیمه دهه ۱۹۷۰، درآمد خانوارهای کشاورز عمدتاً متکی بر زمین زراعی بود، ولی سیاست تقلیل قیمت محصولات کشاورزی در دهه ۶۰ که در جهت حمایت از نیروی کار شهری اعمال شد، سیر درآمدها، روند نزولی یافت و در نتیجه، به مهاجرت گروهی روستاییان انجامید.

در سال ۱۹۶۹، سیاست قیمت دوگانه در جهت تثبیت درآمدهای زراعی و حمایت از نیروی کار شهری به مورد اجرا گذاشته شد. تحت این شرایط، برترین گونه‌های برنج سریع‌الانتشار یافت

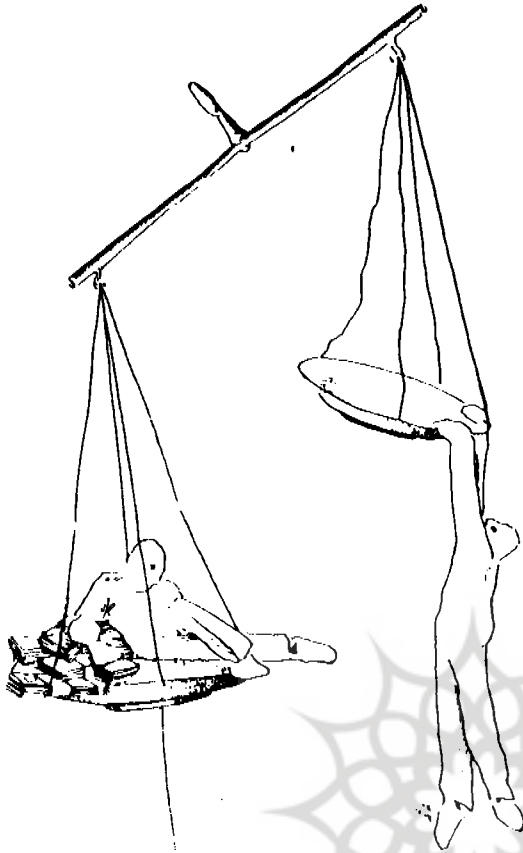
و متعاقباً درآمد زارعین بالا رفت. ولی این سیاست رفته رفته کم رنگ شد تا آنکه از سال ۱۹۷۹ به بعد، لغو شد. در نتیجه، غالب منابع درآمد خانوارهای روستایی به سمت فعالیتهای غیر زراعی متوجه شد.

سیاست صنعتی سازی روستایی نیز، در دهه ۷۰ و در جهت تکمیل درآمد زراعی خانوارها اعمال گردید و در سال ۱۹۸۳ نیز، تشدید شد و به تبصره‌ای که از تصویب دولت مبنی بر «توسعه منابع درآمد روستایی» گذشت، همراه گشت. بر اساس قانون، دولتهای محلی مراکز متعددی را در سطح روستاها طراحی و با تأمین اعتبارات لازم به مورد اجرا گذاشتند. این قانون، متضمن تخفیفهای مالیاتی و اعطای اعتبارات مختلفی برای کارخانه‌ها در مجتمع‌های روستایی بود. تا سال ۱۹۹۵، حدود ۲۷۵ مجتمع صنعتی روستایی بر پا شد و فعالیتهای غیر زراعی به عنوان منابع درآمد جدید و مهم خانوارهای کشاورزی ظهور نمود.

#### د: برنامه‌های توسعه روستایی

برنامه‌های مدرن روستایی در کره از سال ۱۹۷۵ هماهنگ با طرح «توسعه جامعه»<sup>۱۱</sup> که در سطح ۱۲ روستا معمول گشت، به مورد اجرا گذاشته شد. استفاده از فن آوری تاسیس زیرساختهای روستایی توسعه کشاورزی و مدیریت امور اراضی داخلی مشاغل روستایی موجب گسترش طرح توسعه جامعه در سرتاسر کشور شد. روند این طرح، با برنامه ترویج کشاورزی و افتتاح سازمان روستا در سال ۱۹۶۲، تقویت شد و تا سال ۱۹۷۰ در سطح ۲۱۳۷ روستا از ۱۳۷ شهرستان، گسترش یافت این برنامه در دهه ۱۹۷۰، توسط طرح جدید سامول آندونک<sup>۱۲</sup> مبنی بر توسعه روستایی جایگزین شد. طرح آندونک، مویک<sup>۱۳</sup> از یک حرکت ملی همه جانبه برای تعالی معنوی زندگی روستاییان و نیز بیداری سیاسی در اقصای مختلف ملت کره بود. اولین هدف این طرح، دستیابی به درآمد کیفی و کمی در جهت بهبود زیرساختهای روستایی بود. ولی در نهایت به سادگی ملی می‌اندیشید. برای رسیدن به این مقصود، طرح مزیور بر تعالی و بلندگویی و یادگانی، معاون و تلاش نافذ داشت.

این طرح به علاوه، در ۱۹۷۰، سهم خوبی در توسعه و پیوستگی زیرساختهای روستایی ایفا کرد.



نمود و به عنوان اهرمی در جهت به کارگیری منابع موجود برای تقویت مناطق روستایی و کشاورزی به کار رفت. در طول سالهای ۸۰-۱۹۷۱، غریب به ۳۴۲۵ میلیارد وان «Won» در طرح آندونک سرمایه گذاری شد تا شاوودهای روستایی را تأمین و سطح درآمدها را افزایش دهد. با کمال تعجب باید اشاره کرد، که خود روستاییان، سهمی معادل ۴۹/۴ درصد از سرمایه گذاری را به خود اختصاص داده بودند. این روند، موجب کاهش اختلاف سطح میان جوامع شهری و روستایی گردید، و حتی درآمد خانوارهای کشاورز، از درآمد خانوارهای کارگری شهرها در دهه ۱۹۷۰، فراتر رفت.

در مجموع، انتظارات مثبتی از طرح آندونک، در جهت مقابله با اثرات ناشی از دوره انتقال پیش‌بینی می‌شد، اگر چه ضعفهایی نیز در مواجهه با نظامهای سازمانی مؤسسه‌های خارج از روستاها داشت.

طرح مزیور، توان مقابله با تقاضاهای فزاینده ملی بر خدمات اجتماعی همچون آموزش، بهداشت، فرآیندهای شغلی غیر زراعی و

فعالینهای اجتماعی - فرهنگی در نواحی روستایی را داشت و سرانجام، در دهه ۱۹۸۰ و متعاقب آن حمایت‌های دولتی از حیز ارتفاع ساقط گردید.

از سال ۱۹۸۵، طرح جامع توسعه مناطق روستایی (IRAD) تحت نظارت سازمان برنامه‌ریزی اقتصادی به مورد اجرا گذاشته شد. در سال ۱۹۹۰ بر اساس «قانون خاص مربوط به توسعه نواحی روستایی» (SLRD)، برنامه (IRAD) قانوناً مورد حمایت واقع شد و به عنوان ابزار اهرمی برای بهبود زیرساختهای روستایی و شرایین زندگی آنان به کار رفت. تسریع و تقویت روند آموزش روستایی و بهداشت، حمایت‌های کشاورزی و توسعه بازار، از جمله سیاستهای مهم توسعه روستایی دهه ۱۹۰۰ در دستور کار وزارت کشاورزی، جنگلداری و شيلات این کشور قرار گرفت.

تا سال ۱۹۹۴، دولت کره موفق به اختتام برنامه (IRAD)، در سلاج ۱۰۹ شهرستان شد و شروع به سرمایه گذاری در جهت بهبود استانداردهای زندگی روستایی نمود. سیاستهای کشاورزی کره، متناسب با وقوع

تحولات در ساختار اقتصاد بین‌المللی و ملی، دچار تغییراتی می‌شد. در عصر رشد اقتصادی دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی، سیاست‌های کشاورزی بر افزایش بهره‌وری و عملکرد زراعی و درآمدهای مربوط به آن تاکید داشت و از اهرم‌های حمایتی و حفاظتی دولتی بهره میبرد و صرفاً خانوارهای که زمین را شخم زده و آماده زراعت می‌کرد، صلاحیت تملک آن را به دست می‌آورد. بنابراین، مساوات در مالکیت زمین از کاربری مؤثر زمین<sup>(۱۱)</sup>، مهم‌تر به نظر می‌رسید. از آنجا که منبع اصلی درآمد خانوارهای کشاورز را زراعت تشکیل می‌داد، لذا تضمین قیمت محصولات، بسیار اساسی تلقی شد. اغلب مردم روستا نشین نیز در این دوره، محدود به فعالیت در حوزه روستاها بودند. در نتیجه، برنامه توسعه روستاها نیز محدود به حریم روستاها گردید.

در دوره انتقال اقتصادی و حیاتی شدن آن در طول دهه‌های ۹۰ - ۱۹۸۰، این سیاست، دچار تحولاتی شد. برنامه‌های دولتی برای ترغیب روند تولید به تدریج افول نمود و نقش بازار مورد تاکید بیشتری قرار گرفت. قوانین مربوط به مالکیت زمین نیز از میان برداشته شد و در عوض کاربری مؤثر زمین از ویژگی‌های مهمتری برخوردار گردید. لذا، سازمان‌های زراعی (همانند تعاونیها) می‌توانند، زمانی که حول محور تولید و بهره‌وری کشاورزی فعال بروند، به حفظ و بهره‌برداری از اراضی تحت تملک خود ادامه دهند.

همان‌طور که افزایش درآمدهای زراعی با گشایش بازارهای کشاورزی محلی (داخلی) محدود می‌باشد، در مقابل توجه به منابع

درآمدهای غیر زراعی در متن خانواده‌های زراعی گسترش می‌یافت. بنابراین، صنعتی شدن روستاییان مورد تاکید واقع شد. متناسب با انتقال و تحول جامعه کره از یک شکل کشاورزی به سمت صنعتی و به لحاظ توسعه مرزهای جغرافیایی، معیشت روستاییان به سمت مراکز روستاها، راهکارهای منطقه‌ای مناسبی نیز، در جهت توسعه روستایی لازم است تا با مشکلاتی در زمینه‌های آموزشی، بهداشت و حمل و نقل مقابله نماید.

## ■ توسعه کشاورزی و فقر روستایی

مهاجرت جمعیت متغیر در بخش کشاورزی در خلال دهه‌های ۵۰ و ۶۰ جمعیت کشور تقریباً، ۳ درصد در سال رشد داشت. متعاقباً این رشد، به نحو انفجاری آمیزی تا دهه ۶۰ ارتقاء یافت. ولی، جمعیت کشاورزی این کشور، از سال ۶۷ روند نزولی داشت و علت آنرا مهاجرت‌های گروهی روستاییان به سوی شهرها دانسته‌اند. در خلال سالهای ۷۵ - ۷۰ جمعیت زارعین سالانه در حدود ۱/۷ درصد تنزل نشان داد. در طی سالهای ۸۰ - ۷۵ نیز، روند کاهش، با ۴ درصد در سال ادامه یافت و از آن پس نیز افت بیشتری داشت. و به ۴/۸ درصد رسید و سپس در سالهای ۹۰ - ۸۵ و ۹۵ - ۹۰ به ۶/۴ درصد رسید. در نتیجه، جمعیت بخش کشاورزی کشور از ۱/۵/۸۱۲/۰۰۰ نفر در سال ۶۵ به ۴/۸۳۸/۰۰۰ نفر در سال ۹۵ تنزل نمود که این افت، حاکی از یک رشد منفی بالغ بر ۱۲/۵

درصد را شامل می‌شود. در خلال سالهای ۹۵ - ۶۵ این جمعیت به میزان سالانه ۳/۹ درصد کاهش داشت. در حالی که، جمعیت کل کشور، از ۱/۵ درصد رشد عمومی برخوردار شده است.

شمار شاغلان بخش کشاورزی نیز، در طی سالهای ۹۵ - ۶۵ تنزل نمود. ولی بر عکس جمعیت این بخش - به طور یکنواخت تا سال ۷۵ روزه فزونی نهاد و رشدی معادل ۱/۲ درصد را (۷۵ - ۷۰) تجربه کرد. اما در سال ۷۶، ناگهان سقوط کرد و در سالهای ۸۰ - ۷۵ نیز درصد شاغلان این بخش ۲/۶ درصد کاهش یافتند. از سال ۱۹۸۰ به بعد، نرخ افت این جمعیت، تقریباً در حد ۴ درصد در سال ثابت ماند.

در حالی که جمعیت بخش کشاورزی در سالهای ۹۵ - ۶۵ افت ناگهانی می‌یافت، میزان کاهش خانوارهای آنها، تا حدودی کندتر عمل می‌نمود. این حقیقت را باید با مراجعه به الگوی مهاجرت کره که ناشی از وقوع توسعه اقتصادی نابرابر در کره بود، تبیین نمود. اغلب کارخانه‌های مهم در تعداد معدودی ز شهرها و بنادر بزرگ تاسیس شده بودند و لذا، فرصتهای شغلی و زیر ساختهای اجتماعی نیز غالباً در همان مراکز متراکم گردیدند. اغلب نیروهای جوان روستاها نیز به سمت مراکز شهری منوجه و متمایل شدند تا از فرصتهای آموزشی و شغلی بهتری بهره‌مند شوند. در حالی که والدین آنها همچون در مناطق روستایی باقی ماندند.

در نتیجه ساختار نسبی جمعیت در بخش کشاورزی را بزرگسالان تشکیل دادند و بخش جوان و فعال روستاها سریعاً از بافت آن خارج

جدول ۱- شاخصهای اقتصادی عمده در اقتصاد کشور کره در خلال سالهای ۹۵-۱۹۶۰ میلادی

۱۹۹۵	۱۹۹۰	۱۹۸۵	۱۹۶۰	
۸۱۲	۹۱۵	۷	۷۵	درصد میزان رشد تولید ناخالص ملی
۱۰۰۷۶	۵۳۱	۲۱۹۲	۸۱	رشد تولید ناخالص ملی بر پایه ساختار صنعتی
۶۶۶	۸۶۷	۱۲۲۹	۳۶	کشاورزی، جنگل و چوپانی
۲۷۱/۲	۲۹۱/۶	۲۱/۵	۱۴/۷	معادن و تولید محصولات
۶۶/۲	۶۹/۵	۵۵/۶	۴۹/۴	(SIC) بر پایه ثابت اعتباری <sup>(۱)</sup>
۲۷/۵	۲۷/۱	۳۹	۱۱/۶	سرمایه کلاری از جهت تولید ناخالص ملی
۲۵/۵	۲۶/۲	۲۹/۱	۵	بهره‌های کلاری در جهت تولید ناخالص ملی
۴/۹	۳/۹	۳/۱	۳/۸	میزان رشد جمعیت
۱۲۵۰۵۸	۶۵۰۱۵	۲۰۲۸۲	۲۲/۹	مشارکت
۱۲۵۱۱۹	۶۹۸۴۲	۳۱۱۲۵	۳۴۲	واردات

گردید. این پدیده، موجب افت ناکهانی میزان باروری این جمعیت ماندگار شد و در سال ۱۹۹۰، فقط ۱۴ درصد خانوارهای روستایی از وارثین جوان در میان اعضای خود بهره‌مند بودند. انتظار می‌رفت که شمار خانوارهای کشاورز در دهه آینده از این هم کمتر شود.

### ■ بهره‌وری کشاورزی (۱۲)

سالهای ۹۵ - ۷۰، ارزش افزوده بخش کشاورزی، تقریباً ۲ درصد در سال رشد کرد. در مقایسه با میزان رشد سالانه تولید ناخالص ملی، مقدار رشد بخش کشاورزی نسبتاً کم بوده است. در صورتی که دوره فوق را به دهه‌های مجزا تقسیم کنیم، بهره‌وری اراضی در سالهای ۷۵ - ۷۰ از ۵ درصد رشد سالانه برخوردار بود. در همان سالها، بهره‌وری در بخش نیروی کار نیز، حدود ۳/۵ درصد در سال رشد داشته، اگر چه، تعداد شاغلین بخش کشاورزی از رشد یکنواختی برخوردار بوده است.

رشد چشمگیر کشاورزی در این دوره را می‌توان با تجدید ساختار فن آوری و سیاستهای

دولتی در جهت ترغیب فعالیتهای کشاورزی مرتبط دانست. کاربرد کودهای شیمیایی و سموم دفع افات، افزایش یافت و سیستمهای آبیاری و تحکیم و تثبیت اراضی، سریعاً ترویج یافتند. نشر گونه‌های مطلوب برنج در سالهای دهه ۷۰، موجب افزایش راندمان محصول گردید. اعمال سیاست دو قیمتی نیز موجب ترغیب کشاورزان در افزایش محصول شد.

بهره‌وری اراضی و ارزش افزوده بخش کشاورزی از سال ۱۹۷۵، حاکی از یک رشد کند بوده است. در طول سالهای ۸۵ - ۹۷ و ۹۵ - ۱۹۸۵، میزان رشد سالانه ارزش افزوده در بخش کشاورزی به ۱/۷ درصد و ۰/۸ درصد نزول کرد. مقدار رشد بهره‌وری ارضی نیز، از سال ۷۵ روند کاهنده‌ای یافته، ولی طی سالهای ۹۵ - ۱۹۸۵ از رشد ۱/۶ درصد در سال برخوردار شد. در مقابل، بهره‌وری نیروی کار سالهای ۹۵ - ۷۵، از افزایشی معادل ۴ درصد بهره‌مند بود.

افزایش مستمر در بهره‌وری نیروی کار، عمدتاً ناشی از کاهش شاغلین بخش زراعت بود و اشتغال در بخش مزبور، تا سال ۷۵ به طور

یکنواخت افزایش می‌یافت.

اشتغال در بخش کشاورزی در سالهای ۸۰ - ۷۵ و ۸۵ - ۸۰، از رشدی بالغ بر ۲/۶ درصد و ۴/۴ درصد برخوردار شد. با ملاحظه رشد کند ارزش افزوده و بهره‌وری در سالها ۹۵ - ۷۵، رشد قابل توجه بهره‌وری نیروی کار طی دوره مزبور را می‌توان با کاهش متقابل شاغلین بخش کشاورزی مرتبط دانست.

رشد کند بهره‌وری کشاورزی در طول سالهای ۹۵ - ۷۵ را، با دو دلیل می‌توان توجیه نمود: اولاً تغییر نامطلوب عوامل خارجی در روند کشت و زرع از جمله: خروج و حذف برنامه‌های تشویقی در روند تولید، همچون: حمایت‌های قیمتی و بازگردن بازارهای کشاورزی به روی واردات، ثانیاً عوامل داخلی که ناشی از تغییر در ساختار و دموگرافیک جمعیت خانوار کشاورزی است.

کهولت سن بازماندگان در بخش کشاورزی منجر به کمبود کیفی نیروی انسانی و تسریع روند مدرنیزاسیون مزارع گردید که متعاقباً نیازمند افزایش سرمایه و سرمایه گذاری بوده است.

جدول ۲- میزان تغییر خانوارهای کشاورز و مستاجر

سال	مالک تام	owner cum tenant	مستاجر تام	مجموع
۱۹۴۵	۱۴/۱	۴۰/۱	۴۵/۸	۱۰۰
۱۹۶۰	۷۳/۶	۱۹/۶	۶/۷	۱۰۰
۱۹۷۵	۷۲/۲	۲۰	۷/۸	۱۰۰
۱۹۹۰	۵۴/۲	۳۶/۱	۹/۷	۱۰۰

جدول ۳- تغییرات جمعیت بخش کشاورزی و مشاغل زراعی

سال	خانوار کشاورز	اشتغال				B/A	D/C
		جمعیت	(A) جمع	(B) مزرعه	(C) جمع		
۱۹۶۵	۲۵۰۷	۲۸۷۰۵	۱۵۸۱۲	۸۱۱۲	۲۵۲۸	۵۵/۱	۵۵
۶۷	۲۵۸۷	۳۰۱۲۱	۱۶۰۷۸	۸۷۱۷	۲۵۹۸	۵۲/۲	۵۲
۷۰	۲۲۸۲	۳۲۲۴۱	۱۴۲۲۲	۹۶۱۷	۲۷۵۶	۲۲/۷	۲۹
۷۵	۲۳۳۹	۳۵۲۸۱	۱۲۲۲۲	۱۱۶۹۲	۵۰۴۱	۳۷/۵	۲۳
۸۰	۲۱۵۴	۳۸۱۲۲	۱۰۸۲۷	۱۲۵۸۲	۳۲۲۹	۲۸/۲	۲۲
۸۵	۱۹۲۴	۴۰۸۰۶	۸۵۲۱	۱۳۹۲۰	۲۵۵۲	۲۰/۹	۲۳
۹۰	۱۷۶۷	۴۲۸۴۹	۶۶۶۱	۱۸۰۲۶	۳۱۵۲	۱۵/۵	۱۷/۵
۹۵	۱۳۹۹	۳۳۸۵۱	۴۲۸۸	۲۰۳۷۷	۲۵۳۱	۱۰/۸	۱۳/۵



## ■ درآمدهای خانوارهای کشاورز

این خانوارها در سالهای ۹۵ - ۱۹۷۰ از رشد درآمدی بالغ بر ۶/۷ درصد برخوردار شدند. سرانه ملی پایین تر بود. تا سال ۱۹۷۵، درآمد بخش زراعت، باعث افزایش درآمد خانوارهای کشاورز گردید. درآمد بخش کشاورزی سالهای ۷۵ - ۷۰ رشدی معادل ۹/۱ درصد را نشان می داد که ۷۵/۸ درصد از کل درآمد خانوار کشاورز را در سال ۷۵ شامل می شد.

پس سهم درآمد کشاورزی نسبت به درآمد خانوار کشاورز در سال ۷۵، کمتر بوده است. در سال ۹۵، درآمد کشاورزی حدود ۴۸ درصد از درآمد خانوار کشاورز را تشکیل می داد. برعکس، درآمدهای غیر زراعی که از منابع مختلف ناشی می شد، همچون، درآمدهای دستمزدی، مشاغل غیر زراعی، درآمدهای منقول، هدایا و اموال تقسیم شده از سال ۷۵ رو به فزونی نهاد. بنابراین، رشد درآمد خانوار کشاورز را به افزایش درآمد

بخش غیر زراعی مربوط می دانند.

در سال ۹۵ سهم کل درآمدهای غیر زراعی که همه منابع درآمد غیر زراعی را دربرمی گرفت، ۵۲ درصد کل درآمد خانوار کشاورز بود. سهم درآمدهای کشاورزی از مشاغل غیرکشاورزی و دستمزدهای کارگری فقط ۳۰/۷ درصد کل درآمد خانوار کشاورز را به خود اختصاص می داد و در سال ۱۹۹۵، درآمدهای ناشی از حقوق و دستمزد فقط ۲۳/۷ درصد از کل درآمد خانوار کشاورز را تشکیل می داد. سهم درآمد غیر زراعی کره در مقایسه با مرحله صنعتی سازی کشور، نسبتاً پایین بود.

## ■ عقب ماندگی مناطق روستایی

اگر چه (IRAI) در سال ۱۹۸۵ در کره، به صحنه آمد و هزینه های قابل ملاحظه ای را از سوی دولت سرمایه گذاری نمود، این حال، اختلاف درجه توسعه شهری و روستایی هنوز مهم و قابل توجه بود.

آموزش روستایی ضعیف و خدمات بهداشتی نازل باعث عقب ماندگی مردم روستاها می شدند. این مردم ناچار بودند تا برای خدمات نامطلوب فوق بهای بیشتری نیز بپردازند. در سال ۱۹۹۰ خانوارهای روستایی مبلغی معادل ۸۷۹/۹۸۰ وان را برای آموزش فرزندان شان پرداخت نمودند. در حالی که خانوارهای شهری، فقط ۶۹۱۶۹۲ وان هزینه کردند. در همان سال خانوارهای روستایی مبلغ ۵۰۷/۴۴۷ وان را در جهت استفاده از خدمات بهداشتی هزینه نمودند و در مقابل، خانوارهای شهری با پرداخت ۴۳۱۰۸۸ وان از خدمات مشابه و حتی کیفی تری سود بردند. لذا، شهریه های آموزشی یا هزینه های پزشکی در روستاها از سقف بالاتری برخوردار بود. از سال ۱۹۹۰ با تصمیم تحصیل رایگان در روستاها، کفه ترازو به نفع روستاییان سنگین شد. به هر حال، کیفیت آموزش خدمات بهداشتی در نواحی روستایی از جمله اموری است که باید مورد بازبینی قرار گیرد. بیمارستانها و پزشکان معمولاً در مناطق

شهری متمرکز می شوند. در سال ۱۹۹۵، فقط ۷/۵ درصد از بیمارستانهای عمومی و ۱۷/۳ درصد از پزشکان یا درمانگاهها در مناطق روستایی قرار داشت. در مورد پزشکان متخصص و دندانپزشکان وضع به مراتب بدتر بود. در سال ۱۹۹۵، در صد تراکم و تمرکز آنها در مناطق روستایی بیش از ۱۰ درصد نبود. اختلاف سطح توسعه مجامع شهری و روستایی به ویژه در خصوص خانه سازی، راه های ارتباطی، حمل و نقل، امکانات ارتباطی و فرهنگی بسیار فاحش به نظر می آمد. تمایل عمومی برای مهاجرت به سوی مراکز شهری نه تنها به دلیل درآمدهای اقتصادی نازل، بلکه به لحاظ عدم تحقق طرحهای اجتماعی - فرهنگی رو به رشد بود.

## ■ فقر روستایی

در نتیجه افزایش درآمد خانوار کشاورز در خلال سه دهه اخیر، فقر روستایی به عنوان «محرومیت مطلق» تا حد چشمگیری کاهش یافته است. میزان فقر روستایی در سال ۱۹۹۵ فقط ۵/۳ درصد ثبت شد و از میزان ۳۸/۳ درصد در سال ۱۹۶۷ نسبتاً بهبود یافته است. «فقر» به عنوان محرومیت نسبی نیز که هم قابل ملاحظه ای یافته است، از دست موجود هنوز در مقایسه با «فقر مطلق» که ریشه و سرچشمه فقر

مقدار تغییر سالانه

۱۹۷۰ - ۷۵	-۰/۸۶	۱/۸۰	-۱/۷	۲/۹۱	۱/۱۶
۷۵ - ۸۰	-۱/۹۸	۱/۵۵	-۲/۰۲	۲/۱۵	-۲/۵۹
۸۰ - ۸۵	-۲/۳۲	۱/۳۶	-۲/۷۹	۱/۸۰	-۲/۲
۸۵ - ۹۰	-۱/۷۲	-۰/۹۹	-۲/۹۳	۲/۳۳	-۲/۲
۹۰ - ۹۵	-۲/۲۹	۰/۹۰	-۶/۳۹	۲/۳۳	-۲/۳۱
۶۵ - ۹۰	-۱/۷۱	۱/۳۸	-۲/۹۵	۲/۰۷	-۱/۹۳

جدول ۴ - بهره وری کشاورزی در نیروی کار و زمین

سالهای	بهره وری نیروی کار (هزاران وان در هکتار)	بهره وری زمین (هزار وان در هکتار)	ارز افزایش بخش کشاورزی (میلیار وان)
۱۹۷۰	۲۱۶۲/۵	۲۳۷/۶	۱۰۳۹۲/۳
۷۵	۲۵۷/۵	۵۸۰۲/۷	۲۳۹۹۸/۱
۸۰	۲۵۸-۱/۸	۵۲۰۵/۲	۱۱۳۳۰۶
۸۵	۲۳۳-۲/۳	۷۱۹۲/۷	۱۵۴۲۵/۲
۹۰	۲۹۷/۶	۷۳۲۰/۷	۱۵۶۹۳/۵
۹۵	۶۶۳۲/۲	۵۳۷۹/۶	۱۶۸۳۲/۳
میزان رشد سالانه			
۷۵ - ۷۰	۲/۵	۵/۱۷	۲/۶۶
۸۰ - ۷۵	۵/۲۱	۲/۱۵	۱/۷۱
۸۵ - ۸۰	۶/۳۳	۱/۶۳	-۱/۸۷
۹۰ - ۸۵	۲/۳۷	۲/۵۵	۱/۹۷

است. در سال ۱۹۹۵، فقر نسبی در حدود ۲۲/۷ درصد تخمین زده شد. پس فقیر چه کسی است؟ در جواب باید گفت: سالمندان و خانوارهای زن سالار یا تک نفره.

از آنجا که جامعه کره از کشاورزی به صنعت متحول شده و به لحاظ استمرار پدیده مهاجرت: زمین به عنوان یک منبع درآمد در مقایسه با عامل بهره‌وری نیروی کار، از اهمیت کمتری برخوردار است. بنابراین، خانوارهای کشاورزی که فاقد نیروی کار مؤلد و سرمایه لازم باشند، به سادگی به زیر خط فقر کشیده می‌شوند. سالمندانی که بهره‌وری نیروی کار خود را از دست داده و سرمایه خود را برای حمایت از

زودن فقر روستایی در شکل خاص خود یعنی «فقر مطلق» گردید و منجر به ایجاد اختلاف سطح توسعه در نواحی و مناطق مختلف کشور شد. بنابراین، محرومیت نسبی در بخشهای کشاورزی و روستایی موضوع مهمی در اقتصاد سالها دهه ۱۹۹۰ کره گردید.

درسهای بسیاری از کشور کره در زمینه محو فقر از چهره روستاییان می‌توان آموخت. اولاً، مدرنیته نمودن کشاورزی با استفاده از فضای توسعه اقتصادی نابرابر، می‌توانست یکی از گزینه‌های مطلوب جهت فقرزدایی در کشورهای در حال توسعه‌ای همانند کره، در دهه ۶۰ قلمداد شود که از منابع طبیعی ناکافی، فن‌آوری ضعیف و سرمایه کم برخوردار بود. این پدیده، امکان

بهرمندی از درآمد بالا و فرصتهای شغلی بسیار را برای جامعه فقرا فراهم می‌کند.

با این حال این سیاست، با چهارچوب مشخص آن، سبب ایجاد اشکالاتی در سیستم توزیع درآمد نیز می‌شد. اگر توسعه نابرابر ادامه می‌یافت، باعث اصطکاک شدیدی در میان بخشها و مناطق مختلف کشور می‌شد که امکان به هم ریختن روند توسعه مستمر و ملی را به دنبال داشت. لذا، در برخی از مراحل توسعه، مکانیسمی از توسعه برابر نیز، نیاز می‌شد که در مقابل مشکلات بایستد.

ثانیاً اگر چه، مدرنیته نمودن کشاورزی در کشور کره تا حدی پیش رفت و جا افتاد، با این حال، کشاورزی این کشور، دچار مشکلات «پایداری،

جدول ۵- روند درآمد خانوار کشاورز (۱۲) و درآمدهای غیر زراعی (۱۳)

(ارقام بر حسب واپ و ساختن به، ۸۵)

سال	درآمد خانوار کشاورز (E)	درآمد زراعی (D)	درآمدهای غیر کشاورزی (C)	درآمدهای کشاورزی (B)	درآمد مستمری (A)	D/A	E/A
۶۷	۲۳۲۸	۱۲۲۸	۱۱۰۰	۱۰۰	۲۰۰	۰.۶۰	۰.۵۲
۷۵	۳۳۸۲	۲۳۸۲	۱۰۰۰	۱۰۰	۲۰۰	۰.۶۰	۰.۵۲
۷۸	۳۳۸۲	۲۳۸۲	۱۰۰۰	۱۰۰	۲۰۰	۰.۶۰	۰.۵۲
۸۵	۳۳۸۲	۲۳۸۲	۱۰۰۰	۱۰۰	۲۰۰	۰.۶۰	۰.۵۲
۹۰	۳۳۸۲	۲۳۸۲	۱۰۰۰	۱۰۰	۲۰۰	۰.۶۰	۰.۵۲
۹۵	۳۳۸۲	۲۳۸۲	۱۰۰۰	۱۰۰	۲۰۰	۰.۶۰	۰.۵۲

درآمدهای غیرکشاورزی شامل همه منابع درآمدی غیرزراعی است، در حالی که درآمدهای غیرزراعی فقط شامل مشاغل غیرزراعی و درآمدهای مستمری است.

### نرخ رشد سالانه

سال	۱۹۷۷-۷۸	۷۸-۷۹	۷۹-۸۰	۸۰-۸۱	۸۱-۸۲	۸۲-۸۳	۸۳-۸۴	۸۴-۸۵
درآمد خانوار کشاورز	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
درآمد زراعی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
درآمدهای غیر کشاورزی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
درآمدهای کشاورزی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
درآمد مستمری	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
D/A	۰.۶۰	۰.۶۰	۰.۶۰	۰.۶۰	۰.۶۰	۰.۶۰	۰.۶۰	۰.۶۰
E/A	۰.۵۲	۰.۵۲	۰.۵۲	۰.۵۲	۰.۵۲	۰.۵۲	۰.۵۲	۰.۵۲

فرزندان شهرنشین خود صرف کرده‌اند، از جمله اقسار فقیر - زیر خط فقر - به شمار می‌روند. خانوارهای زن سالار نیز، از فقر در رنج هستند، زیرا، آنها نیز فاقد نیروی کار مؤلد و مفید در جمع خانواده خود هستند و در نتیجه، معمولاً زمین محدودتر و فرصتهای شغلی کمتری دارند. این گونه خانوارها حتی اگر شغلی هم داشته باشند - به لحاظ فقدان آموزش لازم، از مستمری نازلتری بهره‌مند خواهند شد.

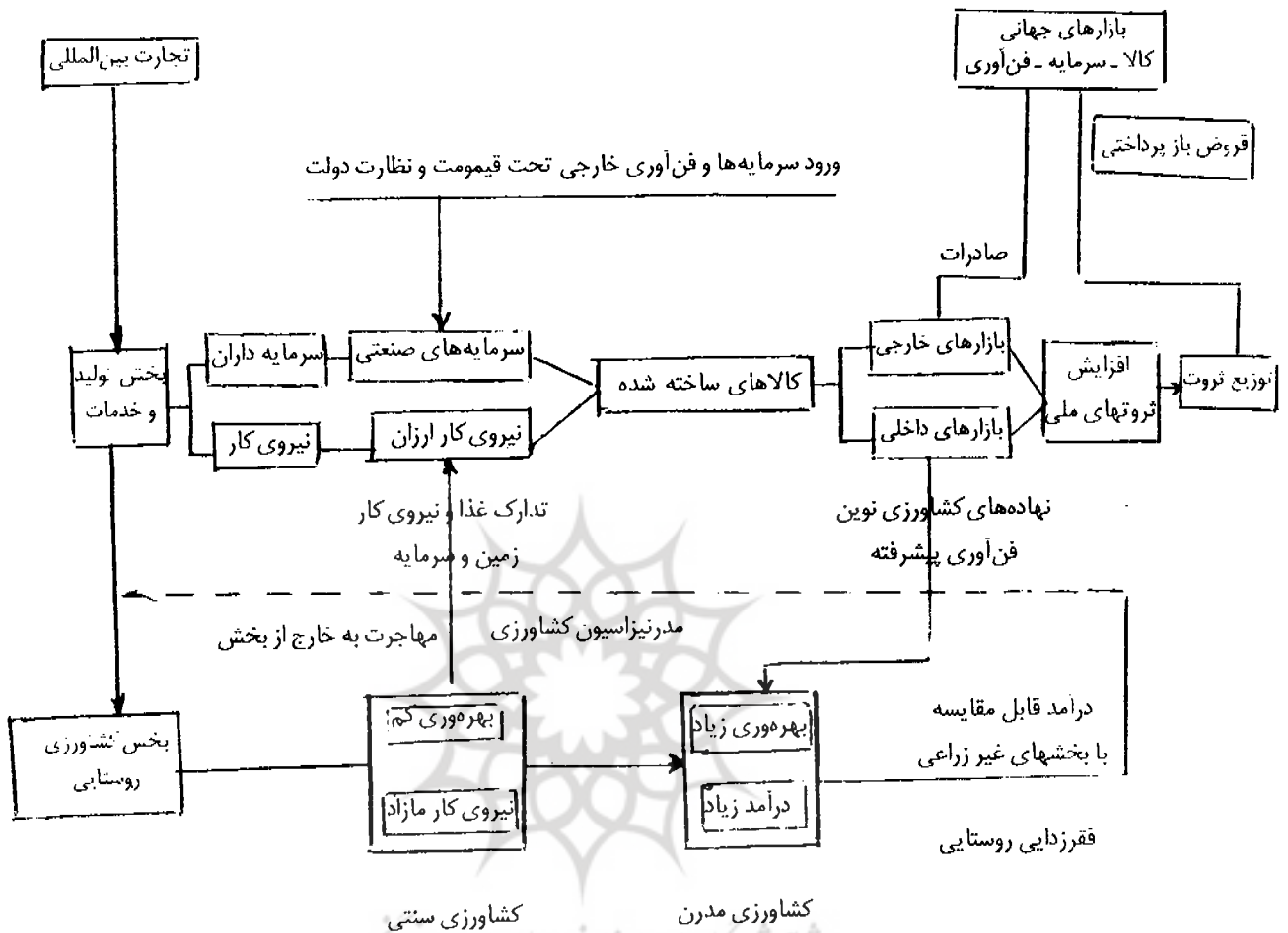
جدول ۶ - خط فقر و میزان فقر خانوار روستایی

سال	خط فقر	میزان فقر	میزان فقر	میزان فقر	میزان فقر
۱۹۷۷-۷۸	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۷۸-۷۹	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۷۹-۸۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۸۰-۸۱	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۸۱-۸۲	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۸۲-۸۳	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۸۳-۸۴	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۸۴-۸۵	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

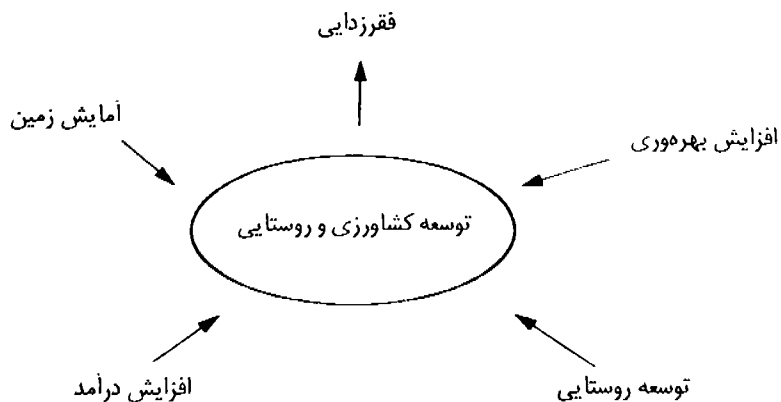
### نتیجه‌گیری

چهارچوب سیاست نسبی فقرزدایی روستایی از طریق توسعه اقتصادی نابرابر و مدرنیته نمودن کشاورزی در کره، ثابت کرده که پویایی و اثربخشی روند افزایشی بهره‌وری کشاورزی و اشتغال در بخش‌های غیر زراعی بسیار مؤثر بوده است. چهارچوب مزبور، به نحو مطلوبی موفق به

شکل ۱- ساختار فقرزدایی روستایی و مدرنیزه نمودن فعالیتهای کشاورزی در یک اقتصاد باز



شکل ۲- ابعاد چهارگانه سیاست کشاورزی که برای فقرزدایی روستایی طراحی و اجرا شد



پایه در صنعه ۱۰۱

# علل و ریشه‌های فقر

• دکتر سهیلا پروین

بحث خود را با مروری بر اندیشه‌ها و ادبیات موجود دربارهٔ مسأله توزیع درآمد و فقر شروع می‌کنم. در ادامهٔ بحث، عواقب نابرابری در توزیع درآمد، که منجر به فقر می‌شود، مطرح و شاخصهای نابرابری را در ایران بازگو خواهم کرد. سپس به بررسی اعتبار فرضیه‌هایی در مدل توسعهٔ کشورهای در حال توسعه که در ایران به‌دست آمده است، خواهم پرداخت.

## ■ علل و ریشه‌های فقر

دو علت عمده، در مورد وقوع فقر وجود دارد:

۱- پایین بودن درآمد، که در این زمینه علت‌های مختلفی؛ مثل پایین بودن بازدهی عوامل تولید، عدم هماهنگیهای طبیعی - جغرافیایی و ...  
۲- نابرابری توزیع درآمد، که شاید مهمترین علت فقر در کشورهای در حال توسعه است. یعنی در این کشورها (کشورهای در حال توسعه)، کمبود درآمد به آن شدت که مطرح است، وجود ندارد، بلکه آنچه مهم است، این است که قسمت اعظم درآمد، در دست قشر محدودی از جامعه قرار دارد که این امر، منجر به گسترش فقر عدهٔ کثیری از جمعیت این کشورها شده است.

شناخت الگوی درآمد، از دو جهت برای هر جامعه‌ای حایز اهمیت است: ۱- برای تأمین نیازهای حیاتی، که در واقع محور توسعه اقتصادی است (هنگامی که الگوی دههٔ ۶۰ و ۵۰ محور اصلی توسعه را در کشورهای در حال توسعه، نیروی

انسانی قرار داده بودند) ۲- نابرابری در توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه در شروع برنامهٔ اقتصادی - اجتماعی، باعث انباشت سرمایه که محور اصلی توسعه یافتگی است، می‌شود.

به علت پایین بودن میل نهایی به مصرف در قشر پردرآمد، میزان پس‌اندازها و در نتیجه، انباشت سرمایه افزایش خواهد یافت و بر این اساس، محور توسعه، انباشت سرمایه قرار می‌گیرد. البته اعتبار این زمینه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، مورد تردید است. به این علت که این طبقه خاص در این جوامع وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد، به علت نقش بازارهای مالی یا عدم تشکیل این بازارها در اقتصاد کشورهای جهان سوم، این‌گونه پس‌اندازها به انباشت سرمایه و استفاده در بخش تولیدی نمی‌شود، بلکه منجر به سرمایه‌گذاریهای غیر تولیدی، نظیر بخش بازرگانی و تجارت و در بهترین شکل خود به جریانهای بین‌المللی سرمایه می‌پیوندند. در عین حال، تجربهٔ کشورهای در حال توسعه نشان داده است که این گروه، نه تنها پس‌انداز کننده نیستند، بلکه از مصرف بالایی نیز برخوردارند. از طرف دیگر، الگوی دیگری که در این زمینه مطرح شد، این بود که محور اصلی توسعه، انباشت سرمایه است با این فرض که انباشت سرمایه با یک دیدگاه تجلی تری، منجر به رشد اقتصادی می‌شود و رشد اقتصادی، باعث عرضهٔ بیشتر کالاها به بازار و

کاهش قیمت‌ها و در نتیجه، افزایش قدرت خرید افراد فقیر می‌گردد و ادامهٔ رشد اقتصادی منجر به بهبود وضعیت افراد فقیر می‌شود. به عبارتی، رشد اقتصادی، توزیع درآمد را بهبود می‌بخشد. بنابراین، اکثر الگوهایی که در دههٔ ۶۰ در جهت رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه تدوین شدند، تأکید خاصی بر مسأله انباشت سرمایه و مسأله تراز پرداختها در این کشورها داشتند. از جمله خط‌مشی این کشورها، جانشینی و واردات، تشویق صادرات و اصولاً مدلهایی که تأکید بر تجارت خارجی داشتند، بود. اقتصاد ایران نیز در دههٔ ۴۰ و ۵۰ شدیداً از این الگو استفاده کرد. این کشورها، حتی اکثر با کمبود سرمایه مواجه بودند، این مشکل را در کوتاه مدت و میان مدت از طریق پس‌اندازهای خارجی، مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی و در نهایت سرمایه لازم را از طریق فروش ثروتهای ملی خود مانند نفت به‌دست می‌آوردند.

این کشورها، گاهی میزان رشد بسیار بالایی را شاهد بودند، ولی این میزان رشد دایمی نبوده تانیاً به رغم این رشدهای بالا به خصیصه‌های توسعه‌نیافتگی، مانند میزان بالای مرگ و میر کودکان، بیکاری، نابرابری توزیع درآمد، عدم مهارتهای لازم برای نیروی کار، کمبود منابع مدیریتی و سازمانی را به همراه داشته‌اند. البته در دههٔ ۷۰، این رشدها محدود شد و در دههٔ ۸۰، شاهد یک تحول اساسی در نگرش الگوهای توسعه برای کشورهای جهان سوم بوده‌ایم.

## ■ اشارهای مختصر بر پیامدهای یک توزیع نابرابر درآمد

در بسیاری از مواقع، وقتی شما توزیع درآمد را مطرح می‌کنید، بیشتر جنبه‌های عدالت خواهی برای شما مطرح است و برای نیل به این هدف، یک سری سیاست‌های کوتاه مدت، نظیر پرداخت یارانه، پرداخت‌های انتقالی دولت و توزیع دولتی کالا و نظایر آن در نظر گرفته می‌شود. در حالی که این نوع سیاست‌ها قادرند، تخصیص بهینه منابع را برهم زنند و در نهایت، از طریق فشارهای تورمی، آثار چنین سیاست‌هایی بر روی اقشار فقیر محدود می‌شود. یکی دیگر از پیامدهای توزیع نابرابر درآمد، این است که؛ وقتی تمرکز درآمد در دست قشر کوچکی است و قشر کثیری از جمعیت در فقر به سر می‌برند، رشد اقتصادی محدود می‌شود. به این دلیل که تقاضای بخش خصوصی توسط گروهی پردرآمد، شکل می‌گیرد که گروه کوچکی از جامعه را تشکیل می‌دهند. در حقیقت، گسترش بازار، وابسته به تقاضای ۲۰ یا ۱۰ درصد از جامعه می‌شود. ممکن است، این سؤال ایجاد شود که، کوچک بودن بازارهای یک اقتصاد، در یک اقتصاد بسته امکان‌پذیر است و تحت شرایطی که اقتصادباز است و با اقتصاد بین‌المللی در ارتباط است، چنین امری میسر نیست. این بحث منتفی است، زیرا می‌دانیم که ساختار بازار داخلی، تعیین‌کننده میزان تولید بنگاه‌های اقتصادی است. و امکانات صادراتی یا گسترش بازارهای بین‌المللی در یک اقتصاد، به شاخصهای کارایی که خود بستگی به قیمت‌های رقابتی دارند، امکان‌پذیر است. بنابراین، تقاضای گروه کوچک پردرآمد، تعیین‌کننده میزان تولید و سطح تقاضا است. از طرف دیگر، میزان نابرابری در توزیع درآمد، به شدت تحت تأثیر، کنترل و افزایش هزینه مصرفی گروه پردرآمد است.

در تمام دوره‌هایی که مورد بررسی قرار داده‌ایم، بیش از ۵۰ درصد از رشد مصرف در اقتصاد ایران، مربوط به ۲۰ درصد از افراد جامعه (پردرآمد) است و ۴۰ درصد افراد فقیر در دوران پس از انقلاب اسلامی به بهای کاهش رشد مصرف گروه میانه، از بهبود نسبی برخوردار شدند. در حقیقت، این رشد مصرف گروه پردرآمد است که به تولیدکننده می‌گوید: چه کالایی و به چه میزان باید تولید شود.

گذشته از این بحث‌ها، در شرایطی که بازارها رقابتی است و توزیع برابر، در جریان توسعه با توجه به چرخش سرمایه و پیشرفت تکنولوژی گرایش به سمت پروژه‌های سرمایه‌بر بیشتر خواهد بود، این انتظار وجود دارد که اگر به توزیع درآمد در ضمن برنامه‌های توسعه توجهی نشود، در اجرای برنامه توسعه، فقر گسترش یابد و همچنین، انتظار نمی‌رود که تحقق رشدهای بالا بتواند، مسأله توزیع درآمد را به صورت برابر تحقق بخشد. پس اگر در ابتدای برنامه‌ها از یک توزیع نابرابر درآمد برخوردار باشیم، احتمال اینکه فواید حاصل از رشد نیز به گونه‌ای بسیار نابرابر بین اقشار مختلف جامعه توزیع شود، وجود دارد. ملاحظه می‌کنید که در کارایی سیاست‌های لازم و راه رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، اختلاف نظرهای بسیار گسترده‌ای وجود دارد. گروهی با استناد بر مطالعات و تجربیات گورنس بیان می‌کنند: نابرابری توزیع درآمد (از طریق تشکیل سرمایه) و کمک به انباشت سرمایه، رشد این اقتصادها را تسریع می‌کند. تجربه کشورهای در حال توسعه، نشان داده است: که توزیع درآمد می‌تواند عامل محدودکننده‌ای در فرایند رشد اقتصادی باشد. بنابراین، ما باید به مسأله توزیع درآمد، در خلال برنامه‌های توسعه توجه نماییم. مسلماً در فرایند توسعه، بازدهی عوامل تولید (کار و سرمایه) بهبود می‌یابد. اما بهبود وضعیت نیروی کار به چند پیش فرض بستگی دارد: در ابتدا کارایی نیروی کار، باید از کارایی سرمایه بیشتر باشد حتی اگر چنین اتفاقی بیفتد، یعنی بازدهی نیروی کار، سریعتر از سرمایه افزایش یابد و سهم نیروی کار در فرایند توسعه ثابت بماند. اما چون در این فرایند، تمایل به استفاده از تکنولوژیهای سرمایه‌بر وجود دارد و این سرمایه‌گذارها نیاز به نیروی کار ماهر دارند، در فرایند رشد در بازار نیروی کار، شاهد یک توزیع عادلانه درآمد خواهیم بود، چرا که، در جریان چنین رشدهایی، عمدتاً نیروی کار ماهر می‌تواند جذب شود و از فواید رشد بهره‌مند گردد.

بنابراین، تحت چنین شرایطی بازار کار یک بازار دو قطبی خواهد بود و می‌توانیم نابرابری توزیع درآمد را در این بازار مشاهده نماییم.

وقتی تقاضای گروه کثیری از جامعه از بازار محدود باشد، این به معنی محدودیت در گسترش بازار است. و از طرف دیگر تقاضاکنندگان پردرآمد، تقاضاکننده کالاهای لوکس هستند که از کسب درآمدی بالا برخوردارند. سهم نیروی کار (دستمزد) در تولید این نوع کالاها بسیار پایین است. لذا سطح تولید و افزایش تقاضای این گروه، تأثیری بر سهم نیروی کار ندارد. حاصل چنین محدودیت‌هایی در بازار، محدودیت رشد اقتصادی خواهد بود. تولیدکنندگان در چنین اقتصادی، فقط به دنبال تنوع کالا و حفظ رشد در مصرف‌گرود پردرآمد در جامعه خواهند بود. چنین اقتصادی به جای این که هدف آن تولید انبوه باشد، تنوع تولید خواهد بود. بخشهای تولیدکننده این کالاها، که بالقوه از بهره‌وری بالاتری برخوردارند، قادر خواهند بود که منابع موجود در سایر بخشها را (که عمدتاً نیروی کار در آن شاغل هستند) به سمت خود جذب کنند. در عین حال، در اقتصادی که از منابع ارزی قابل توجهی برخوردار است، بخشی از تقاضای گروه پردرآمد، متوجه کالاهای مشابه خارجی است. بنابراین، حتی رشد بالای مصرف گروه پردرآمد در اقتصادهایی که درآمد ارزی آنها بالاست، کمک به رشد بازار و تولید نمی‌کند. این تجربه را به وضوح در دوره‌های رونق اقتصادی یعنی سالهای (۵۴ - ۵۱) در اقتصاد ایران، شاهد بودیم. پیامد محدودیت گسترش بازار یا تنوع در تولید به جای تولید انبوه، این است که سبب افزایش تقاضا برای کالاهای جدید می‌شود. در عین حال کوچک بودن بازار، اجرای این طرحها را محدود می‌کند. پس از راه‌اندازی اولین واحدهای تولیدی از این نوع، اندیشه ادغام این واحدها به علت این که حداقل سود این‌گونه واحدها در سطح کلان حفظ شود، شکل می‌گیرد. و گرنه، در سطح فردی این واحدها، بسیار زود از کارایی و سوددهی باز می‌ایستند. یک اثر محدود ماندن تولید نیز وابستگی شدید به واردات و غیر کارآمدن تولید در بخش صنعت دارد. از این شرایط، معمولاً راهبردهای حمایتی توصیه می‌شود. (یعنی انتقال منافع حاصل از رشد بخش کوچک مدرن در اقتصاد به مصرف‌کنندگان این کالا یا به عبارت دیگر یارانه‌ای کردن کالا و گسترش بازار به شکل مصنوعی است). این مسأله را شما در مورد اکثر کالاهای تولیدی بخش صنعت در ایران شاهد هستید. به محض این که کالاهایی تولید

می‌شوند، به علت این که هزینه تولید آنها بالاست، مصرف‌کنندگان قادر به خریدن آنها نیستند و تولیدکنندگان مجبورند، برای تأمین هزینه‌های خود از سیاست‌های یارانه‌ای استفاده نمایند. یکی از مرسوم‌ترین این سیاست‌ها، فروش اقساطی این کالاها به مشتری است. بنابراین، گسترش مصنوعی بازار، یعنی تأکید بر دوگانگی اقتصاد همراه با فشار توزیع درآمد و ایجاد مصرف نامتعادل، مجدداً منجر به تکرار این روش می‌شود.

### ■ نابرابری توزیع درآمد در ایران

با این که، اقتصاد در ایران را نمی‌توان بر اساس برخی از شاخص‌های رشد اقتصادی، جزء کشورهای فقیر طبقه‌بندی کرد، اما بر اساس معیارهایی، نظیر: سهم بخش صنعت، اشتغال، مهارت نیروی کار و سرمایه‌های انسانی و توزیع درآمد، در زمره کشورهای فقیر قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد که دو عامل در ایجاد و گسترش فقر بیشتر از بقیه سهمیه بوده است. اولاً، بیکاری، که حاصل به کارگیری خط‌مشی‌های پیشنهادی توسعه در دهه ۶۰ و ۵۰ بود، که هدف آن، حداکثر کردن رشد اقتصادی در اقتصاد ایران بود. لذا، راهبردهایی در این رابطه انتخاب می‌شود که توجه کمتری به ساختار بازار کار در ایران دارد، عمدتاً راهبردهایی از نوع جانشینی واردات و از نوع تولید کالاهای مصرفی یا مونتاژ می‌باشند که به شدت سرمایه بر و تکنولوژی‌پر هستند و با ساختار بازار ایران سازگاری ندارند. زیرا، احتیاج به نیروی کار ماهر دارند. دوم و شاید مسأله مهم، نابرابری توزیع درآمد در اقتصاد ایران است و این مسأله در اقتصادهایی که از درآمدهای بیرون‌زای خارج از مکانیزم تولید، مانند درآمدهای نفتی برخوردار هستند، بیشتر نمود دارد.

برخلاف اهمیت مسأله توزیع درآمد، اندازه‌گیری‌های آن هم با محدودیت‌های فراوان همراه است. از جمله این که هر اقتصادی با بازارهای غیر رسمی گسترده روبروست. برای اندازه‌گیری توزیع درآمد، معمولاً به بازار کار سازمان یافته مراجعه می‌شود و اطلاعات از این بازار جمع‌آوری می‌گردد. همین امر سبب می‌شود، که برآورد صحیحی به دست نیاید. در عین حال، این اطلاعات با تکنیک نمونه‌گیری به دست



می‌آید که لزوماً تمام موارد را دربر نمی‌گیرد. همچنین پرکردن پرسشنامه، دارای محدودیت‌های زیادی است که بیشتر این محدودیت‌ها مربوط به پرسشگر می‌باشد چرا که گاهی، خود پرسشگر به مفهوم درآمد و قوف کامل ندارد. مثلاً، در بخش سنتی ایران بخشی از درآمدها به صورت کالایی و نه ریالی دریافت می‌شود، که در پرسشنامه‌ها مطرح نمی‌شود. و بخشی نیز مربوط به پاسخگو می‌باشد. معمولاً پاسخگو هم، از اظهار درآمد واقعی خود پرهیز می‌کند و در نتیجه، برای اندازه‌گیری توزیع درآمد از داده‌های مصرف استفاده می‌کنیم. با این پیش فرض که نابرابریها و نوسانات شدید درآمد در الگوی مصرف وجود ندارد، در ضمن کم‌گویی در ارقام، مربوط به مصرف نیست، اما باید توجه داشت که درآمدهای غیردایمی، در مصرف و ضریب میل نهایی به مصرف، نقش کمتری دارند. دوم این که مصرف تحت تأثیر الگوی جنسی، سنی، شغلی و بعد خانوار و همچنین سطح عمومی قیمت‌ها قرار دارد. بنابراین، در هنگام استفاده از این داده‌ها، در تعیین توزیع درآمد، باید موارد را تعدیل کرد. در مورد ایران، تقریباً، هیچ‌گونه اطلاعاتی برای اندازه‌گیری توزیع درآمد و نه از طریق درآمد نه از

طریق مصرف صورت نمی‌گیرد. در اقتصاد ایران، شاخصهایی که برای توزیع درآمد استفاده می‌شود، بر اساس اطلاعات مصرف است. البته این ارقام نیز کامل نیست، و هدف آن، نشان دادن توزیع درآمد نیست، به این علت که، در اقتصاد ما در مورد مصرف، سیاست‌های حمایتی وجود دارد و مصرف‌کننده کم‌درآمد، برای بهره‌مندی از این سیاست، اقلام واقعی خود را بیان نمی‌کند و گروه پردرآمد هم از بیان بسیاری از مصارف خود امتناع می‌ورزد. یکی دیگر از دلایل نابرابری در توزیع درآمد، شکاف بارز بین درآمد مناطق شهری و روستایی است. از یک طرف مربوط، به تفاوت آشکار بهره‌وری عوامل تولید در بخش روستایی و شهری است و از طرف دیگر، مربوط به نابرابری درآمد در درون شهر و روستا می‌باشد. حالا اگر ارزش افزوده شاغلین دو بخش را به عنوان عامل بهره‌وری عوامل تولید بدانیم، ملاحظه می‌کنید که در سالهایی که رشد اقتصادی سریع تر بوده است، یعنی، سال‌های رونق اقتصادی (۵۴-۵۰) بهره‌وری نیروی کار شهری ۷ برابر بهره‌وری کار روستایی است. این شکاف عمدتاً در برنامه‌های سوم و چهارم و پنجم قبل از انقلاب آگاهانه صورت می‌پذیرفت که مربوط به دوگانگی اقتصادی است.

این شیوه ناشی از اصل نوگرایی اقتصاد بوده است که با تولید به مقیاس انبوه و کاربرد روشهای نوین در تولید، بر پایه انتقال دانش فنی اشتباه گرفته می شود. خطامشی جانشینی واردات در صنایع مصرفی. عمدتاً در بخشهای شهری شکل می گیرند و از بازدهی بالایی برخوردار هستند و جاذب نیروی کار ماهر می باشند و به همین دلیل، بهره‌وری نیروی کار شهری را افزایش می دهد، در نتیجه، قادر خواهد بود سایر منابع موجود را نیز علاوه بر نیروی کارشان از دیگر بخشها به سوی خود جذب کند. دلیل دیگر در این زمینه، مربوط به ثبات نسبی قیمت کالاهای کشاورزی در مقایسه با محصولات صنعتی (بخش کوچک یا مدرن) شهری است. تجربه اقتصاد ایران نشان می دهد که به دلایل مختلف از بروز افزایش قیمت در بخش کشاورزی جلوگیری به عمل آمده است. به طور مثال، هر وقت رونق اقتصادی یا رونق بازار نفت وجود داشته است، قیمت محصولات کشاورزی در مقایسه با سایر بخشها تثبیت یا پایین نگاه داشته می شود و این امر به ضرر بخش کشاورزی است. از طرف دیگر، افزایش قیمت کشاورزی مربوط به افزایش هزینه‌های جانبی این بخش می باشد. مثل صنایع بسته بندی و حمل و نقل. معمولاً افزایش قیمت محصولات تولیدکنندگانی را منتفع می کند که محصولاتشان را به بازار عرضه می کنند.

در اقتصاد ایران، سهم بزرگی از تولیدات کشاورزی مربوط به تولیدکنندگان خود مصرف می باشد که از این افزایش قیمت بهره‌ای نمی برند. از نظر توزیع درون بخش شهری و روستایی، همان نابرابری که در بخش شهری وجود دارد، در بخش روستایی نیز به چشم می خورد. این اطلاعات نشان می دهد که به طور متوسط ۶/۵ درصد از کل مصرف کشور مربوط به ۱ درصد قشر پردرآمد است و این در شرایطی است که ۲۰ درصد قشر فقیر فقط ۴/۶ درصد از مصرف را در اختیار دارند. حال اگر این نابرابری را در درآمد در نظر بگیریم، به این معناست که ۶/۵ درصد از تولید ناخالص ملی در دست ۱ درصد از قشر پردرآمد و ۴/۶ درصد آن در دست گروه فقیر جامعه می باشد. عوامل مختلف ایجاد این نابرابری، از طریق تغییرات درآمدی، قابل بررسی است. تکنیک تغییر تحلیلات، مثل تکنیک آنالیز

واریانس قادر است، سهم انواع نابرابریها را در کل نابرابریها اندازه گیری کند.

آنالیز واریانس، تفاوتها را حول نقطه میانگین اندازه گیری می کند. در مسأله نابرابری هر جفت مشاهده برای ما مهم است. بنابراین با محاسبه تکنیک تفاوتهای هر جفت مشاهده شده، می توان به مجموع نابرابریهای جامعه پی برد. معنی این تکنیک، این است که قابل تعمیم به صفات و شاخصهای دیگر هم هست.

یکی از عوامل مهم در کسب درآمد، نوع شغل است. بر اساس طبقه بندی مرکز آمار، ۹ گروه شغلی را در نظر گرفتیم. ۹ گروه شغلی در شهر و ۹ گروه شغلی در روستا و تفاوت بین درآمد این مشاغل را در شهر و روستا اندازه گیری کردیم، مهمترین عامل، در نابرابری درآمد در مشاغل مختلف روستایی مربوط به مالکیت زمین است. درآمد مالکان زمین، با درآمد سایر مشاغل در روستا بسیار متفاوت است. عامل دوم نابرابریهای متقابل بین شهر و روستا است. از جمله عواملی که در کسب درآمد و توزیع آن مؤثر است، میزان اشتغال و مهارت نیروی کار است، اطلاعات مربوط به سطوح درآمدی و اشتغال نشان می دهد که رابطه مستقیمی بین بیکاری و گروههای درآمدی وجود دارد. حدود ۴۸ درصد خانوارهای (شهری و روستایی) خانوارهایی هستند که هیچ عضو شاغلی ندارند. به تدریج که از گروههای کم درآمد به سمت گروههای پردرآمد حرکت می کنیم، سهم خانوارهای بدون فرد شاغل کاهش می یابد. شاید به نظر عجیب برسد که چگونه گروههای پردرآمد، بدون فرد شاغل تعریف می شود، علت این است که اولاً، این خانوارها بسیار محدود هستند. ثانیاً این خانوارها، خانوادهایی هستند که با درآمد حاصل از دارایی، امرار معاش می کنند و لزوماً فقیر تعریف نمی شوند. ولی نسبت آنها بسیار کم است، در مجموع، ۱/۳۷۴۰۰۰ خانوار در سال ۶۸ فاقد عضو شاغل در خانوار هستند و با هر معیار اقتصادی، فقیر محسوب می شوند، ولی اگر بعد خانوار ۴/۸ نفر را هم در نظر بگیریم حدود ۶/۵۰۰۰۰۰ خانوار ایران، هیچ عضو شاغلی ندارند و نکته مهم این است که این نسبت، نسبت به سال ۱۳۵۱، چیزی حدود ۴۰ درصد افزایش داشته است. علاوه بر این، در مورد خانوارهایی با عضو شاغل در مناطق شهری در برابر ۴/۳ نفر

یک عضو شاغل و در مناطق روستایی در برابر ۳/۶ نفر یک نفر عضو شاغل وجود دارد. به عبارت بهتر، در شهر، هزینه ۴/۳ نفر را یک نفر تأمین می کند. بنابراین، می توان گفت: فقر در گروههای شاغل نیز به طور گسترده وجود دارد و درآمدی که یک نفر در یک خانواده کسب می کند، به طور سرانه بین تعداد افراد خانواده تقسیم می شود و این درآمدی نیست که افراد را از سطح فقر بالاتر ببرد. ویژگیهای دیگر افراد فقیر در ایران تراکم خانوارها در بخش ساختمان، کشاورزی و مشاغل طبقه بندی نشده است. چیزی حدود ۲۱/۸ درصد افراد ساکن شهر و ۴۴/۳ درصد افراد ساکن روستا مزدبگیر هستند. یعنی، دریافت کنندگان درآمد ثابتی هستند که با افزایش تورم، قدرت خریدشان محدود می شود. حدود ۶۲ درصد از سرپرستان خانوادهها، به صورت مستقل فعال هستند. چنین واحدهایی کوچک و خوداشغالی از نظر بهره‌وری و در نتیجه کسب درآمد در سطح پایینی قرار دارند و تنها در اثر سیاستهای حمایتی هستند که توانسته اند، خودشان را در مقابل واحدهای بزرگ تولیدی، که از بهره‌وری بالایی برخوردار هستند، حفظ کنند.



## تصحیح و پوزش

در شماره ۱۹۴ ماهنامه علمی جهادگزارشی مختصر از اجلاس کارشناسی احیای اکوسیستمهای جنگلهای تخریب شده با نام آقای داریوش تمدنی در صفحه ۹۵ به چاپ رسید، لازم است ذکر کنیم که اصل این گزارش توسط آقای دکتر مصطفی جعفری رئیس موسسه تحقیقات جنگلها و مراتع وزارت جهادسازندگی تهیه گردیده است و ترجمه گزارش اجمالی آن توسط آقای داریوش تمدنی صورت گرفت.

آقای دکتر مصطفی جعفری در این اجلاس به عنوان نماینده آسیا و جمهوری اسلامی ایران و رئیس پانل، ریاست گروه آسیا IV عهده دار بودند و از طرف کمیته سازمان دهنده آقای فرناندوموتا رئیس اجلاس مورد تقدیر قرار گرفته اند.

همچنین لازم می دانیم، یادآور شویم گزارش کامل این اجلاس در شماره آتی از نظر گرامیتان می گذرد.



# آبخیزداری رهیافتی برای اشتغال‌زایی و فقرزدایی در مناطق روستایی

■ سیدجواد ساداتی‌نژاد

ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

هدف نهایی آبخیزداری، اعمال مدیریت جامع‌نگر در تمام آبخیزهای کشور است، به نحوی که میزان هدررفتن آب و فرسایش خاک، به حداقل ممکن تقلیل یابد و با بهره‌برداری مناسب منطقی و بهینه از سرزمین، کلیه فعالیت‌های مربوط به منابع طبیعی و کشاورزی، از زیربنای اقتصادی و اجتماعی مستحکمی برخوردار باشند.

## ■ چکیده

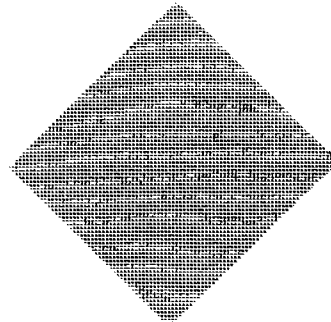
آب و خاک، دو فاکتور مهم در فرایند توسعه روستایی هستند، با این که موجودی آب کشور، قادر است خودکفایی را در مورد این عنصر حیاتی تأمین کند، ولی متأسفانه، درصد کمی از توان موجودی آب کشور، در زمینه تولید کشاورزی به کار گرفته می‌شود.

طرح‌های آبخیزداری می‌تواند، تا حدی از این معضل بکاهد. فرسایش خاک در کشور نیز، روندی شتابان دارد و زیانهای ناشی از آن، نگران‌کننده است، ولی آبخیزداری با روش‌های خود، درصد مهار آن برآمده و راه‌حلهای مختلفی را ارائه نموده است.

هزینه‌ای که در این بخش صرف می‌شود، قسمت عمده آن به طور مستقیم عاید روستاییان خواهد شد. همچنین، اشتغال موقت ایجاد شده ناشی از اجرای این طرحها نیز، از نظر اقتصادی مهم می‌باشد. با توجه به این مطالب، آبخیزداری به عنوان یک راهبرد در جهت فقرزدایی و اشتغال‌زایی، در مناطق روستایی مطرح است.

## ■ مقدمه

زمانی که بشر بر عرصه کره خاکی کشاورزی را ابداع نمود، طبیعت بکر توانایی تحمل دخالت بشر در اکوسیستم خود را در حد خرد داشت؛ اما با افزایش جمعیت، در طول قرن‌ها، هر روزه، بر این مداخله بی‌حدوحدصر افزوده شد و بدون توجه به توانایی زمین بهره‌کشی از آن ادامه یافت. انسان برای تأمین غذا و معاش خود، مراتع را به دیمزارها تبدیل نمود و جنگلها را تخریب و





دامنه‌های پرشیب را شخم زد و تعادل طبیعت را مخدوش نمود. همچنین استفاده بی‌رویه و غیرمجاز از زمینهای کشاورزی و جنگلها و چرای بی‌رویه و مفرط و عدم رعایت اصول مرتداری، بر و خامت اوضاع افزوده و باعث بروز معضلاتی چون نابودی جنگلها، مراتع، آبخیزها، فرسایش خاک و تولید رسوبات گردیده است.

این تخریب علاوه بر از بین بردن خاک حاصلخیز کشاورزی، موجب بروز سیلابهای سهمگین شده که سالیان سال جان و مال مردم را مورد تهدید قرار داده و می‌دهد و علاوه بر وارد کردن خسارت، حجم زیادی رسوب را در مخازن سدها انبار می‌نماید و از این طریق نیز، میلیونها تومان خسارت وارد می‌آورد.

از آنجایی که ایران، از جمله کشورهایی است که در مناطق خشک و نیمه خشک جهان قرار دارد، معضل کمبود آب، نیز بر مسائل فوق افزوده می‌شود؛ بنابراین، برای ادامه حیات، تأمین آب نیز، از نیازهای ضروری کشاورزی این کشور بوده و برای سازگاری با محیط، استفاده بهینه از منابع آب و خاک امری اجتناب ناپذیر است. حال در شرایط کمبود آب، از دست رفتن اندک آب موجود، به صورت سیل ویرانگر خود جایگاه مطلب را روشن می‌سازد. همچنین، هرساله میزان نفوذ باران به داخل خاک، به دلیل عدم پوشش گیاهی مناسب، کاهش می‌یابد و این کاهش موجب کمبود آبهای زیرزمینی از یک سو و افزایش روانابهای سطحی از سوی دیگر می‌گردد که عمدتاً از دسترس کشاورزان خارج می‌شود.

با توجه به مطالب ذکر شده، می‌توان کمبود آب و فرسایش خاک را از تنگناهای توسعه اقتصادی در ایران دانست که هر گونه مساعدت در بهبود وضعیت این دو عامل، می‌تواند گامی در جهت توسعه اقتصادی به خصوص در مناطق روستایی باشد.

آبخیزداری علمی است که در این راستا ظهور یافته است و راهبرد آن در مناطق خشک، بر این است که از فرسایش خاک ناشی از سیلابها جلوگیری کند و با کنترل سیلابها و نفوذ آن در زمین، موجب تقویت آبهای زیرزمینی گردد.

امروزه، اعتقاد بسیاری از کارشناسان بر این است که بخش مهمی از معضلات مربوط به منابع آب و خاک کشور به دلیل اختلال در واحدهای

طبیعی است که اصطلاحاً به آن آبخیز گویند.

حوزه‌های آبخیز، بستر توسعه روستایی هستند که به تبع آن، توسعه کشاورزی و توسعه اقتصادی به وجود خواهد آمد. هر کار اصلاحی که در حوزه‌های آبخیز در بالابردن کیفیت و کمیت منابع آن انجام گیرد، مستقیماً بر ساکنین این مناطق به خصوص، روستاییان تأثیر خواهد گذاشت.

مقاله حاضر، با ارایه دلایل و روشهای مطرح شده، نقش این علم را در فقرزدایی و اشتغال‌زایی در مناطق روستایی نمایان می‌سازد.

## ■ توسعه روستایی

### ۱- توسعه

برای توسعه، تعاریف مختلفی ارایه شده است. توسعه، عبارت است از: درجه‌ای از تحول، که جامعه را بر اساس ویژگیهای مربوط، برای نیل به آرمانها و اهداف خود هدایت می‌کند.<sup>۱</sup> توسعه عبور از یک مرحله، به مرحله دیگر، همراه با تغییرات اساسی در کیفیت و کمیت و اشاراتی روشن بر پیشرفت و ترقی و گسترش دامنه فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فنی و ... است.

توسعه، علاوه بر بهبود وضع درآمدها و تولید، متضمن تغییراتی بنیادی در ساخت نهادهای اجتماعی - اداری و طرز تلقی عامه و حتی آداب و رسوم و اعتقادات است. در اصل، توسعه باید نشان دهد که: مجموعه نظام اجتماعی و سطح زندگی مردمی که در آن زندگی می‌کنند، از حالت نامطلوب و ناخواسته و توأم با فقر و فلاکت گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی در زندگی که هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی بهتر است، سوق می‌یابد و بر همین اساس است، که هر کشوری در راه توسعه تلاش می‌کند.<sup>۲</sup>

### ۲- ضرورت توسعه روستایی

واقعیت مهم این است که؛ قشر عظیمی از فقیرترین مردم جهان، در مناطق روستایی سکونت دارند و عمدتاً به کشاورزی اشتغال دارند. اگر قرار است که توسعه انجام گیرد و مستمر باشد، آیا بهتر نیست که توسعه به طور اعم از مناطق روستایی و به طور اخص، بر اساس محوریت کشاورزی آغاز شود؟ بدون توسعه کشاورزی و روستایی، رشد صنعتی یا موفق نخواهد شد یا اگر

موفق شود، عدم تعادل شدید داخلی را در اقتصاد ایجاد خواهد کرد و باعث فقر و نابرابری و بیکاری خواهد شد.

«روستاییان، سرمایه‌های یکتا و بی‌بديل هر دولت و ملت، در هر جا و هر مکان و در هر عصر و زمان و مولدان خستگی‌ناپذیر در مبارزه با ناملایمات طبیعی، و روستا، یعنی کانون اصیل تشکلهای انسانی برای توسعه ملی و واحد بنیانی تولید در نظام اقتصاد ملی می‌باشند.

روستا بستر تولید خواربار، برای تغذیه ملت و ملتها است و به قوت می‌توان گفت: روستا، یعنی؛ پایگاههای بقای موجودیت و تأمین استقلال اقتصادی هر کشور».<sup>۳</sup>

«توسعه روستایی، یعنی؛ بهره‌برداری بهینه از منابع موجود و عوامل در دسترس مولدان جامعه روستایی و گسترش اشتغالهای مولد و رونق فعالیت‌های اقتصادی در هر واحد روستایی و بهره‌مندی جوامع روستایی از خدمات زیربنایی لازم تولید و اشتغال».<sup>۴</sup>

توسعه روستایی را می‌توان، عاملی در جهت بهبود شرایط زندگی افراد متعلق به قشر کم‌درآمد ساکن روستا و خودکفا ساختن آنان در روند توسعه کلی یک کشور دانست.<sup>۵</sup> به همین دلیل، توسعه روستایی راهبردی است که به منظور بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروه خاصی از مردم (روستائیان فقیر) طراحی شده است. این فرایند، شامل بسط منافع توسعه در میان فقیرترین اقشاری است که در مناطق روستایی در پی کسب معاش هستند. همچنین، ارتقای استانداردهای زندگی توده‌های کم‌درآمد ساکن در مناطق روستایی و خودافزا کردن فرایند توسعه‌شان به عنوان توسعه روستایی تعریف شده است».<sup>۶</sup>

جامعه‌ای در مسیر پیشرفت و توسعه قرار می‌گیرد که از همه توان و نیروی خود در جهت بهره‌وری بهتر استفاده کند. باید زمینه‌هایی را فراهم آورد، که هر کسی به اندازه توان خود جامعه را به سوی توسعه سوق دهد. بسط و تقویت کشاورزی برای تولید غذا، اشتغال و درآمد بیشتر، می‌تواند به صورت شمشیر لبه‌ای عمل نماید؛ در عین حال که مشکل گرسنگی را از بین می‌برد، ممکن است سبب تخریب منابع طبیعی، مانند: خاک و آب که نسلهای آینده به آنها وابسته هستند، شود. به این دلیل، توسعه پایدار و

غیرمضر به محیط زیست، جزء سیاستها و برنامه‌های اولویت‌دار می‌باشد.»<sup>۷</sup>

اصولاً، تمام متخصصین توسعه بر این عقیده‌اند که: ریشه‌کنی فقر و ایجاد برابری، از شرایط ضروری برای ایجاد توسعه است. شاید بتوان گفت: بروکفیلد، ساده‌ترین تعریف را که قابل فهم باشد، از توسعه ارائه داده است. وی معتقد است: «توسعه، فرایندی در جهت اهداف رفاهی، کاهش فقر و بیکاری و نابرابری است.»<sup>۸</sup> به عبارت دیگر، «توسعه روستایی، مجموعه‌ای از معانی یا یک سلسله ارزش‌هایی است که هدف نهایی آن، نیل به کیفیات مطلوب و متعالی، برای اعضای جوامع روستایی است.» مسلماً دستیابی به این اهداف (کاهش فقر و بیکاری) با تغییر و تحولاتی از ساختار اجتماعی افراد همراه است. در توسعه روستایی، هدف بهبود بخشیدن به وضعیت «اقتصادی - اجتماع» روستاها و ایجاد اشتغال و ریشه‌کنی فقر و افزایش درآمد در روستاهاست.

هدف از توسعه روستایی، این است که: جامعه روستایی، دگرگون شود و در مسیر رشد و ترقی قرار گیرد و هم از نظر مادی و هم از نظر معنوی، رشد و ترقی پیدا کند و بتواند، از منابعی که در محیط زیست خود دارد، بهره‌برداری نماید و استعدادهای بالقوه وی شکوفا شود و خود حاکم بر زندگی خویش باشد.

#### ۴- علل توسعه نیافتگی روستاها

در مورد علل توسعه نیافتگی روستاها، عوامل مختلفی ذکر می‌شود: کمبود امکانات آموزشی، بی‌سوادی و غیره، ولی آنچه در این قسمت محور بحث این مقاله می‌باشد که یکی از مهمترین دلایل توسعه نیافتگی روستاهاست، عدم استفاده بهینه از منابع تولید در محیط‌های روستایی است که مهمترین آنها آب و خاک است.

بدیهی است که آب و خاک، دو عنصر مهم و اصلی در امور کشاورزی - دامپروری و غیره می‌باشد. روستاهای ویران شده یا در حال ویرانی بسیاری، در گوشه و کنار کشورمان مشاهده می‌شود که به علت کمبود آب و خشک شدن مزارع، باغات و پیشروی کویر، ساکنان آنان مجبور شده‌اند، ترک دیار کرده، به سوی شهرها مهاجرت کنند.

بخش قابل ملاحظه‌ای از کشورهای در حال توسعه، از جمله کشور خودمان را روستاییان

تشکیل می‌دهند. مهاجرت آنها به شهرها، باعث به وجود آمدن مشکلات عظیم برای زندگی شهرنشین خواهد شد و جامعه از حالت مولد بودن خارج شده و به مصرف‌گرایی سوق داده خواهد شد. اکنون باید ببینیم مهاجرت ریشه در چه عاملی دارد؟ در یک کلام باید گفت: مهاجرت ریشه در فقر دارد و این فقر، ناشی از عدم استفاده بهینه از منابع آب و خاک و عدم برنامه‌ریزی صحیح در بهره‌برداری از آنها است. آیا این فقر را نمی‌توان از بین برد و به توسعه روستا همت گماشت؟ آیا باید این فقر را قبول کرد و تن به سرنوشت داد؟

در دوران بلوغ اندیشه انسانی و علمی، هیچ جبری برای فقر وجود ندارد، اگر ضرورتی در کار است، ریشه در نشناختن تکنیکها و راه و روشها یا عدم به کار بستن آنهاست.

#### ۵- حوزه‌های ایزخیز بستر توسعه روستایی

مهمترین اجزای تشکیل دهنده منابع طبیعی تجدید شونده؛ آب، خاک، گیاه، است و باید بین آنها یک تعادل منطقی وجود داشته باشد، تا بستر توسعه روستایی فراهم شود. زیرا، آب، خاک و گیاه برای هر روستایی به عنوان منبع درآمد است و این مورد بسیار اهمیت دارد؛ اهمیت آب و خاک برای روستایی، آن قدر واضح و روشن است که آنها را عناصر مقدس می‌شمارد و بدون آنها، خود را بی‌ریشه می‌داند. اگر روستایی آب و خاک مناسب در اختیار داشته باشد، تولیدکننده موفق خواهد شد و خواهد توانست، بر دیو فقر غلبه پیدا کند. به همین دلیل است که متخصصین توسعه تأکید دارند که حفاظت و احیای منابع طبیعی، باید جزئی از برنامه‌های توسعه باشد که هدف اصلی آن، از بین بردن فقر است. متأسفانه، در اثر سهل‌انگاری این عناصر با ارزش، وضعیت نابسامانی پیدا کرده‌اند.

باید بدانیم که، روستایی اهمیت آب و خاک را می‌فهمد و هرگز حاضر نیست، این عنصر با ارزش را از دست بدهد. ولی متأسفانه، به دلیل عدم برنامه‌ریزی، ناچار دست به کارهایی می‌زند که سبب نابودی خاک می‌شود. به عنوان مثال: به او می‌گوییم، در جهت شیب شخم نزنند، ولی ابزاری که در اختیار او می‌گذاریم، قادر نیست، در جهت عمود بر شیب حرکت کند؛ آیا ملتی که می‌خواهد

خودکفا باشد و روستاهایش توسعه یابند، بدون توجه به آب و خاک، می‌تواند به اهداف خود برسد؟ اگر فکر اساسی در جهت کاهش هدر رفتن آب و خاک این سرزمین نکنیم، هیچ چشم‌انداز روشنی برای توسعه، در تمام سطوح وجود ندارد. این است که توسعه روستایی در گرو طرح‌های ایزخیزداری است.

#### فقراي مناطق روستایی

«جمعیت کشورهای جهان سوم، بیش از ۸۰ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و جمعیت روستایی کشورهای جهان سوم را، حدود ۷۰ درصد از کل جمعیت هر یک از این کشورها تخمین زده‌اند و اکثریت قابل ملاحظه‌ای از این جمعیت، به کشاورزی و مشاغل وابسته به آن اشتغال دارند. و در مجموع، ۲/۳ از قشرهای فقیر این کشورها را در بر می‌گیرد.»<sup>۹</sup>

«امروز در ایران، قریب ۵۰ هزار روستا وجود دارد و نزدیک به ۳ میلیون خانوار روستایی در قالب واحدهای کوچک زراعی در بخش کشاورزی فعالیت می‌نمایند»<sup>۱۰</sup>

فقیران و گروه‌های آسیب‌پذیر مناطق روستایی، در حقیقت، مردم واقعی کشورها هستند که از فقر و نابرابری در رنج هستند اصولاً، بهبود زندگی آنان، باید هدف اصلی برنامه‌های توسعه باشد. در بسیاری از کشورها، اکثریت فقرا را کشاورزان تشکیل می‌دهند. بنابراین، بالا بردن بازدهی در این بخش، از مجاری مهم کاهش فقر به شمار می‌رود و افزایش بهره‌وری این قبیل کشاورزان، باید از هدف‌های اصلی فقرزدایی برنامه‌های توسعه روستایی باشد.

اکثریت مردم فقیر کشورهای در حال توسعه، برای اشتغال و کسب درآمد به کشاورزی وابسته‌اند. تا زمانی که این وابستگی ادامه دارد، رشد و تولید غذا و بهره‌وری کشاورزی، از عمده‌ترین ابزار فقرزدایی و بهبود سطح تغذیه مردم خواهد بود.

«روزن (Rosen) اظهار می‌دارد: در جایی که فقر گسترش دارد، فرصت و امکان برای ترقی و پیشرفت بسیار محدود است و در جایی که افراد معدودی از استقلال و قدرت بهره‌مند می‌شوند و اکثر افراد ناتوان و وابسته هستند، رواج این عقیده که فرد نسبت به کنترل محیط توانایی ناچیزی



### ۱- کمبود آب:

مسئله هدر رفتن آب، یکی از مهمترین مشکلات کشاورزی ایران است. «بر اساس آمار ۱۵ ساله (تا سال ۱۳۷۰) سازمان هواشناسی و وزارت نیرو، متوسط حجم سالانه بارندگی در سطح کل کشور، برابر ۴۱۳ میلیارد مترمکعب است، که از این مقدار، حدود ۲۹۶ میلیارد متر مکعب آن به صورت، تبخیر و تعرق واقعی، از دسترس خارج می‌شود و فقط در حدود ۱۱۷ میلیارد متر مکعب آن، پتانسیل آبی کشور را تشکیل می‌دهد که با توجه به جریانهای سطحی ورودی و مشترک مرزی، معادل ۸ میلیارد متر مکعب و نفوذ از مصارف آب به مخازن آب زیرزمینی برابر ۱۵ میلیارد متر مکعب در سال، مجموع توانایی آبی به ۱۳۰ تا ۱۴۰ میلیارد متر مکعب در سال بالغ می‌شود. ولی به علل مختلف، در بهترین شرایط، امکان استفاده ۱۰۰ میلیارد متر مکعب آب وجود دارد که در حال حاضر، جمعاً از ۷۴ میلیارد متر مکعب این توان استفاده می‌شود، که ۴/۵ میلیارد متر مکعب به مصرف شرب و صنعت و بقیه، یعنی ۶۹/۵ میلیارد متر مکعب به مصرف کشاورزی می‌رسد.»<sup>۱۴</sup>

کاهش سطح زیر کشت شده، نزول درآمد را به دنبال دارد. و در ضمن، خسارتهای ناشی از سیلابها هم، باعث نابودی دسترنج کشاورزان می‌شود که خود به مسئله فوق، دامن می‌زند. در زمینه تخریب محیط، فقرا بیشترین لطمه را می‌بینند. آنها به علت دستیابی محدود به منابع و اعتبارات، به هنگام شوکهای وارده به درآمدشان، به مراتب بیش از کسانی که وضع بهتری دارند، به بهره‌برداری از منابع طبیعی می‌پردازند و در نهایت، خود، از این وضع آسیب بیشتری می‌بینند.<sup>۱۵</sup>

### ■ دلایل فقر در محیطهای روستایی

منابع تولید در روستاها، شامل: آب، خاک و گیاه است. بنابراین، هر گونه ضعف در بهره‌وری و حفاظت از این منابع، به فقر در محیط روستا منجر می‌شود. از آنجا که عمده ساکنین مناطق روستایی به کشاورزی و دامداری مشغولند و مستقیماً با این منابع در ارتباط هستند، هر گونه نقصان در این منابع، از دلایل فقر آنها به شمار می‌رود، که در ذیل، در مورد هر کدام بحث می‌شود:

دارد، شاید غیر قابل اجتناب باشد.»<sup>۱۱</sup>  
 «مشارکت فعال فقرای روستایی را، تنها از طریق سازمانهای مردمی و در سطح محلی، می‌توان محقق ساخت. در حقیقت، بعضی تا آنجا پیش رفته‌اند که «مشارکت را فرایندی تعریف کرده‌اند که توسط آن، فقرای روستایی می‌توانند، خودشان را سازماندهی کنند و از این طریق، فرصت اظهار نظر در فعالیتهای توسعه محلی را بیابند.»<sup>۱۲</sup>

«ایده‌های مربوط به مشارکت، یک نقطه مشترک دارد و آن به فقرای روستایی، در تصمیم‌گیریهای توسعه و دسترسی به سرمایه‌های مولد و داشتن سهمی در توسعه است.»<sup>۱۳</sup>

### ■ ابعاد فقر در محیطهای روستایی

فقر دارای ابعاد محیطی مهم و حلقه‌های اتصال دو جانبه است: فقر بر محیط تأثیر می‌گذارد و محیط هم فقر را متأثر می‌سازد. در این مورد، باید به دو مسأله اقتصادی توجه شود:

الف - رابطه ظاهری بین درآمدهای کم و اهداف کوتاه مدت و ارتباط فقر با مسأله تهدید حیات و بقا. اهداف کوتاه مدت سبب می‌شود که افراد، با سرعتی بیش از آنچه از نظر اجتماعی مطلوب است، به بهره‌برداری از منابع محیط بپردازند و این امر، می‌تواند، ضد انگیزه‌های برای سرمایه گذاری طولانی مدت در منابع اراضی باشد که پیامدهای آن، چند سال بعد آشکار می‌شود. اما اهداف کوتاه مدت، مشخصه ذاتی و منحصر به فقرا نیست، بلکه از عواقب نارساییهای بازار، سیاستها و نهادهایی است که بعضی از آنها با فقر ارتباط دارند، برای مثال، به دلیل دستیابی محدود به بازار اعتبار، فقرا برای مقابله با تهدیدکنندگان حیات و بقایشان، که بر اثر کمبود درآمد بوجود آمده است، غالباً حق انتخاب محدودی دارند و این سوای استفاده شدید و بی‌رویه از منابع خودشان یا منابعی است که، آزادانه به آن دسترسی دارند.»<sup>۱۴</sup>

ب - چگونگی تأثیر محیط بر فقر: تخریب و فرسایش خاک، سبب افزایش فقر می‌گردد؛ تخریب خاک، حاصلخیزی آن را کاهش می‌دهد و باعث کاهش محصول و در نتیجه، کاهش درآمد می‌شود. کمبود آب، در عین وجود آبهای جاری در منطقه روستایی، در زمانهای غیر نیاز، سبب

تبدیل مراتع به زراعت دیم و عدم رعایت اصول آبخیزداری در بهره‌برداری، موجب بروز فرسایش خاک می‌شود و پس از چند سال، زمین از بهره‌دهی خارج شده، قدرت مرتعی اولیه را نیز، از دست می‌دهد که این امر ضربه زیادی به دامداری روستایی وارد می‌کند. بنابراین، فرسایش خاک حاصلخیز، که برای تشکیل هر سانتی‌متر آن ۲۰۰ سال زمان لازم است، توسط سیلابها، که خود نیز می‌تواند در جهت مفید به کار رود، عامل مهمی در دامن‌زدن به فقر روستایی است.

دست رفته هزار میلیارد ریال در سال خواهد بود. «از ۱۰۰ میلیون هکتار آبخیز ایران، ۷۰ میلیون هکتار آن، دارای فرسایش ویژه ۱۰ تن در هکتار است که موجب می‌شود، سالیانه ۸۰۰ هزار هکتار از بهترین اراضی زراعی و مرتعی از، سوددهی خارج گردد.»<sup>۱۸</sup>

فرسایش خاک، سبب کاهش حاصلخیزی خاک می‌شود و کاهش حاصلخیزی، باعث نزول محصول و، کاهش درآمد کشاورزان می‌گردد، در نتیجه، آنها پس از چند سال، مجبور به ترک زراعت در آن زمین می‌شوند که خود، موجب بروز پدیده کمبود زمین قابل کشت می‌گردد. فرسایش پیش‌رونده در آبکندها و گالیها موجب بی‌استفاده شدن زمینها می‌شود و فرسایش سطحی و شیبی، به تدریج و دور از نظر کشاورز، زمینهای کشاورزی را از حیز انتفاع خارج می‌سازد.

تبدیل مراتع به زراعت دیم و عدم رعایت اصول آبخیزداری در بهره‌برداری، موجب بروز فرسایش خاک می‌شود و پس از چند سال، زمین از بهره‌دهی خارج شده، قدرت مرتعی اولیه را نیز، از دست می‌دهد که این امر ضربه زیادی به دامداری روستایی وارد می‌کند. بنابراین، فرسایش خاک حاصلخیز، که برای تشکیل هر سانتی‌متر آن ۲۰۰ سال زمان لازم است، توسط سیلابها، که خود نیز می‌تواند در جهت مفید به کار رود، عامل مهمی در دامن‌زدن به فقر روستایی است.

### ۳- پوشش گیاهی

در هر روستا، دامداران، از مراتع حریم روستا، جهت تغذیه دامهای خود استفاده می‌نمایند و می‌توان گفت: اقتصاد آنان به دامهایشان وابسته است و آن هم وابسته به پوشش گیاهی مراتعی که دامهایشان از آن تغذیه می‌نمایند. هر عاملی که موجب محو پوشش گیاهی و ضعف مراتع شود، باعث فقر این اقشار ساکن روستا می‌گردد. هر عاملی که در تقویت و غنای مراتع گام بردارد،

با توجه به ارقام فوق: ۲۶ میلیارد متر مکعب آب به هدر می‌رود، حال آن که، در فصل مناسب، کمبود آب جهت کشاورزی در اکثر نقاط کشور محرز می‌باشد به طوری که کمبود آب سبب کاهش محصول کشاورزی و درآمد کشاورزان، در مناطق روستایی می‌گردد.

نگاهی به وضعیت بارندگی در کشورمان (نقشه بارندگی سالانه ایران)، اهمیت این منبع تولید را بیشتر نمایان می‌سازد. متوسط بارندگی ایران ۲۴۰ میلیمتر است که ۱/۳ بارندگی جهان می‌باشد.<sup>۱۷</sup> عدم مهار این اندک بارندگی به خصوص در نواحی مرکزی ایران که دچار فقدان آب هستند، از عوامل افزایش فقر است.

### ۲- فرسایش خاک

یکی دیگر از منابع تولید در حوزه‌های آبخیز (مخصوصاً مناطق روستایی) خاک است که از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می‌باشد. فرسایش خاک، یک پدیده طبیعی است که بر اثر فرایندهای فیزیکی و شیمیایی ایجاد می‌شود. این فرسایش را ژئولوژیکی گویند. اما فرسایشهایی که در اثر عواملی چون: از بین رفتن پوشش گیاهی به دلیل بهره‌برداری از معادن، جاده‌سازی و ... به وجود می‌آید، فرسایش غیرطبیعی یا تشدیدشونده خوانده می‌شود که برخلاف فرسایش ژئولوژیکی، می‌توان آن را به طور کامل یا در حد امکان مهار نمود.

«فرسایش خاک را در ایران در سال ۱۹۷۰، رقمی حدود یک میلیارد تن ذکر نمودند، بر اساس گزارش فائو این رقم در حال حاضر ۲/۵ تا ۳ میلیارد تن برآورد می‌شود، که بر اساس گزارش فائو، در صورت ادامه یافتن این روند، میزان کل فرسایش سالیانه خاک ظرف ۱۵ سال آینده، حدود ۴/۵ میلیارد تن خواهد بود. حال تنها با احتساب سالیانه ۲ میلیارد تن، اگر ارزش هر تن خاک را فقط ۵۰۰ ریال در نظر بگیریم، ارزش خاک از

ابزاری است در جهت حمایت از دامداران و حذف محرومیت و فقر. زیرا چرای مفرط توسط دامداران به دلیل بی‌اطلاعی از اصول آبخیزداری - بوته‌کشی از مراتع، تبدیل مراتع به کشت دیم، شخم مراتع، افزایش تعداد دام همه از دلایلی است که به نابودی مراتع کمک می‌نماید و آن هم به مرور سبب می‌شود که دامدار، به دلیل عدم صرفه اقتصادی، مجبور به فروش دامهای خود گردیده، به خیل فقرای روستایی پیوسته و یا راهی شهرها شود.

### آبخیزداری راهبردی جدید

آبخیزداری عبارت است از: مدیریت کلیه منابع طبیعی موجود در یک حوزه آبخیز، که برای حفاظت، نگهداری یا بهبود تولید آب، در یک آبخیز اعمال می‌شود. از این رو ملاحظه می‌شود که آبخیزداری مفهومی جز مدیریت منابع طبیعی ندارد، با این تفاوت که واحد کار در قالب چنین مدیریتی، واحد طبیعی هیدرولوژیک است، که بدان حوزه آبخیز گفته می‌شود. بنا به تعریف: آبخیز پهنه یا واحد فیزیوگرافیک و هیدرولوژیک است که تمام رواناب ناشی از بارش روی آن وارد یک رودخانه یا دریاچه و ... می‌گردد.

امروزه، در بسیاری از کشورهای جهان، حوزه آبخیز به مفهوم واحد کار طبیعی تلقی می‌شود، که برای توسعه اقتصادی، منابع قابل دسترس، دارای توجیه کافی و گویاست. علاوه بر این، یکی از دلایل اساسی انتخاب حوزه‌های آبخیز به عنوان واحد مناسب برای مدیریت منابع طبیعی، این است که آب و هوا و وضعیت فیزیوگرافی زمین در تغییر تأثیر عوامل مؤثر در ظهور و جاری شدن روانابهای سطحی و تندابها، شدت فرسایش خاک و هرزرفتن آب و تولید رسوب، دخالت مستقیم دارد و به علاوه، توان بالقوه تولید، برای بهره‌برداری بهینه در حد کمال مطلوب از منابع خاک و آب، خود متأثر از عوامل مذکور است.

**افزایش تغذیه آبهای زیرزمینی موجب افزایش آب قنوات می‌شود که خود در کشاورزی منطقه مهم است و سود ناشی از آن، مستقیماً عاید روستاییان می‌شود.** «چنین برآورد شده است که: با هزینه فراهم آوردن امکانات شهری برای یک خانواده ۷ نفره، می‌توان شبکه پخش سیلاب را در پهنه ۲۵ هکتار بنا کرد، مساحتی که در صورت به ثمر رسیدن، درآمدی بسنده را برای آن خانواده، تولید خواهند نمود».

بیشتر محیط خود و توأم است با توزیع عادلانه تر منافع حاصل از این کنترل.

آبخیزداری اقدامی است، به منظور ترغیب روستاییان، برای بازسازی و استقرار نظامهای همیاری، از طریق تجمع نیروهای پراکنده، در جهت سازندگی و تشکل هسته‌های رهبری محلی برای تحقق برنامه‌های عمران اجتماعی. رئیس برنامه‌های آبخیزداری، جهت توسعه مناطق روستایی:

۱- مدیریت منطقی و بهتر منابع طبیعی به ویژه منابع طبیعی تجدید شوند.

۲- تأمین منابع اشتغال‌زایی پر بازده، با درآمدهای بیشتر و ماهیتی رضامندانه‌تر برای کل محرومان جامعه.

۳- جامع‌نگری به منابع موجود، در حوزه، در جهت استفاده بهتر و پایدارتر.

۴- جذب مشارکت کامل تر روستاییان در فعالیتهای آبخیزداری در حوزه‌های آبخیز.

۵- توزیع عادلانه تر منافع حاصل از پیشرفتهای فنی و مشارکت هر چه بیشتر قشرهای فقیرتر که از پیشرفتهای فنی بهره‌گیری کمتری دارند. در صفحه بعد نمای کلی از آبخیز به عنوان یک نظام مدیریت آورده شده است. نگاهی به ستادهای این نظام، نشان‌دهنده نقش مهم آبخیزداری در ارتقاء و توسعه سطح درآمد و روستاها می‌باشد.

### روشهای آبخیزداری در فقرزدایی و اشتغال‌زایی در مناطق روستایی

آبخیزداری، دارای اهداف مقدسی است که با اجرای آن، آبادانی را به حوزه‌های آبخیز و ساکنان آن هدیه می‌کند. به همین دلیل است که، آبخیزداری را «استراتژی جامع‌نگری به روستا» نام نهاده‌اند. این علم، حوزه‌های آبخیز را از تمام زوایا، مورد مطالعه قرار می‌دهد و از تمام توان بالقوه حوزه در جهت توسعه آن بهره می‌گیرد. از

مصرف تولیدات خارجی را می‌گیرد.

هر گونه برنامه‌ریزی کلی، اصولی و پایدار، درازمدت و آینده‌نگر برای کشاورزی ایران (از نظر اقتصادی) و جامعه روستایی ایران، باید در جهت حفظ، احیا و بهره‌برداری صحیح از منابع آب و خاک کشور باشد.

آبخیزداری ضامن توسعه کشاورزی در حوزه‌های آبخیز است و توسعه کشاورزی، در حوزه‌های آبخیز، یعنی: ایجاد اشتغال جدید در محیط روستایی و به تبع آن، افزایش درآمد بیشتر برای ساکنین حوزه‌ها، و این یعنی: حذف فقر در مناطق روستایی.

آبخیزداری ضامن توسعه اقتصادی در حوزه‌های آبخیز می‌باشد و توسعه اقتصادی، بنا به تعریف «بروس هریک» و دیگران<sup>۲۰</sup> عبارت است از: افزایش محصولات، همراه با تغییر در هیأت فنی و تشکیلاتی جامعه که محصولات مزبور در متن آنها، تولید و توزیع شوند.

«هدف نهایی آبخیزداری، اعمال مدیریت جامع‌نگر در تمام آبخیزهای کشور است، به نحوی که میزان هدررفتن آب و فرسایش خاک، به حداقل ممکن تقلیل یابد و با بهره‌برداری مناسب منطقی و بهینه از سرزمین، کلیه فعالیت‌های مربوط به منابع طبیعی و کشاورزی، از زیربنای اقتصادی و اجتماعی مستحکمی برخوردار باشند.»<sup>۲۱</sup>

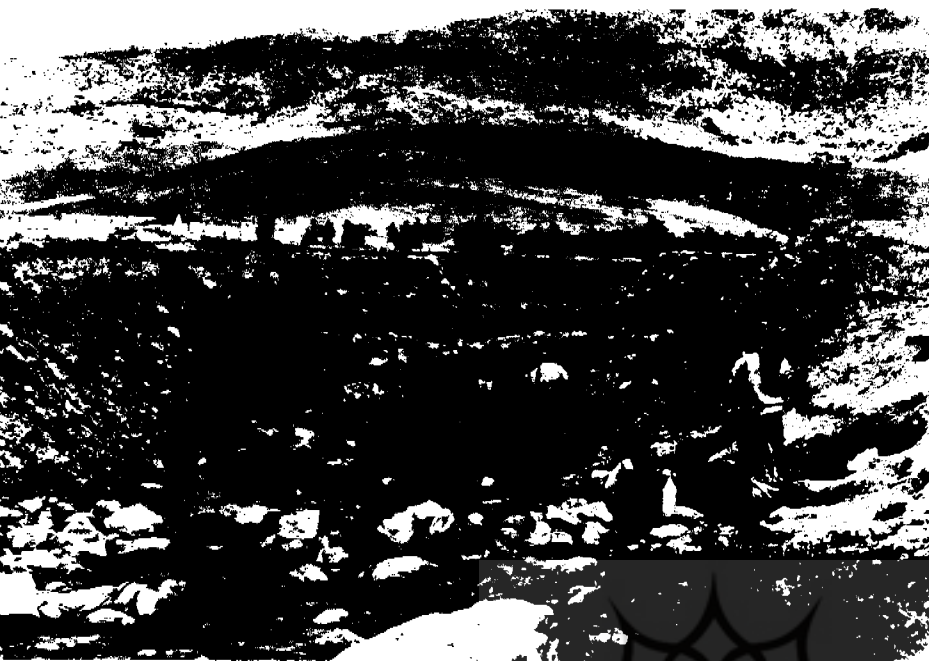
آبخیزداری با این مفهوم، فرایندی است که باید به طور مداوم، توان ذهنی روستاییان را برای کنترل بیشتر محیط خود افزایش دهد، تا آنها بیش از پیش، به صورت شروع کنند، و کنترل‌کننده تغییرات در آیند، نه آن که همواره تابعی باشند، از یک متغیر.

آبخیزداری عبارت است از: راهبردی برای اصلاح وضع اقتصادی و اجتماعی روستاییان حوزه‌های آبخیز، که بیشتر آنها قشرهای فقیر جامعه به شمار می‌روند و رهیافتی است، شامل: افزایش مداوم توانایی مردم روستاها برای کنترل

در راهبرد مطلوب آبخیزداری، با توجه به دو جنبه هیدرولوژیک و تولیدی هر حوزه آبخیز، سیاست یا خط مشی بهره‌برداری از اراضی باید، در جهت دستیابی به بهره‌برداری متمرکز معقول و در عین حال بهینه از منابع خاک و آب، جلوگیری از تخریب، ایجاد شغل‌های دائمی تولیدی و کاهش تفاوت در مقایسه با سایر آبخیزها باشد، به طوری که سیاست بهره‌برداری از دو منبع خاک و آب و سایر منابع طبیعی تجدید شوند، در برگیرنده کلیه موارد مربوط به مدیریت آنها، برای حفاظت، نگهداری، اصلاح و احیا، برای حداکثر بهره‌وری از آنها باشد. در چنین حالتی، «طرح‌های آبخیزداری علاوه بر فراگیری برنامه‌های حفاظت، احیاء و توسعه منابع خاک و آب، در برگیرنده رابطه همزیستی با اعمال مدیریت کلیه منابع طبیعی با تأکید در ایجاد اشتغال‌های دائمی برای مشارکت مردم در اجرای برنامه‌ها و همکاری در مدیریت منابع طبیعی، ایجاد تعادل لازم هر چه بیشتر بین عوامل تخریب و احیا، برای دستیابی به تعادل اکولوژیک با حضور عوامل انسانی و با تولید انبوه غذا، علوفه، چوب، مواد سوختنی و مواد خام. کارخانه‌ها و تولید آب با کمیت و کیفیت مطلوب در حد توان‌های بالقوه موجود در یک حوزه آبخیز خواهد بود.»<sup>۱۹</sup>

در این راهبرد، ایجاد اشتغال دائمی به مفهوم استخدام و پرداختن دستمزد از اعتبارات دولتی نیست، بلکه آماده‌سازی عرصه‌های تولید، برای ایجاد اشتغال و منبع درآمد مطمئن، برای نیل به هدف تأمین نیازمندیهای جامعه به کشاورزی و منابع طبیعی است.

احیای روستاها و اراضی و منابع آنها که نتیجه این راهبرد است، منجر به یک تغییر وسیع و عمیق اجتماعی اقتصادی می‌شود و حرکت و اشتغال نیروهای انسانی مولد و فعال در مراکز تولید (روستاها) جای سکون و بیکاری (پنهان یا آشکار) ناشی از مهاجرت به شهرهای بزرگ و مراکز



جمله این توانهای بالقوه، همانطور که قبلاً توضیح داده شد، استفاده بهینه از منابع تولید حوزه‌ها، یعنی: آب، خاک و گیاه می‌باشد.

امروزه، یکی از مشکلات ساکنین آبخیزها مشکل کمبود آب جهت شرب و کشاورزی است و از آنجا که: کشاورزی محور اقتصاد روستانشینان ما می‌باشد، آب جایگاه عمده و زیادی در اقتصاد روستایی دارد، به خصوص این پدیده، در مناطق مرکزی و کویری ما نمایانتر است و به همین دلیل است که در این مناطق، زمین تابع آب می‌باشد و نقش اساسی دارد. در اهمیت نقش آب، همین بس که، امروزه، معتقدند: «خط فقر نهایی را آب تعیین می‌نماید و آن برابر با ۱۵۰۰ متر مکعب در سال است.»<sup>۲۲ و ۲۳</sup>

آبخیزداری، در جهت برطرف کردن این معضل، از روشهای مختلفی استفاده می‌نماید، تا از هدر رفتن آب باران در حوزه‌ها جلوگیری کند و با ذخیره آن و بهره‌گیری در فصل مناسب، به اقتصاد روستایی کمک نماید. یک از این روشها، احداث سدهای کوتاه است، با احداث سدهای کوتاه در حوزه‌ها، با ذخیره حجم قابل ملاحظه‌ای آب در فصل زمستان و استفاده از آن در فصل تابستان، می‌توان قدم مثبتی در افزایش سطح زیر کشت در حوزه و در نهایت، افزایش سطح درآمد ساکنین حوزه برداشت. برای مثال بندخاکی با حجم ذخیره ۱۵۰۰ متر مکعب در یک حوزه آبخیز می‌تواند، کشاورزی منطقه را تا سطح ۱۵ هکتار افزایش دهد که درآمد حاصل از این اراضی، حدود ۲۵ میلیون ریال می‌شود که عاید روستاییان خواهد گردید.

در ضمن، سدهای تغذیه‌ای می‌تواند، به عنوان پشتوانه محکمی جهت قنوت در فصل تابستان باشد که به طور مستقیم، بر درآمد روستاییان تأثیر خواهد گذاشت. همچنین، ایجاد هر سازه آبخیزداری در حوزه‌ها، ایجاد یک اشتغال موقت می‌نماید که حائز اهمیت می‌باشد.

از دیگر روشهای بهره‌وری از سیلابها، پخش سیلاب است که باعث تغذیه سفره‌های آب زیرزمینی می‌شود و همچنین با کنترل سیلابها، از خطرات ناشی از آن به مزارع کشاورزی کاسته می‌شود، زیرا سیلاب خود نیز به عنوان عامل فقر به حساب می‌آید.

افزایش تغذیه آبهای زیرزمینی موجب

افزایش آب قنوت می‌شود که خود در کشاورزی منطقه مهم است و سود ناشی از آن، مستقیماً عاید روستاییان می‌شود. «چنین برآورد شده است که: با هزینه فراهم آوردن امکانات شهری برای یک خانواده ۷ نفره، می‌توان شبکه پخش سیلاب را در پهنه ۲۵ هکتار بنا کرد، مساحتی که در صورت به ثمر رسیدن، درآمدی بسنده را برای آن خانواده، تولید خواهند نمود.»<sup>۲۴</sup>

در زمینه حفاظت خاک نیز، روشهایی ارایه گردیده است، که با اجرای آن، قدم مؤثری در تثبیت خاک کشاورزی برداشته می‌شود، که خود سبب تقویت کشاورزی و کاهش سیل و افزایش ذخیره آب در حوزه‌های آبخیز می‌گردد. انجام بانکت‌بندی و ترانس‌بندی در شیپها، علاوه بر افزایش سطح زیرکشت و درختکاری، باعث کنترل و نفوذ آبهای روان می‌گردد و از آنها، در جهت مفید بهره گرفته می‌شود.

طرحهای مختلف بیولوژیکی در جهت تقویت پوشش گیاهی آبخیزها، موجب تقویت دامداری در این مناطق می‌شود. دامهای لاغر به دلیل نابودی پوشش گیاهی مراتع، منجر به شکست دامداری در این مناطق می‌گردد که خود، قطع درآمد مهمی در آبخیزها می‌باشد. افزایش پوشش گیاهی، به وسیله روشهای مختلف کنتورفارو، پیتینگ (Contorfuro - Pitting) و بذرکاری، سبب

تقویت و افزایش درآمد روستاییان ساکن آبخیزها می‌شود.

از طرف دیگر، کشت انواع درختان مثمر، مانند: بادام - گردو، انگور و زیتون که یکی از طرحهای آبخیزداری است، نیز، در افزایش درآمد روستاییان گام مؤثری می‌باشد کارشناسان، تخمین زده‌اند؛ با کشت این محصولات، حداقل درآمد پس از کسر هزینه‌ها در هر هکتار از ۵ هزار تومان تا یک صد هزار تومان (از سال ششم) برای بادام و تا ۵۰ هزار تومان در هکتار (از سال پنجم) برای انگور خواهد بود. برای پروژه‌های ۴۰ هکتاری.

یا حداقل ۲۰ هکتاری، درآمد قابل ملاحظه‌ای برای حداقل ۲ خانوار تا ۱۰ خانوار با توجه به نوع محصول و سطح کاشت دربر خواهد داشت.<sup>۲۱</sup>

«طبق محاسبه‌های انجام شده، پیش‌بینی می‌شود، تعداد ۶ هزار پروژه نمونه ۲۰ تا ۶۰ هکتاری، قابل اجرا باشد که در مجموع ۲۳۰ هزار هکتار زمین تحت پوشش این فعالیتها قرار خواهد گرفت. با اجرای این طرح، ضمن احیای حدود ۲۳۰ هزار هکتار اراضی لم‌یزرع و بایر کشور، حدود ۳۶ هزار شغل جدید برای روستاییان به وجود خواهد آمد. همچنین با اجرای فعالیتهای آبخیزداری و کشت درختان مثمر به وسعت ۲۳۰

هزار هکتار زمین، از فرسایش بیش از ۴۶۰ هزار تن خاک جلوگیری خواهد شد. همچنین، سالیانه جلوگیری از هدر رفتن ۴۶ میلیون متر مکعب آب، دستاورد بزرگی برای بخش کشاورزی است»<sup>۲۳</sup>.

به طور کلی، باید بیان کرد که: آبخیزداری با دید جامع‌نگر در روستاها، منابع درآمد و اشتغال را شناسایی می‌کند و با تقویت و بسط آنها، در محور فقر و محرومیت‌زدایی و ایجاد شغل‌های جدید و توسعه اشتغال‌های مولد در روستاها فعالیت می‌نماید.

### ■ نتیجه‌گیری

«در کشور ما ایران، قریب ۷۰ هزار روستا وجود دارد و حدود ۲۵ میلیون نفر روستانشین هستند» که شامل عظیم‌ترین قشر نیروی انسانی شاغل در فعالیتهای تولیدی کشور می‌شود. بی‌توجهی یا کم‌توجهی به مسائل مربوط به اشتغال و زندگی

قشر عظیم روستایی، به طور عمد، دو پیامد زیانبار برای کل جامعه در بر دارد. این پیامدها، عبارتند از: ۱- کاهش روز افزون تولیدات روستایی. ۲- افزایش روزافزون میزان مهاجرت‌های بی‌رویه روستاییان به شهرها و در نتیجه، افزایش مسائل و مشکلات در نواحی شهرنشین. بنابراین، در بحث اشتغال‌زایی، یکی از محورهای مهم رسیدگی به وضع این طبقه است. از سوی دیگر، منبع درآمد روستاییان از منابع تولید در حوزه آبخیزشان، یعنی: آب و خاک و گیاه تأمین می‌شود. بنابراین، بسط و توسعه این سه منبع، اساس افزایش درآمد و رفاه نسبی برای آنان می‌باشد، ضمن این که، افزایش هر یک از این منابع سبب افزایش اشتغال در روستاها می‌شود و از مهاجرت روستاییان به شهر و پیوستن به قشر فقیر خیابانی می‌کاهد.

با بهره‌گیری از علم آبخیزداری و روشهای آن در حوزه‌های آبخیز، به یقین می‌توان گام مؤثری

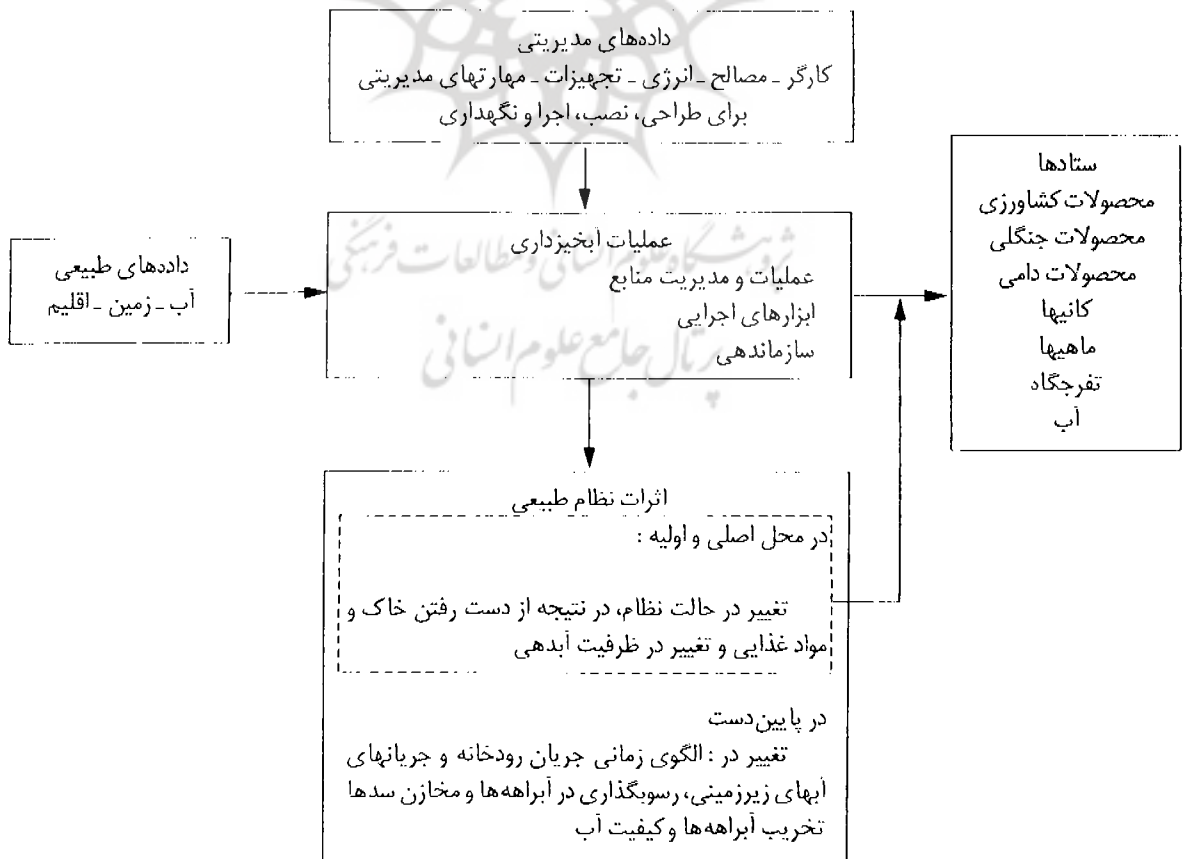
در فقرزدایی و ایجاد اشتغال‌های دایمی و موقت در روستاها برداشت.

با بهره‌گیری از علم آبخیزداری و روشهای آن در حوزه‌های آبخیز، به یقین گام مؤثری در فقرزدایی و ایجاد اشتغال‌های دایمی و موقت در روستاها برداشت.

### ■ پی‌نوشتها:

- ۱- شهیازی، اسماعیل. توسعه و ترویج روستایی - انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۷۲، ص ۸۰-۸۱.
- ۲- ساداتی‌نژاد، سیدجواد. حوزه‌های آبخیز بستر توسعه روستایی - انتشارات نشر نگاه - ۱۳۷۳، ص ۳.
- ۳- شهیازی، اسماعیل. توسعه و ترویج روستایی - انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۷۲، ص ۸۵.
- ۴- همان، ص ۸۶.
- ۵- ارتش، مسدوقی. جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌یافتگی روستایی ایران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۹، ص ۶۸.

### نمای کلی از آبخیز به عنوان یک سیستم و مدیریت آن





# بررسی فقر در منطقه سیستان

## وراههای از بین بردن آن

منصور جهان تیغ

نابسامانی که در آن زندگی می‌کنند. این اقدام می‌تواند، زمینه مساعدی جهت تحقق اهداف انقلاب اسلامی در مورد محرومیت زدایی فراهم آورد.

در این مقاله، وضعیت درآمد در منطقه سیستان و همچنین عوامل مؤثر در میزان درآمد، مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده، درآمد بهره‌برداران روستایی سیستان فاصله زیادی با مخارج زندگی آنان و میزان خط فقر در مناطق روستایی کشور دارد. از دلایل عمده کمبود درآمد در منطقه، پایین بودن بازده محصولات کشاورزی و عدم مکانهای اشتغال‌زا در روستاهای سیستان است.

### ■ مقدمه (۱)

امروز ابروی اسلام در گرو آن است که ایران اسلامی به کشوری آباد تبدیل شود، کار و ابتکار در آن همگانی گردد، زندگی مردم سرو سامان یابد، فقر و محرومیت ریشه کن شود، تولید داخلی با نیازهای مردم متعادل گردد، کشور در صنعت و کشاورزی به خودکفایی برسد و دشمن از طریق احتیاجات زندگی مردم، راهی برای اعمال فشار نداشته باشد. خلاصه، در کنار معنویت، زندگی مادی مردم را نیز سامان بخشید.

وظیفه اصلی و آشنایی ما ایجاد می‌نماید که برای حفظ و حراست از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن بیش از همه با مردم هماهنگ و

### ■ پیش گفتار (۱)

انقلاب یعنی تحول، تغییر و دگرگونی، نظم موجود را برهم زدن و طرحی نو در انداختن و انقلاب اسلامی ما نیز، از این قاعده مستثنی نیست. محرومیت زدایی و ریشه کن کردن فقر و بیچارگی از اهداف عمده انقلاب و نظام جمهوری اسلامی شده، و جهت گیری انقلاب اسلامی به نفع مستضعفین و پابرنه‌ها و برای خدمت به آنان تعیین گردیده است. تمام تلاشها در این راستا قرار گرفت، تا مستمندان و محرومان را از مشکلاتی که دارند و از محرومیت زدایی که در طول تاریخ کشیده‌اند، برهاند.

اینک که در آستانه سازندگی و اجرای طرحهای توسعه اقتصادی - اجتماعی هستیم، خوب است، وضع عمومی مردم، خاصه مستضعفان که انقلاب اسلامی به دست آنان، برای آنان و جهت تحقق حاکمیت آنان پا گرفته است، مورد بازنگری جماعی قرار گیرد. به محرومیتها، کاستیها، کارهای انجام نشده، انسانهای فراموش شده و مناطق از یاد رفته، نگاهی بیفکنیم، به داد محرومان برسیم و آنان را از مصیبتی که به واسطه فقر فرهنگی، عدم برنامه‌ریزی اصولی و توزیع امکانات، ... در آن گرفتار آمده‌اند، برهانیم. چرا که، بدون تردید، فقر، بیچارگی، گرسنگی و بی‌سوادی نخستین گام، باز یافتن، معرفی کردن و شناختن مناطق محروم است، آگاهی از عمق درد و رنجی که می‌کشند و وفوف بر شرایط سخت و

همگام باشیم. با توجه به اینکه تهیدستان به خصوص روستاییان و عشایر، روز به روز فقیرتر می‌شوند و همواره بر تعداد آنها افزوده می‌شود و بیشتر این افراد، در مناطق روستایی و حاشیه‌نشینی به سر می‌برند و اغلب آنها کشاورزان خرده‌پا، کارگران بی‌زمین، زارعین سهم‌بر و دیگر قشرهای محروم جامعه هستند. روستاییان و عشایر و سایر محرومین، نمونه و الگوی ساده زیستی، صداقت، صفا، زهد، تقوی، شهامت، شجاعت، اخلاق، کرامت و همه ارزشهای والای انسانی یک جامعه سالمند. اگر، اقدام مؤثری در این زمینه صورت نگیرد، نه تنها فاصله میان قشر ثروتمند و فقیر بیشتر و زمینه برای ایجاد مشکلات اساسی فراهم می‌شود، بلکه این تفاوت جامعه را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

### ■ فقر (۲)

فقر، افرادی هستند که قادر به مشارکت در فعالیت‌های جامعه نیستند و فاقد شرایط زندگی و تسهیلات یک زندگی معمولی می‌باشند. فقر، طفلی که به علت بدی تغذیه از نظر جسمانی به حال نزاری در آمده و از لحاظ مغزی نیز، دچار کاستیها شده است یا مردی که قادر به خرید مقدری خون به منظور نجات زنش نیست، با فقر کسی که قادر نیست، یک شب تولد بچه‌هایش را تأمین کند یا همسرش را به سینما ببرد، تفاوت دارد. به اعتقاد ژوزونه دوکاسترو،  $\frac{1}{3}$  جمعیت جهان،



در حال گرسنگی دایمی به سر می‌برند. علاوه بر این، گرسنگی پنهانی نیز، وجود دارد. در این گرسنگی، افراد در عین حال که نان بخور و نمیری دارند، از بسیاری عناصر ضروری محرومند. این نوع گرسنگی، موجب ناتوانی و انحطاط روحی می‌شود و گاهی آثارش از طریق توارث منتقل می‌شود.

با وجودی که فقر و بیکاری هر دو به طریقی با درآمد ارتباط دارد، اما چنانکه تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد، افزایش سریع درآمد سرانه نیز فی‌نفسه نمی‌تواند در تقلیل فقر و بیکاری مؤثر واقع شود. حتی روندهای معینی از رشد، به سهولت می‌توانند در بعضی موارد سبب افزایش بیکاری شوند. ارتباط مستقیم میان درآمد سرانه و تعداد افرادی که در فقر به سر می‌برند، در توزیع درآمد نهفته است. واضح است که اگر رشد اقتصادی با عدم تمرکز درآمد همراه باشد، فقر را سریع‌تر می‌توان از میان برداشت.

یک ویژگی مهم فقر روستایی، فشارهای فصلی آن است. در فصول زمستان و بارندگی، پس از آنکه غلات کاشته شد، فقرا برای یافتن کار، مشکل فزاینده‌ای دارند و عرصه غذایی خود را کاهش می‌دهند. کم غذایی، فقرا را در برابر بیماری آسیب پذیر می‌نماید. این خود موجب می‌شود که پیدا کردن کارهای محدودی که وجود دارد، دشوارتر شود. گاهی ممکن است، ادامه حیات به وام گرفتن موکول شود که نتیجه‌ای جز سنگین شدن بار بدهکاری ندارد.

## ■ فقر در جهان

در کشورهایی که اکثریت افراد هنوز در روستا زندگی می‌کنند، اقشار جامعه از یکدیگر فاصله زیادی دارند. درجه بیکاری پنهان به نهایت خود رسیده و میزان مهاجرت بیش از حد است و صنعتی شدن در سطح پایینی قرار دارد، هر نوع برنامه توسعه، نظیر اصلاح و بهبود وضع کشاورزی، اصلاح بذر، سرمایه‌گذاری در بخش صنعت ارتباطات، توسعه بهداشت و غیره، نابرابریها را در میان گروههای اجتماعی افزایش خواهد داد.

(۴) بنا به گفته گالسکی، تکنولوژی پیشرفته توسط گروههایی که از لحاظ اقتصادی در وضع بهتری به سر می‌برند، زود جذب می‌شود (به عنوان مثال زارعان ثروتمند) و در نتیجه، فاصله اجتماعی میان گروهها افزایش می‌یابد، حتی اگر

در نتیجه یک برنامه توسعه روستایی گروههای خرده‌پا، درآمد بیشتری از گذشته داشته باشند، باز درآمد گروههای ثروتمند، معمولاً افزایش سریع‌تری خواهد یافت و وضعیت نسبی گروههای کم درآمد، حتی از زمان گذشته، بدتر خواهد شد.

کشورهای جهان سوم گرسنه‌اند، زیرا گم‌کرده‌ای دارند که آن را هنوز باز نیافته‌اند. امروز نصف جمعیت جهان در مناطق روستایی جهان سوم ساکن هستند، اما برای نخستین بار، این روستاییان نه تنها توانایی تغذیه همسایگان شهری خود را ندارند، بلکه غذای خودشان را نیز، با زحمت فراهم می‌کنند. آنان همچنان به مهاجرت به شهرها ادامه می‌دهند. جمعیت ۲۵ شهر بزرگ جهان سوم، جمعاً به ۲۵۰ میلیون نفر بالغ می‌شود. برای نخستین بار در سال ۱۹۸۱، در ۳۵ سال پیش از آن، متوسط رشد کشورهای در حال توسعه، ۴/۲ درصد و پایین‌تر از میزان افزایش جمعیت‌شان بوده است.

۴۰ درصد صادرات این کشورها، جذب بازپرداخت اصل و فرع وامها می‌گردد و در تعادل هزینه‌شان، محصولات غذایی سهم فزاینده‌ای دارد.

با توجه به این مسئله، روز به روز بر سیل مهاجرت روستاییان به سوی شهرها افزوده می‌شود، که فرایند آن، ایجاد مشکلات سرسام‌آوری برای مناطق شهری است. زیرا این مهاجرین، حاشیه‌نشینی را اختیار نموده‌اند و دارای شغل‌های کاذب می‌باشند. به طوری که در سال ۱۹۶۰، جمعیت روستایی، روستا شهری و شهر دنیا به ترتیب ۶۶/۳، ۱۹/۰۷ و ۱۴/۶۳ درصد بوده، که این ارقام، در سال ۱۹۹۰، به ۵۴/۸، ۱۴/۷۸ و ۳۰/۴۲ درصد تغییر یافته است. سکونت‌گاههای روستایی در تمام مناطق جهان، بسیار عقب مانده هستند. به عنوان مثال، در آسیای جنوبی، فقط ۱۷/۲ درصد جمعیت روستایی به آب آشامیدنی دسترسی دارند و این نسبت برای سکونت‌گاههای شهری ۶۶/۳ درصد است. در آمریکای لاتین و منطقه کارائیب، این دو نسبت، عبارتند از: ۳۴/۹ درصد برای مناطق روستایی و ۷۸ درصد برای مناطق شهری.

در حال حاضر، میزان دارایی ۳۸۵۷ خانواده از ثروتمندترین خانوادههای جهان، با کل ثروت و مایملک نیمی از جمعیت جهان، یعنی ۲/۵ میلیارد

نفر که فقیر هستند، برابری می‌کند. در آمریکا، یک درصد جمعیت، بیش از ۴۰ درصد درآمد ملی خود را به خود اختصاص داده‌اند. فاصله فقر و غنا در این کشور، بیش از هر نقطه جهان مشهود است.

## ■ علل کم توسعه یافتگی روستاها و پی‌آمدهای آن

فقر و عقب ماندگی روستاها با چند عامل در ارتباط است، که عبارتند از:

### ۱- تاریخ

۲- مسائل مربوط به بهره‌وری و اشتغال

۳- وابستگی شدید به زمین کشاورزی و دسترسی محدود به نهاده‌ها و مواد اولیه تولید

۴- اعمال سیاستهایی علیه فقرا و مستمندان و ساختارهای ضعیف اجتماعی که فقرا را عملاً فاقد صلاحیت قانونی نموده و حقوقشان را سلب می‌نماید.

## الف- جریانهای تاریخی

بخش بزرگی از آنچه که تحت عنوان فقر، کم توسعه یافتگی، عقب‌ماندگی و از این قبیل را شاهد هستیم، تا حدی نتیجه جریانهای تاریخی است. مجموعه اقتصاد جهان در دو سه قرن اخیر، به شکلی سازمان یافت، که به ایجاد فقر انجامید و آن توسعه‌ای است که در غرب آغاز شد و به تدریج تمام جهان را در بر گرفت. چیرانی که ثروت و دانش فنی را در حدود کشورهایی در دو طرف اقیانوس اطلس متمرکز نمود. حداقل در مورد آسیا می‌توان گفت که قبل از ورود حکومتهای استعماری، تفاوت میان اقتصاد بخشهای روستایی و شهری چندان فاحش نبود.

سؤالی که مطرح می‌شود آن است که چرا در کشورهای عقب‌مانده، هیچ‌گونه پیشرفتی در مسیر توسعه سرمایه‌داری که مشابه تاریخ سرمایه‌داری در دیگر کشورها باشد، صورت نگرفته است. در اروپای غربی، انباشت سرمایه تجاری، قابل ملاحظه بود و نکته مهمتر این که، شدیداً متمرکز بود. این امر، تا حدودی ناشی از موفقیت کشورهای اروپای غربی بود که امکان توسعه دریانوردی را فراهم می‌آورد. علاوه بر آن، اروپا به لحاظ منابع طبیعی فقیرتر و به لحاظ توسعه اقتصادی، از برخی جهات عقب‌مانده‌تر از سایر مناطق پیشرفته جهان بود. این مناطق، محل فعالیتهای تجاری اروپای غربی شدند.

بنابراین، تلاش زیادی برای وارد کردن محصولات با ارزش کشورهای اروپای شرقی (پوشاک با کیفیت بالا، زیورآلات، ظروف سفال و غیره) و نیز وارد نمودن سنگها و فلزات گرانبها که در بخشهای داخلی به مقدار اندکی عرضه می‌شدند، به کار بسته شد. حاصل تجارت با مناطق دوردست که با غارت و چپاول آشکار و حمل انبوه بردگان و کشف طلا همراه بود، به شکل‌گیری سریع ثروت هنگفتی در دستهای تجار و بازرگانان اروپای غربی انجامید. اگر چه، مشاهده می‌شود که سایر کشورهای جهان، از اروپا بسیار عقب افتاده‌ترند، به هیچ وجه پدیده تصادفی یا ناشی از ویژگیهای نژادی کشورهای مختلف نیست. بلکه، ماهیت روند توسعه در اروپای غربی بود که چنین روندی را ایجاد می‌کرد. زیرا، آثار نفوذ سرمایه‌داری اروپای غربی در جهان خارج بسیار پیچیده است. این آثار دقیقاً به ماهیت نفوذ اروپای غربی و همچنین، مرحله توسعه جوامعی که در معرض تماس با خارجیان قرار داشتند، بستگی داشت. بنابراین، نمی‌توان به سادگی اثر ورود اروپاییها را در آمریکای شمالی (استرالیا و نیوزیلند) از یک طرف و گشوده شدن درهای کشورهای آسیایی، آفریقایی یا اروپای شرقی به روی سرمایه‌داران اروپایی را از یکدیگر متمایز ساخت.

خودکفایی، مینا و اساس و نظم ماقبل سرمایه‌داری در تمام کشورهای بود که زیر نفوذ غرب قرار می‌گرفتند و بدین ترتیب دامنه گردش کالا در این جوامع گسترش یافت. در بسیاری از کشورها، با مصادره گسترده زمینهایی که در اختیار دهقانان بود و استفاده از آنها جهت مقاصد زراعی و کشاورزی و سایر موارد استفاده توسط بنگاههای خارجی، و نیز رقابت نابرابر صنایع دستی روستایی با صادرات صنعتی، ائتلاف وسیعی از نیروی کار فقر زده به وجود آمد. نمونه برجسته چنین رابطه‌ای، هندوستان است. تا قرن هیجدهم، شرایط اقتصادی هندوستان پیشرفته بود و روشهای تولید و سازمان تجاری - صنعتی در این کشور با موارد مشابه در سایر نقاط جهان قابل مقایسه بود ..... کشوری که بهترین نوع چیت و سایر محصولات لوکس را تولید و صادر کرده است، آن هم زمانی که اسلاف انگلیسی‌ها در شرایط بسیار ابتدایی زندگی می‌کردند در حال حاضر هندوستان، نتوانسته است، در انقلاب اقتصادی که

فرزندان همان بربرها به راه انداخته‌اند، شرکت جدید، البته این «نا توانی و شکست»، ناشی از عوامل تصادفی بی‌بی‌لیاقتی نژاد هندی نبوده است؛ بلکه، زائیده غارت و یغمای حساب شده و بی‌رحمانه هندیها به دست انگلیسیها، از همان روزهای آغاز استیلای این کشور بر هندوستان بود.

### ■ ب - بهره‌وری و اشتغال

در حال حاضر دو گرایش بسیار مزاحم وجود دارد، که توسعه روستایی را در بیشتر نقاط دنیای در حال توسعه، مختل می‌سازد. نخست اینک که در کشورهای متعددی از آسیا و آفریقا، به دلایل گوناگون، بهره‌وری زمین ناچیز و ثابت و یا رو به زوال است. در تانزانیا، نیجریه و بخش وسیعی از بلندیهای نپال، بهره‌وری زمین رو به نابودی است. در مالزی، بهره‌وری زمین در سطح بسیار پایینی قرار دارد به جز چند ناحیه مشخص و بعضی از کشورهای آمریکای لاتین، تقریباً در همه جا، بهره‌وری زمین در سطح بسیار پایینی قرار دارد این بهره‌وری محدود و سطح پایین، معلول عوامل گوناگونی اعم از فنی و اجتماعی شناخته شده است.

دومین روند مزاحم این است که، در بیشتر کشورهای روستایی، جمعیت با سرعت زیادی رو به افزایش می‌باشد. یکی از عوامل این است که بخش بزرگی از جمعیت، بسیار جوانتر از سن مناسب برای کار مفید می‌باشد. وجه دوم؛ این است جمعیت زیادی باید از آن زمین کم محصول، اترزاق کنند.

### ■ ج - دسترسی محدود به زمین

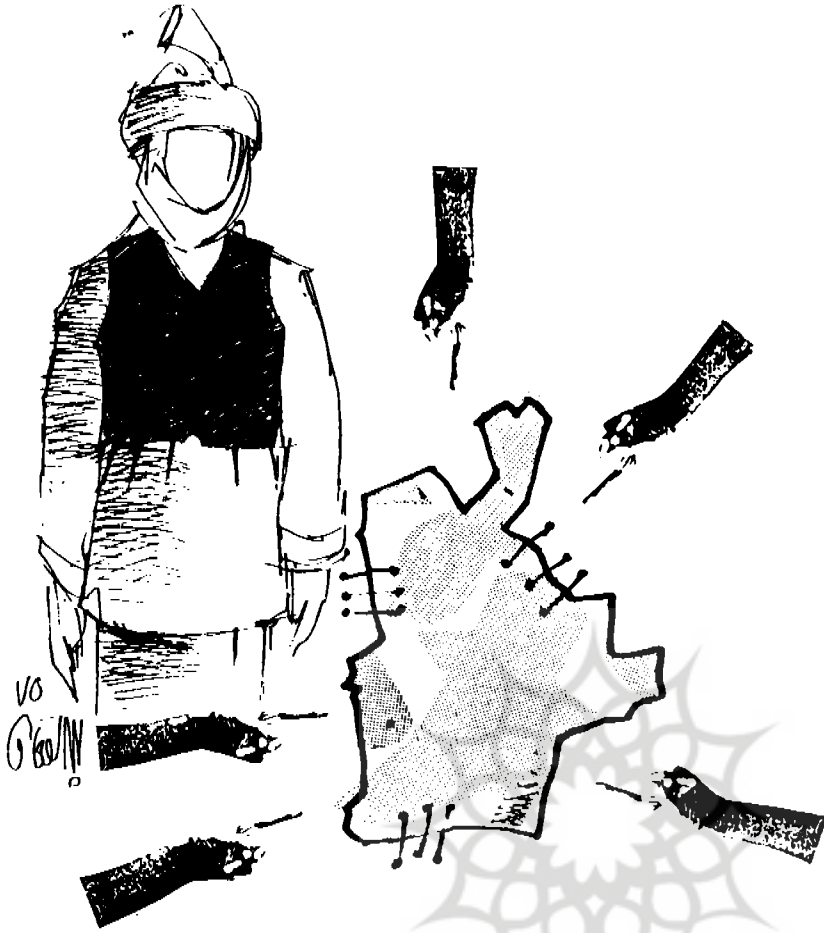
در بیشتر کشورهای جهان سوم، وابستگی بیش از اندازه‌ای به کشاورزی وجود دارد، به رغم تلاشهای گوناگون دولتها، بین ۷۵ تا ۹۰ درصد نیروی کار کشورهای کم درآمد و بین ۵۰ تا ۷۰ درصد نیروی کار کشورهای با درآمد متوسط، در بخش کشاورزی متمرکز هستند. در نتیجه، همه انهایی که در بخش کشاورزی می‌باشند، نمی‌توانند به زمین دسترسی داشته باشند. این نکته به ویژه در کشورهای آسیای جنوبی مصداق دارد در بریتانیا و سایر نقاط جهان، که در ابتدا جمعیت قابل ملاحظه‌ای از انگلیسیها به آنجا مهاجرت کردند (همچون ایالات متحده، کانادا و

غیره)، محرک اولیه برای خیز عمدتاً (ولی نه بطور کامل)، تکنولوژی بود. در حالت کلی‌تر، خیز اقتصادی، هم مستلزم افزایش «سرمایه بالا سری اجتماعی»، (social over head capital) و گسترش تکنولوژی در صنعت و کشاورزی بوده هم زمینه‌ساز ظهور قدرت سیاسی برای گروهی از افراد که نوسازی اقتصادی را امری جدی و برخوردار از اولویت سیاسی می‌دانستند.

فنون جدید تولید، در صنعت و کشاورزی، گسترش می‌یابند، کشاورزی خصلت تجاری به خود می‌گیرد، و تعداد فزاینده‌ای از زارعان روشهای جدید و تحولات ناشی از ظهور تکنیک و فنون را پذیرا می‌شود. تحولات بنیادین در بهره‌وری تولید کشاورزی شرط ضروری جهش موفقیت آمیز اقتصادی می‌باشد، زیرا نوسازی یک جامعه تقاضای محصولات کشاورزی را شدیداً افزایش می‌دهد.

### ■ برنامه توسعه در ایران

نقطه شروع توسعه روستایی در ایران، اصلاحات ارضی بود که بین سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۱ به مرحله اجرا درآمد. ظاهراً اصلاحات ارضی شرط لازم برای سایر تغییرات دیگر، نظیر شرکت‌های سهامی زراعی، کشت و صنعت و تعاونیهای تولید و غیره که توسط رژیم سابق حمایت می‌گردید، به شمار می‌رفت. بسیاری از محققان اروپایی ادعاهایی کرده‌اند، نظیر آنکه اصلاحات ارضی در ایران یکی از اصلاحات مهم ارضی در خاور میانه بوده است. شواهد بسیاری از کشورهای جهان سوم نشان می‌دهد، هنگامی که یک طرح کشاورزی در جامعه‌ای که قشرهای اجتماعی آن از لحاظ اقتصادی فاصله زیادی با هم دارند، اجرا شده است، منابع حاصل از این قبیل طرحها، توسط گروههای مرفه جامعه جذب شده است. در مورد ایران، بورکراسی تنها کانال ارتباط میان رهبران سیاسی و دهقانان بوده است. فعالیت‌های مربوط به بخش کشاورزی برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه، همچنان ستون فقرات شناخته می‌شود و نوعاً بزرگترین منبع اشتغال را تشکیل می‌دهد. اغلب دو سوم یا بیشتر جمعیت در این کشورها، برای گذران زندگی به کشاورزی وابسته‌اند. با این همه، در بیشتر کشورهای در حال توسعه، بین ۲۰ تا ۶۰ درصد



تولید از بخش کشاورزی تأسیس می‌شود. در ایران، در سال (۱۱) ۱۳۷۰ حدود ۲۷ درصد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱، مربوط به بخش کشاورزی بوده است. همچنین ۲۸ تا ۳۰ درصد شاغلان کشور، در بخش کشاورزی مشغول کار بوده‌اند. در ایران، سال ۱۳۶۷، بیش از ۶۶ درصد بهره‌بردارها زیر ۵ هکتار وسعت داشته‌اند. بنابراین، به علت نبودن فرصت‌های شغلی، برای کسب درآمد، مهاجرت از مناطق غیر شهری به مناطق شهری، رشد شهرنشینی، فوق‌العاده‌ای زیاد بوده است.

در سال ۱۳۵۵، حدود ۴۷ درصد، در سال ۱۳۶۵ حدود ۵۴ درصد و در سال ۱۳۷۰ بیش از ۵۷ درصد جمعیت در نقاط شهری ساکن شده‌اند. تولیدکنندگان بخش کشاورزی ایران، همواره از نظر اقتصادی و تجاری تحت قیمومیت بوده و هیچ‌گاه مجال خارج شدن از این قیمومیت را نداشته‌اند.

در دوران‌های ارباب - رعیتی و سلطه زمین‌داران بزرگ، تولیدکنندگان مواد کشاورزی دو دسته بودند در دوره بعد از اصلاحات ارضی تولیدکنندگان در بخش کشاورزی، اعم از بزرگ و کوچک، تحت تأثیر سیاست‌های دولتهای وقت قرار داشتند. علاوه بر آن، اصلاحات ارضی به نفع گروه‌های دهقانی مرفه و بزرگ مالکان - که اراضی مرغوب خود را از تقسیم معاف کردند و به ضرر قشرهای فقیر روستایی، به پایان رسید. (۱۱)

### ■ نگاهی گذرا به سیستان

دشت سیستان با ۸۱۱۷ کیلومتر مربع (۴/۴۷ درصد از مساحت کل استان)، با یک شهرستان، یک شهر و پنج بخش در جنوب شرقی ایران واقع شده است. (۱۲)

«سیستان» یا هم‌تشیینی «بلوچستان» که هر کدام نمایه دو فرهنگ و منطقه جغرافیایی مجزاست، استان سیستان و بلوچستان را به وجود آورده است. سابقه تاریخی این منطقه، صبغه اساطیری پررنگی را داراست و یکی از هفت اقلیم عصر کهن به شمار می‌آید. از لحاظ جغرافیایی، تاریخی، پهنة خاک سیستان (یا به روایت کهن دیگر ... نیمروز) ورای به جا مانده از مرزبندیهای سیاسی، آلوده به ترفندهای استعمارگرانه انگلیس بوده است. در ارتباط با فضایل این سرزمین

جدال دایمی و بی‌سابقه رود و انسان بوده است. گرچه، گاهی رود پیروز شده، ولی در اکثر اوقات، میزان موفقیت و کفۀ ترازو به صورت نسبتاً زیاد، به نفع مردم سیستان بوده است. هردوت مورخ یونانی، در ۲۵۰۰ سال پیش، از این منطقه به عنوان انبار غله ایران نام می‌برد. (۱۵)

### الف - مشخصات اقلیمی و طبیعی منطقه سیستان

جلگه سیستان، به وسعت ۸۱۱۷۰۰ هکتار در شمال استان سیستان و بلوچستان واقع شده است و از سمت شمال و شرق به افغانستان، از جنوب و جنوب‌شرق به زاهدان و کشور پاکستان، از غرب و شمال غربی به کویر لوت و شهرستان نهبندان محدود می‌باشد. (۱۶)

متوسط ارتفاع دشت سیستان ۴۸۰ متر با شیب ۱/۴۰۰۰ است. خاک در این دشت از نوع رسوبی و مربوط به پایان دوره دوم و سوم، که توسط دوره چهارم پوشیده شده است، می‌باشد. PH خاک بین ۸ و ۹ در نوسان است. متوسط بارندگی

مطالب زیادی نوشته شده است که از آن جمله : خوردن حضرت آدم از آب گوارای منطقه سیستان (۱۴)، نمازگزاردن حضرت نوح در منطقه سیستان و دعا نمودن حضرت سلیمان در حق ساکنین سیستان و ... که در منابع تاریخی آمده است.

امروز، اقوام موجود در سیستان، بالغ بر سیصد تیره‌اند، که این اجزا در ساختار عشیرتی و ایلی، به چهل تیره مهم محدود شده است. شیوه نظام ایلی و عشیرتی، عمده‌ترین عامل تداوم نسلها و پایداری انسان در برابر طبیعت منطقه بوده است. «دیار سیستان دیدار باد و ریگ است و همان شهرت که گوید، باد آنجا آسیابها بگرداند و آب از چاه کشند و باغها سیراب کنند».

حیات سیستان در گرو جریان مستمر رودخانه هیرمند و سیرابی دریاچه هامون و استواری ساکنان آن در حفظ موارث زرفشان بوده است. هیرمند، رودخانه کار و زندگی سیستان است و از اهمیتی مانند دجله و فرات در عراق و نیل در مصر برخوردار است. در تاریخ سیستان، صحنه

آن ۵۶ میلیمتر و بیشترین آن در زمستان ریزش می‌نماید. میانگین درجه حرارت سردترین ماه سال (دی) ۹/۱۵ و گرمترین ماه سال (تیر) ۳۵ درجه سانتیگراد است. ماههای خشک و مرطوب منطقه به ترتیب ۹ و ۳ ماه و تبخیر در سیستان معادل ۵۰۰۰ میلیمتر است، این مقدار تبخیر به علت وزش بادهای شدید تابستانی می‌باشد. بیشترین تبخیر در ماههای یجرانی (خرداد، تیر، مرداد) صورت می‌پذیرد. عمده‌ترین باد و باد غالب منطقه، باد ۱۲۰ روزه سیستان است. که قسمتی از مشرق و جنوب شرقی ایران را در بر می‌گیرد. این باد، یکی از سهمناکترین بادهای ایران است که سرعت آن را بین ۱۱۰ تا ۱۷۰ کیلومتر در ساعت با درجه حرارتی معادل ۵۷ درجه سانتیگراد تخمین زده. تعداد روزهایی که هوای سیستان با باد و گرد، خاک و غبار همراه است به ۱۹۰ روز در سال می‌رسد.

### ■ آموزش و پرورش در منطقه سیستان

منطقه سیستان از لحاظ آموزش و تربیت نیروی انسانی کارآمد، دارای پتانسیل نهفته‌ای است. به طوری که درصد بالایی از پذیرفته‌شدگان کنکور سراسری، در استان، متعلق به این منطقه هستند.

### ■ کشاورزی منطقه سیستان

دشت سیستان قطب مهم کشاورزی، دامپروری و پرورش آبزیان استان است. این دشت، حاصل آبرفت‌های رودخانه هیرمند در طول سالهای متمادی می‌باشد، که جلگه‌ای حاصلخیز و هموار را در حاشیه رودخانه هیرمند و دریاچه هامون، جهت فعالیتهای کشاورزی و دامپروری پدید آورده است. از کل سطح زیر کشت محصولات سالیانه استان که حدود ۲۹۴۶۷۸ (۱۸۱) هکتار است، مقدار ۱۴۰۴۲۱ هکتار آن به سیستان تعلق دارد. یعنی، حدود ۴۸ درصد از مساحت کشت محصولات سالیانه در سیستان قرار دارد، در صورتی که مساحت سیستان فقط ۴/۷۴ درصد از مساحت کل استان می‌باشد. وجود یک میلیون واحد دامی و همچنین نژادهای اصیل گاو سیستانی و گوسفند بلوچی باعث شده که سیستان مهمترین قطب

تولیدات دامی استان به شمار آید. لازم به یادآوری است، که دریاچه هامون، فعالیتهای ویژه‌ای را در زمینه شیلات پرورش آبزیان در منطقه فراهم آورده است.

در جدول شماره ۲ سطح زیر کشت محصولات عمده سیستان نشان داده شده است.

### ■ منابع آب سیستان

حوضه آبریز سیستان، حوضه‌ای است و مسطح به وسعت حدود ۱۸۲۰۰ کیلومتر مربع، که تنها حدود ۴۰ درصد این حوضه در خاک ایران و باقی آن در خاک افغانستان است. (۱۹)

در حقیقت، حوضه سیستان، همان مصب هیرمند می‌باشد و در نواحی پست خود شامل تعدادی دریاچه با آب شیرین است که بزرگترین آنها هامون معروف به هامون سیستان یا هامون هیرمند است.

وسعت کلی دریاچه هامون صابری و پوزک، حدود ۴ هزار کیلومتر مربع و عمق متوسط ۵ متر (در فصول پر آبی) از پهناورترین سطوح آب شیرین در سراسر فلات ایران است. در زمان طغیان هیرمند، این سه دریاچه به هم می‌پیوندند و آب اضافی به

وسیله ابراهه شيله، از قوس جنوبی به باتلاق کودزهره در خاک افغانستان می‌ریزد.

متوسط دبی سالیانه رودخانه سیستان در بند کهک ۲۵۴۶ میلیون متر مکعب است.

### ■ آب زیرزمینی ناحیه

جلگه سیستان، جلگه‌ای هموار است که در نتیجه رسوبگذاری رودخانه هیرمند، در طی میلیونها سال، صدها متر ابرقت روی هم انباشته شده است. ریزبودن آبرفتها (رس و سیلت) اجازه تشکیل آبهای زیرزمینی در این ناحیه را نداده است. ضخامت زیاد این رسوبات غیر قابل نفوذ، هرگز اجازه نفوذ به داخل آنها را نداده و در نتیجه، آب هیرمند صرف تبخیر و جریان سطحی شده است.

تنها قسمت غرب دشت با توجه به حمل رسوبات درشت دانه از کوههای اطراف، اجازه نفوذ و تشکیل مختصری آب زیرزمینی را داده است. با تحقیقات بعمل آمده توسط وزارت نیرو، حداقل

حجم آب زیرزمینی موجود در سفره (غرب دشت) در گستره‌ای برابر هزار کیلومتر مربع و ضخامت

جدول شماره ۱ - تعداد دانش‌آموزان منطقه سیستان و همچنین درصد آنان در استان

مقطع	نوامز	ابتدایی	راهنمایی	متوسطه	هنرستان	جمع
تعداد	۲۶۵	۵۲۵۲۱	۲۱۳۴۳	۱۱۳۳۰	۵۸۴	۸۶۰۴۳
درصد نسبت به کل استان	۱۵/۸۲	۱۹/۸	۲۶/۳	۳۱/۹۵	۱۸/۷	—

منبع: آمارنامه استان سیستان و بلوچستان ۱۳۷۳

جدول شماره ۲ - سطح زیر کشت محصولات عمده منطقه سیستان در سال زراعی ۷۱ - ۷۰

ردیف	نوع محصول	سطح زیر کشت به هکتار
۱	گندم	۷۰۵۰۰
۲	جو	۱۵۰۰۰
۳	حبوبات	۶۵۰
۴	پیاز، گوجه‌فرنگی و سبزیجات	۴۵۰
۵	هندوانه، خربزه و خیار	۱۸۰۴۰
۶	سیدر یونجه	۱۱۰۹۵
۷	ذرت خوشه‌ای و علوفه‌ای و قصبه	۶۴۴۰
۸	انگور	۲۰۰۰
۹	توت	۲۰
۱۰	خرما	۶

اشباع ۳۰۰ متر و ضریب تغذیه ۲۵ درصد برآورد شده است. (۲۰)

### ■ شرایط نامساعد طبیعی و اثرات بیوشیمیایی آن بر روی انسان

شرایط نامساعد طبیعی در دشت سیستان، از عوامل عمده عقب ماندگیهای اقتصادی، اجتماعی این ناحیه است. از اصلی ترین شرایط طبیعی که مستقیماً بر حیات انسان تأثیر دارد و موجبات ناراحتیهای جسمی و روحی برای انسان را فراهم می آورد گرما و باد است.

در بعضی نقاط سیستان، روستاهایی وجود دارند که طی یک دوره ۱۵ ساله، زیر تپه های ماسه ای پنهان می شود.

بر طبق تحقیقات انجام شده، از علل مهم کوری در ناحیه، کراتیت شنی است. نایبایی بر اثر طوفانهای شنی (۲۱) ۲۸ درصد کل نایباییهای موجود در ناحیه سیستان را در بر می گیرد.

علاوه بر نایبایی، بیماریهای تنفسی دیگر، نظیر: آسم و دیگر بیماریهای تنفسی و همچنین بیماریهای عفونی ناشی از برخورد ماسه به پوست بدن، از عوارض دیگر مستقیم بادها هستند.

در سیستان، خشکی زیاد، ترک خوردگی پوست را به همراه دارد. خشکی بیش از حد هوا در ناحیه، کمبود منابع آبهای زیرزمینی و رو زمینی، موجب محدودیت بسیار در امور کشاورزی و دامپروری شده و در نتیجه اقتصاد ناحیه فلج، درآمد

خانوادهها کم و دست یابی به مواد غذایی متنوع و ضروری را غیر ممکن می سازد و انسان ساکن در ناحیه به علت فقر غذایی، آمادگی پذیرش بسیاری از بیماریهای می شود.

### ■ صنایع روستایی در منطقه سیستان

توسعه صنایع روستایی، یکی از راه حل های ایجاد اشتغال، به ویژه برای جوانان روستایی به شمار می رود که در سالهای اخیر، مورد توجه زیاد قرار گرفته است. این صنایع، غالباً به علت وجود مواد اولیه کانی یا کشاورزی، جهت عمل آوری و تبدیل آنها به محصولات صنعتی در یک منطقه روستایی احداث می شود.

سیستان، یکی از مناطقی است که دارای استعداد نفته ای در زمینه صنایع روستایی به خصوص فرش (قالی بافی، گلیم بافی) می باشد. این حرفه، در منطقه سیستان عموماً و به خصوص در مناطق عشایری، به صورت سنتی رایج است و به طور نادر کار بافت به طریقه نیمه صنعتی نیز، صورت می پذیرد.

### ■ بررسی درآمد ساکنین روستایی سیستان

الف - ضرورت بررسی  
بنابر آمار سازمان جهانی خواربار و کشاورزی وابسته به سازمان ملل (FAO)، ۷۰ درصد از ۱۲

جدول شماره ۳ - درآمد و هزینه محصولات عمده کشاورزی در استان (هزار ریال)

نام محصول	درآمد ناخالص	هزینه	درآمد ناخالص
گندم	۱۰۰۸	۶۷۲	۳۳۶
جو	۲۳۴/۲۴	۱۴۲/۷۴	۹۱/۱
هندوانه و خربزه	۶۳۳/۶	۳۵۹	۲۷۴/۶
نیاتات علوفه ای	۸۲۰	۳۲۸/۹	۴۹۱/۱
سایر محصولات	۵۰/۸	۱۵/۲۰	۳۵/۶
دامداری	۱۱۱۳	۷۱۷/۳۰	۳۹۵/۶
مجموع	۳۸۶۱/۶۴	۲۲۳۵/۱۴	۱۶۲۴

منبع: اطلاعات میدانی و منابع شماره ۱۳ و ۲۲

جدول شماره ۴ - شرح هزینه زندگی روستاییان سیستان در سالهای ۷۵ - ۱۳۶۹ (هزار ریال)

سال	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۵
مبلغ	۹۶۸/۴۱۲	۱۲۱۰/۵۱۵	۱۵۱۳/۱۴۴	۱۸۹۱/۴۳	۲۳۶۴/۲۸۸	۳۶۹۴/۲

میلیارد دامی (واحد گوسفندی) دنیا، متعلق به کشورهای در حال رشد است. اما کشورهای توسعه یافته با داشتن حدود ۳۰ درصد گاوهای کل جهان، ۸۰ درصد از کل شیر گاو را در جهان در سال ۱۹۸۹ تولید کرده اند. قاره اروپا با داشتن ۱/۳ تعداد کل گاو و گوساله آسیا، ۳/۵ برابر آسیا شیر تولید می کند. (۲۲)

مقایسه ایران با یکی از کشورهای اروپایی، نتیجه مشابهی به دست می دهد. همچنین، مقایسه منطقه سیستان با قطب های کشاورزی کشور، چنین نتیجه ای دارد.

مشکل منطقه سیستان در کمبود زمین کشاورزی، دام و سایر پتانسیل های اشتغال زا نیست، بلکه در عدم بهره روری و کارایی بهینه، عدم رعایت اصول اقتصادی در مدیریت زراعی، دامداری و صنایع روستایی و همچنین عدم شناخت عوامل مدیریت و رونق نیافتن صنعت در روستاهاست.

این مطالعات، برای مشخص کردن عوامل مؤثر در پایین بودن بهره برداران منطقه و راه حل های آن مفید است.

### ب - داده ها

اطلاعات مورد نیاز برای بررسی درآمد، شامل: مقدار زمین، سطح زیر کشت سالانه، نوع محصول مقدار تولید در هکتار، هزینه آنها و ... بوده است. روش به کار رفته برای مشاهده و گردآوری در این تحقیق، مشاهده مستقیم و ابزار به کار گرفته شده، تکمیل پرسشنامه و مصاحبه کتبی بود است. لازم به یادآوری است، که سوالات موجود در پرسشنامه ها باز بوده و در هر یک از آنها بهره بردار، نظرات خود را نیز بیان نموده است.

### ج - جامعه آماری

روستاییان مناطق سیستان، جامعه آماری مطالعه را تشکیل می دهد. شهرستان زابل دارای ۵ بخش، ۱۶ دهستان و حدود ۸۵۰ آبادی دارای سکنه است. (۲۳)

### د - روش نمونه گیری

پس از شماره گذاری روستاهای منطقه سیستان، تعدادی روستا به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند و در درون روستا نیز تعدادی خانوار مورد بررسی قرار گرفتند، که به

همین روش، (تصادفی) انتخاب شدند.

#### ۵. حجم نمونه

کلاً ۲۰ روستا، ۱۰۲۱ خانوار، بر اساس روش فوق‌الذکر انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفت. پس از حذف پرسشنامه‌های مشکوک و غیر قابل اعتماد، در نهایت، اطلاعات مربوط به هزار خانوار برای برآورد، آماده‌سازی شد.

#### ۶. درآمد و هزینه بهره‌برداران روستایی سیستان

محصولات عمده زراعی در منطقه سیستان گندم، جو، هندوانه و خربزه و نباتات علوفه‌ای است. علاوه بر این، محصولات عدس، ماش، کنجد، پیاز و ذرت نیز به صورت محدود در بعضی از روستاهای سیستان کشت می‌شود.

علاوه بر محصولات زراعی، انواع تولیدات باغی، شامل: انار، سیب درختی، انگور و توت نیز، در منطقه به عمل می‌آید. همچنین، صنایع روستایی نیز، سهم بسیار ناچیزی در درآمد بهره‌برداران ایفا می‌نماید که به دلیل اندک بودن از وارد نمودن در درآمد و هزینه‌ها خودداری شده است. درآمد و هزینه محصولات عمده در منطقه سیستان در جدول شماره ۳ ذکر گردیده است.

سهم هر خانوار سیستانی، حدود ۲/۵ هکتار زمین مزروعی و باغی است که، معمولاً زیر کشت محصولات ذکر شده قرار می‌گیرد.

هر خانوار سیستانی، به طور متوسط عرصه‌ای به مساحت حدود ۱/۶، ۰/۳، ۰/۲۵، ۰/۴ و ۰/۰۵ هکتار را سالانه، به ترتیب زیر کشت محصولات گندم، جو، نباتات علوفه‌ای، هندوانه، خربزه و سایر محصولات می‌برد که هر یک از آنها، برای یک خانوار در منطقه، سیستان درآمدی برابر با ۳۳۶، ۹۱/۱، ۴۹۱/۱، ۲۷۴/۶، ۲۵/۶ هزار ریال به همراه دارد.

علاوه بر زراعت، خانوارهای سیستانی در روستا، به امر دامپروری نیز مشغول هستند که به طور متوسط، دارای ۲۳ واحد دامی می‌باشند. درآمد متوسط هر خانوار از این حرفه نیز، ۳۹۵/۶ هزار ریال است. لذا با این وجود، هر خانوار روستایی سیستان، سالانه به طور متوسط، حدود ۱۶۲۴/۴ هزار ریال درآمد دارد.

#### ۷. مقایسه میزان درآمد و هزینه زندگی خانوارهای روستایی سیستان

درآمد هر خانوار روستایی در سال ۱۳۶۸ معادل ۵۹۳۶۲۲ ریال و هزینه آن برابر ۵۷۷۴۷۳ (۲۵) ریال بوده است. لذا، با توجه به اینکه آمار از سالهای جدید در دست نیست با احتساب سالانه به طور متوسط ۲۵ درصد افزایش قیمت هزینه زندگی در این مناطق به صورت ذیل محاسبه می‌شود.

با توجه به اینکه خط فقر در روستا، ماهانه ۳۷ هزار ریال است، (۲۶) باید درآمد سالانه حداقل حدود ۴۴۴۰۰۰۰ ریال باشد تا بالاتر از خط فقر زندگی نمایند. لذا، با وجود اختلاف بین این دو عدد و پایین بودن درآمد (ماهانه ۱۲۵۲۳۳ ریال)، روستاییان سیستان در نهایت فقر زندگی می‌نمایند.

#### ۸. علت فقر در منطقه سیستان

بر اساس بررسی‌هایی که در منطقه سیستان صورت گرفته است بهره‌برداران، عوامل ذیل را عامل فقر خود عنوان نموده‌اند.

#### ۹. پایین بودن راندمان کشاورزی منطقه

اکثر بهره‌برداران روستایی منطقه سیستان، کشاورز هستند و در کنار آن، تعدادی دام نیز نگهداری می‌نمایند و از این طریق امرار معاش می‌نمایند. اگر بخواهیم با فقر مبارزه نماییم، باید حداقل از شدت آن بکاهیم، در غیر این صورت باید فقر را بین خودمان توزیع نماییم. برای جلوگیری از چنین وضعیتی می‌توان رشد اقتصادی را همراه با توزیع مناسب درآمد و کاهش فقر به دست آورد. بخش کشاورزی دارای ویژگی خاصی است که در صورت بهره‌برداری بهینه از زمینهای زراعی، توزیع درآمد، متناسب می‌شود و فرآیند آن موجب کاهش فقر در منطقه می‌گردد. متأسفانه راندمان تولیدات زمینهای زراعی منطقه سیستان قابل مقایسه با پتانسیلهای موجود منابع مذکور نیست. علت آن، از یک طرف، عدم آموزش بهره‌برداران جهت استفاده از منابع موجود و از طرف دیگر، عدم تهیه ماشین‌آلات کشاورزی از قبیل تراکتور که این عامل نیز نقش مؤثری در کاهش راندمان تولید ایفا می‌نماید. به طوری که کشاورزانی در منطقه وجود دارند که با ۶۰ هکتار

زمین زراعی به صورت دسته جمعی از سال ۱۳۶۹ درخواست تراکتور نموده‌اند، ولی تا به حال موفق به معرفی خود به بانک کشاورزی شهرستان زابل نشده‌اند. با توجه به اینکه قیمت دستگاه مزبور برای کشاورزان بسیار زیاد و قادر به پرداخت نقدی قیمت آن نیستند، این وضعیت سهم به سزایی در کاهش راندمان تولیدات کشاورزی منطقه ایفا می‌نماید.

علاوه بر آن، کود نیز، یکی از نهاده‌هایی است که جهت تولید بهینه از زمین کشاورزی مورد نیاز است. در زمان برداشتهای میدانی اکثر روستاییان اظهار داشته‌اند که سیستم توزیع کود توسط ادارات مزبور مناسب نیست، علاوه بر آن، قیمت نهاده مزبور نیز از عهده خرید اکثر بهره‌برداران خارج می‌باشد، که این روند، باعث افت محصولات زمینهای کشاورزی منطقه شده است.

#### ۱۰. عدم وجود مکانهای اشتغالزا

صنایع کوچک در کشورهای توسعه یافته و نیز توسعه نیافته، هر دو دیده می‌شوند. وجود این صنایع در ممالک شرقی، نشانه آن است که می‌توانند در هر درجه‌ای از رشد اقتصادی کار کرده و وجود آن، لازمه هر نظام اقتصادی است. (۲۷) در کشور ایران که مراحل صنعتی خود را طی می‌نماید، صنایع کوچک اشتغالزا نقش بارزی در ایجاد اشتغال برای افراد ایفا می‌نمایند. در سالهای اخیر، در منطقه سیستان تعدادی صنایع روستایی به افراد متقاضی واگذار شد که به علت وسع بودن منطقه، نیاز به رسیدگی بیشتری دارد.

بنابراین، صنایع فوق اشتغال‌زایی مؤثری برای ساکنین منطقه سیستان به همراه نداشته است. در صورت احداث صنایع روستایی به دلیل بومی بودن این صنایع، محل اشتغال خوبی برای بیکاران فصلی روستاهاست. فعالیتهای تولید در این زمینه، ریشه در فرهنگ، آداب و رسوم و هنر مردم منطقه دارد. در برداشتهای میدانی انجام شده ۱۰۰ درصد نمونه‌ها نیز، عدم وجود مکانهای مزبور را عامل فقر خود به شمار می‌آورند.

#### ۱۱. تک محصولی

گندم مهمترین محصول کشاورزی منطقه سیستان است، که اکثر بهره‌برداران منطقه جهت امرار معاش خود این محصول را کشت می‌نمایند.

راندمان تولید این محصول در شرایط مزرعه، در حد بسیار پایینی، نسبت به سایر نقاط ایران است. ۲۲ درصد بهره‌برداران نمونه، علت فقر خود را کشت تک‌محصولی در منطقه سیستان می‌دانند. قابل ذکر است که محصولات دیگری از قبیل جو، هندوانه، خربزه، نباتات علوفه‌ای و ... نیز، در سیستان کشت می‌شود، ولی پایه و اساس زراعت منطقه را گندمکاری تشکیل می‌دهد. لازم است در این باره تحقیقات گسترده‌ای صورت گیرد، تا سازگاری انواع دیگر محصولات مفید بررسی شود.

#### ■ عدم وجود مخابرات

وسایل و امکانات ارتباطی نقش مؤثری در پیشرفت هر جامعه ایفا می‌نماید. ۲۶ درصد نمونه‌ها، معتقد بودند: عدم برخورداری از مخابرات در منطقه سبب پیشرفت فقر در بین آنان می‌شود.

#### ■ شوری خاک و عدم زهکشی آن

منظور از زهکشی فراهم کردن محیط مناسب برای فعالیت ریشه است، به طوری که در آن گیاه بتواند، حداکثر رشد خود را داشته باشد. بنابراین، هدف نهایی زهکشی، افزایش و تداوم تولید محصول، طی یک دوره زمانی طولانی است. عدم زهکشی و شوری زیاد خاک، باعث کاهش محصول می‌شود، زیرا ریشه گیاه برای رشد خود، فقط مقدار محدودی خاک در اختیار دارد و سیستم ریشه‌ای گیاه نمی‌تواند غذای مورد نیاز قسمت‌های هوایی را تأمین کند. در سیستان نیز در اکثر مناطق آن، چنین وضعیتی برای گیاهان پیش آمده است. ۲۴ درصد از نمونه‌ها، علت کاهش درآمد و فقر خود را در ارتباط مستقیم با شوری خاک منطقه می‌دانند.

#### ■ عدم وجود برق

تسهیلات و امکانات رفاهی یکی از عوامل مؤثری است که سهم به سزایی در استقرار بهره‌برداران منطقه ایفا می‌نماید. ساکنین روستایی و عشایر سیستانی که از نعمت داشتن برق محروم هستند، بخش عمده‌ای از درآمد ناچیز خود را صرف خرید نفت و وسایل روشنایی می‌نمایند. هر ۲۰ لیتر نفت در بین خانوارهای فوق‌الذکر، حدود هزار ریال خرید و فروش می‌گردد، زیرا نفت سهمیه‌بندی شده، رفع نیاز آنان را

نمی‌نماید. بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده، ۹ درصد نمونه‌ها محرومیت خود را به دلیل عدم وجود برق در محل زندگی خود می‌دانند.

#### ■ وجود آفات گیاهی

زندگی بشر به وجود سلامتی گیاهان وابسته است. حدود ۹۰ درصد غذای انسان از نباتات تأمین می‌شود. تقریباً ۸۵ درصد غذای انسانی از حدود ده گونه گیاهی که مهمترین آنها گندم و برنج است به دست می‌آید. (۱۸) اهمیت بیماریهای گیاهی غالباً ناشی از خساراتی است که این بیماریها با بروز اپیدمی یا خسارتهای معمولی به گیاهان و محصولات آنها وارد می‌سازد. برای مثال، زنگهای غلات را می‌توان ذکر نمود که به علت تغییر تعادل طبیعی یا تحت شرایط آب و هوایی خاص، به صورت اپیدمیک بروز کرده، موجب قحطی، مرگ و میر و گرانی می‌شود. یکی از اپیدمیها در سال ۱۹۴۸ در استرالیا اتفاق افتاد. در این حادثه تنها در یک منطقه از آن کشور ۲۷۰ هزار تن گندم که نان سه میلیون انسان را می‌توانست تأمین نماید، از بین رفت. در منطقه مورد مطالعه نیز، همه ساله انواع بیماریها باعث افت محصول می‌شود، که سهم به سزایی در تولید سالیانه بهره‌برداران ایفا می‌نماید. ۹ درصد از بهره‌برداران نمونه، انواع بیماریهای کنترل نشده را عامل فقر خود قلمداد می‌نمایند.

#### ■ نتیجه

روستاییان منطقه سیستان زندگی اسفناکی دارند. درآمد آنان نسبت به مخارج زندگیشان، بسیار ناچیز است، زیرا بازده محصولات زراعی، دامپروری و صنایع روستایی در حد پایینی قرار دارد و علاوه بر آن، مکانهای اشتغال‌زایی در منطقه وجود ندارد. علت اصلی پایین بودن بازده محصولات زراعی در منطقه، عدم وارد شدن کشاورزی مکانیزه، در اختیار نبودن زمان مناسب آب جهت آبیاری و نبودن ماشین‌آلات کشاورزی در منطقه است.

علاوه بر آن، نبودن واحدهای صنعتی اشتغال‌زا، از عوامل اصلی پایین بودن درآمد در روستاهای منطقه سیستان است. به طوری که حتی سهم بسیار ناچیزی را برای درآمد بهره‌برداران به خود اختصاص نمی‌دهد. علت

پایین بودن تولیدات دامی، افزایش تعداد دام در واحد سطح است که این وضعیت سبب کاهش بازده تولید می‌شود. به طوری که لاشه هر رأس گوسفند منطقه به حدود ۱۱ کیلوگرم می‌رسد. صنایع روستایی نیز، نقش بارزی در درآمد روستاییان ایفا نمی‌نماید، زیرا تحولاتی در روش تولید آن به وجود نیامده است و هنوز هم به صورت سنتی تولید می‌شود. اگر روند فعلی در منطقه ادامه یابد، سیر مهاجرت از مناطق روستایی سیستان به سایر نقاط کشور ادامه خواهد یافت و اکثر این بهره‌برداران، حاشیه نشینی را بر زندگی در روستاهایی که حتی قوت روزانه آنان را تأمین نمی‌نماید، ترجیح خواهند داد.

#### ■ پیشنهادها

- تأمین ماشین‌آلات کشاورزی منطقه، پیشنهاد می‌شود، تحویل تراکتور در منطقه بصورت شورایی انجام پذیرد تا از فروش آن در بازار آزاد جلوگیری شود، این کمیسیون می‌تواند، مرکب از جهاد سازندگی، کشاورزی و بخشدار منطقه باشد.

- ورود به موقع آب جهت کاشت و آبیاری محصولات زراعی باغی.

- فعال نمودن شرکتهای تعاونی روستایی و نظارت بر نحوه کار آنها.

- ایجاد صنایع کوچک کشاورزی و روستایی (صنایع کاربری) و تأمین فرصتهای شغلی مناسب.

- ایجاد تقابل بین تولیدکنندگان محصولات کشاورزی و کالای صنعتی در منطقه.

- سالم‌سازی اقتصادی، هرگونه پیشرفت واقعی اقتصادی تنها در گرو اصلاح سالم سازی ساختار اقتصاد ملی امکان‌پذیر است، سالم سازی اقتصاد ملی یعنی بهره‌برداری بهینه از استعدادهای و امکانات داخلی جهت خارج شدن از حوزه‌کنشها و واکنشهای خارجی.

- از بین بردن دست واسطه‌ها از روستاها

- اصلاح نظام توزیع در روستاهای منطقه (تهادهای کشاورزی)

- توزیع وامهای کشاورزی یا بهره کم، متناسب با وضعیت اقتصادی و اجتماعی منطقه.

- تغییر آموزش رسمی در روستاهای منطقه، متناسب با نیازهای زندگی روستاییان به طوری که بتواند، در ایجاد و گسترش اشتغال در روستا

مؤثر باشد.

- پرداخت یارانه توسط دولت برای حمایت از کشاورزان منطقه به جای افزایش قیمت محصولات کشاورزی آنان.

- فرهنگ ایثار، کار برای رضای خدا و حل مشکل مردم به نظام اداری منطقه تزریق شود.

- فرهنگ تولید همه چیز در محل و زندگی در حد امکانات تولید داخلی و از این دیدگاه، اندیشه تأمین اقتصادی منطقه، هدف اصلی برنامه ریزان باشد.

- یک تلاش همگانی برای بهره‌وری بهینه از منابع طبیعی، انسانی، تکنولوژی، افزایش ظرفیتهای تولیدی و علمی، جلوگیری از اتلاف وقت و لغو مقررات دست و پاگیر اداری، مبارزه با مصرف‌زدگی و اسراف، باید هر چه زودتر در منطقه آغاز شود.

- امور مربوط به عمران روستایی در منطقه، به جهاد سازندگی محول شود.

## منابع و مأخذ

- ۱- مجله جهاد، شماره ۱۲۸، ص ۵
- ۲- مجله جهاد، شماره ۱۲۵، ص ۱
- ۳- از کیا مصطفی، جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران، ص ۹
- ۴- منبع شماره ۳، ص ۲۰
- ۵- مجله جهاد، شماره ۸۶، ص ۲۱
- ۶- روستا و توسعه، گاهنامه شماره اول، دی ماه ۱۳۶۶، ص ۹
- ۷- روزنامه جمهوری اسلامی شماره ۴۹۷۲، مورخ شنبه ۳۰ مرداد، ۱۳۷۵
- ۸- منبع شماره ۶، ص ۱۸
- ۹- آزاده، غلامرضا، ترجمه، الگوی نظری در اقتصاد توسعه، ص ۲۱۴
- ۱۰- منبع شماره ۳، ص ۶۸
- ۱۱- اقتصاد کشاورزی و توسعه، فصلنامه پژوهشی سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۱
- ۱۲- منبع شماره ۳، ص ۷۴
- ۱۳- راهنمای دانشگاه سیستان و بلوچستان، انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان
- ۱۴- سنجهر، ستوده، احیاء الملوک، بنگاه ترجمه نشر کتاب، ص ۱۱

۱۵- بررسی مهاجرت و حاشیه‌نشینی در شهر زابل، نشریه شماره ۱۴، تیر ماه ۱۳۶۶ - سازمان

برنامه و بودجه استان سیستان و بلوچستان  
۱۶- جهان تیغ، منصور، پایان نامه کارشناسی ارشد. عنوان: بررسی تغییرات وزن دام در کوچ

عشایر سیستان، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۴  
۱۷- آمارنامه سیستان و بلوچستان، سازمان

برنامه و بودجه استان، سال ۱۳۷۲  
۱۸- منبع شماره ۱۳

۱۹- تحقیقات جغرافیایی، گروه جغرافیایی بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی،

شماره ۲، تابستان ۱۳۶۸، ص ۱۷۱  
۲۰- منبع شماره ۱۹، ص ۱۷۵

۲۱- منبع شماره ۱۹، ص ۱۷۸  
۲۲- روستا و توسعه، فصلنامه علمی و پژوهشی،

سال ۷، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۳، ص ۷  
۲۳- آمارنامه استان سیستان و بلوچستان -

سازمان برنامه و بودجه استان، ۱۳۶۹  
۲۴- آمارگیری روستایی جهاد سازندگی، آبان ماه ۱۳۶۰

۲۵- طرح مطالعات جامعه عشایری، گزارش نهایی مطالعه عشایری استان، سازمان برنامه و

بودجه استان  
۲۶- روزنامه کیهان، ۲۹ خرداد ۱۳۷۵

۲۷- هدائی، دکتر ضیاء، نقش صنایع کوچک در توسعه اقتصاد ایران، ص ۹

۲۸- الهی‌نیا، سیدعلی، قارچ شناسی و بیماریهای گیاهی مقدماتی ص ۱

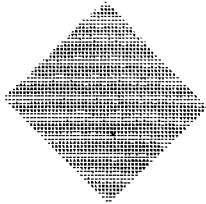
بقیه از صفحه ۷۸

## پی‌نوشت‌ها:

۱- در مقدمه کتاب مورد استناد، در تعریف واژه‌های متد و تکنیک آمده است که:

متد، ارتباط یا اتصال بین مؤسسه یا آژانس رهبری‌کننده برنامه آموزش و دانشجو یا مشارکت‌کنندگان در برنامه است. تکنیک، شیوه‌ای است که اشخاص یا معلم برای ارتباط فراگیر یا منابش به کار می‌گیرد.

۲- در کتاب «مرجع ترویج کشاورزی» که توسط استاد دکتر اسماعیل شهبازی و مهندس احمد حجاران ترجمه شده است، بحث تکنیکهای آموزش گروهی، در فصل نهم، مورد اشاره قرار گرفته است. علاقمندان می‌توانند برای اطلاع به این فصل رجوع نمایند.



بقیه از صفحه ۷

باشد، و منحنی لورنز بر ۹۰ برابر برای کامل، منطبق باشد، مقدار «عددی» ضریب جینی، معادل صفر خواهد بود. و اگر درآمد، با تصور کاملاً نابرابر (ناسادانه)، توزیع شده باشد، مقدار عددی آن برابر با ۱ خواهد بود.

ضریب جینی، برای کشورهای مختلف که توزیع درآمد آنها بسیار نابرابر است، عموماً بین ۰/۵ تا ۰/۷ است. در حالی که در کشورهایی که توزیع درآمد آنها نسبتاً عادلانه است، این ضریب بین ۰/۲ تا ۰/۳ است.

۸- تایم / ۱۲ اکتبر ۱۹۵۵

۹- سازمان بهره‌وری آسیا، ۸۰ مطالعه یافته‌های دوره مطالعاتی کاهش فقر روستایی، ترجمه محمد جواد مرادی‌نژاد، ص ۳.

۱۰- r. Gaiba (1993) ibid - p - 1

۱۱- L. Jaziriy, M. Alomgir 8 T. panuccio, the state of world poverty, IFAD, Rome, 1992

۱۲- Lipton

۱۳- Mirdal

۱۵- chambers

۱۶- ماهر، فرهاد، «مددکاران اجتماعی روستایی، راهبردی نو»، مجموعه مقالات کنگره همایش بررسی مسئله فقر و فقرزدایی

۱۷- سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵، ص ۳۰۱

۱۸- زیاری - کرامت... «فناوری و متالورژی» تعیین فقر و توزیع درآمد» مجله و مقالات خردشناسی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵، ص ۹۸

۱۹- همان منبع

۲۰- Human development report 1994 / p 30

۲۱- زیتون شماره ۱۲۴، بهار، زمستان ۱۳۷۲